

A	
Abatement Debris	زائدات ناشی از فعالیتهای احیاء
Abatement	کاهش درجه یا شدت آلودگی و یا حذف آن
Abrasion	سایش مواد سطحی مثل مواد دیرگداز در یک زباله سوز یا بخشهایی از تجهیزات راه اندازی شده مواد زائد جامد از طریق عمل ساییدن جامدات، مایعات یا گازهای متحرک
Absorption	جذب آب یا سایر سیالات یا مواد شیمیایی محلول از طریق سلول یا یک اندام (مثل جذب ریشه ای مواد مغذی محلول از خاک)
Acceptance Test	آزمایش ماشین آلات یا تجهیزاتی که تحت پیمان و قرارداد تهیه شده اند. این آزمایش برای تعیین این است که آیا نوع عملکرد این تجهیزات منطبق بر مشخصاتشان هست یا خیر. به واژه commissioning test هم نگاه کنید.
Accumulator, Hydraulic	محفظه ای که در محل برون فرستی یک پمپ دوسویه برای ذخیره سازی انرژی ساخته شده است.
Acre-foot	واحد اندازه گیری که از سیستم بین المللی اوزان و مقیاسها گرفته نشده، در برخی کشورها کاربرد دارد و به عنوان حجم ماده ای که روی زمینی با مساحت یک اکررا تا عمق یک پای می پوشاند تعریف شده است. واحد SI مترمکعب است:
	$1 \text{ acre-foot} = 1233/5 \text{ m}^3$
Actinomycetes	گروه بزرگی از میکروارگانیسمهای کبک مانند که نقش بسیار مهمی را در تثبیت مواد زائد جامد در روش کمپوست بعد از دارند.
Activated Sludge	لجن حاوی هوا و میکروارگانیسمهای فعال که به فاضلاب تصفیه نشده افزوده می شود و در نتیجه باعث سرعت بخشیدن به فرآیند تصفیه فاضلاب می گردد.
Acute Exposure	تماس با یک ماده سمی که ممکن است منجر به عوارض بیولوژیکی متعدد و یا مرگ شود. تماس حاد معمولاً به عنوان تماسی که طولانی تر از یک روز نباشد مشخص می شود.
Adaptation	تغییرات ساختار فیزیولوژیکی یا وظایف یا عادات ارگانیسمها که منجر به زنده ماندن آنها در محیطهای جدید می گردد.
Add-on Control Device	یک ابزار کنترل آلودگی هوا مثل جاذب کربنی یا زباله سوزی که آلاینده های گاز آگزوز را کاهش می دهد. ابزار کنترل معمولاً روی فرآیند کنترل اثر ندارد. بنابراین یک تکنولوژی Add-On محسوب شده و بر عکس طرح کنترل آلودگی از طریق جایگزینی خود فرآیند اصلی می باشد.
Adequately Wet	آزبستی که حاوی ماده ای می باشد که به مقدار کافی با مایعی مخلوط شده یا در آن نفوذ می نماید تا از آزاد شدن ذرات جلوگیری نماید.
Adsorption	حذف آلاینده از هوا یا آب از طریق جمع شدن آلاینده روی سطح یک ماده جامد؛ مثلاً یک روش پیشرفته تصفیه فاضلاب استفاده از کربن فعال است که مواد آلی را از فاضلاب حذف می نماید.
Aeration	فرآیند تماس ماده ای حجیم مثل کمپوست یا مواد زائد جامد محل دفن با هوا یا مایعی که با هوا تخلیه می شود. برای هوادهی از چند روش ممکن است استفاده شود که شامل رانش هوا به ماده از طریق مایع یا بهم زدن مایع برای افزایش سطح تماس با هوا می شود.
Aerobe, Facultative	ارگانیسمی که هم در حضور و هم در غیاب اکسیژن جو قادر به تنفس می باشد.
Aerobe Obligate	ارگانیسمی که برای تنفس به اکسیژن جو نیاز دارد.
Aerobic	زندگی یا فرآیندهایی که به اکسیژن نیاز داشته و یا اکسیژن آنها را ناپود نمی کند (به Anaerobic نگاه کنید).
	فرآیندی که در آن میکروارگانیسمها ترکیبات آلی پیچیده را در حضور اکسیژن تجزیه می کند و انرژی آزاد شده در این فرآیند برای رشد و تولیدمثل استفاده می شود. (چنین فرآیندهایی شامل فرآیندهای هوادهی ممتد، صافی چکنده و تماس دهنده های بیولوژیکی دوار می باشد).
Affected Landfill	بر اساس قانون هوای پاک، دفن باید ضوابط ظرفیت، سن و میزان انتشاری را که از طریق EPA تعیین شده است رعایت نماید. در محل دفن باید گاز منتشره جمع آوری و سوزانده شود.
After Burner	محفظه احتراقی که در آن دود، منوکسید کربن یا سایر مواد آلی موجود در گاز خروجی کوره ها یا موتورهای خاص سوزانده می شوند. این محفظه معمولاً حاوی نفت یا شعله های گاز سوز است که برای حفظ میزان درجه حرارت بالا و تنظیم محتوای اکسیژن گازها کنترل هوا امری ضروری است. برای سوزاندن مواد آلی متعفن موجود در گازهای متصاعد شده از فرآیندهای گوناگون نیز از شعله های پس سوز استفاده می شود. گازهای ورودی پس سوز باید به اندازه کافی داغ باشند. گاهی اوقات با استفاده از کاتالیزور می توان احتراق کامل را در دمایی پایین تر از دمای معمول انجام داد. تامین سوخت برای پس سوز ممکن است فقط در راه اندازی یا در ظرفیت پذیرش پایین لازم باشد. پس سوز کاتالیتیکی بطور گسترده در صنعت و اغلب برای انواع خاصی از زباله سوزها مثل زباله سوزهای کوچک خانگی و زباله سوزهای تخصصی صنعتی استفاده می شود.

After Use	استفاده خاصی از زمینی که با مواد زائد جامد تقویت شده است مثلاً زمین کشاورزی یا پارک
Aggregate	1- در تمیز کردن گاز، مجموعه ای از ذرات خشک نسبتاً ثابت را می گویند که تحت جریان نیروهای فیزیکی شکل می گیرند (ISO2 موقت)، فرایند شکل گیری توده انباشتگی نامیده می شود. در سایر زمینه ها، لازم نیست که ذرات خشک باشند. این واژه که در شیمی کلونیدی به کار می رود و صریحاً به ساختاری که از بهم چسبیدگی ذرات کلونیدی به وجود می آید اشاره می نماید. تشکیل توده در سلهای کلونیدی ناپایدار انعقاد (تشکیل یک دلمه) یا لخته سازی (تشکیل لخته) نیز نامیده می شود. برخی از نویسندگان بین این دو واژه تفاوت قائل می شوند. اما در اغلب موارد این دو واژه بطور مترادف استفاده می شوند. 2- سنگهای خرد شده یا سنگریزه هایی که برای استفاده در سطح جاده ها، بتن یا مخلوطهای بتونی تا سایز مشخصی غربال می شوند. خاکه جوشهای زباله سوزها در موارد خاصی ممکن است به عنوان یک توده استفاده شوند.
Aggregation	به Aggregate نگاه کنید.
Agricultural Pollution	زائدات کشاورزی شامل رواناب سطحی، آفت کشها یا کودها، خوردگی و غبار ناشی از شخم زدن، دفع نامناسب کود حیوانی، لاشه حیوانات، باقیمانده محصولات و نخاله ها
Air Contaminant	هر ماده ذره ای، گازی یا مرکب غیر از بخار آب
Air Defficiency	کمبود هوا در مخلوطی از هوا. سوخت؛ تامین اکسیژن مورد نیاز استوکیمتری برای اکسیداسیون کامل سوخت
Air Jet	[یکی از چندین] جریان پرسرعت هوا که از نازل‌های داخل دیواره زباله سوز جهت تامین تلاطم، هوای اشتعال یا اثر سردکنندگی به بیرون دمیده می شود.
Air Pollutant	هر ماده ای که در غلظت بالا برای انسان، حیوانات، گیاهان یا مواد مضر باشد. آلاینده ها شامل هر نوع ماده طبیعی یا ترکیبات مصنوعی قابل انتقال از طریق هوامیباشند. آلاینده ها ممکن است به صورت ذرات جامد یا قطرات مایع باشند. 1- آنهایی که مستقیماً از منابع مشخص منتشر می شوند. 2- آنهایی که از طریق واکنش بین دو یا چند آلاینده در هوا یا از طریق واکنش با مواد جوی خاصی تولید می شوند. آلاینده های هوا اغلب به دسته های جامدات، ترکیبات گوگردی، مواد آلی فرار، مواد ذره ای، ترکیبات نیتروژنی، ترکیبات اکسیژنی، ترکیبات هالوژنی، ترکیبات رادیواکتیو و بو تقسیم میشوند آلودگی هوا: حضور آلاینده ها در هوا که برای سلامت یا رفاه انسان و... مضر است یا اثرات زیست محیطی مضر ایجاد می نماید.
Air Pollution Control Device	مکانیسم یا تجهیزاتی که مواد منتشره از منابع (مثلاً زباله سوز، دودکشهای صنعتی یا آگزوز اتومبیل) را از طریق حذف آلاینده پاک می کند.
Air Pollution Episode	دوره ای که غلظت آلاینده های هوا به مقدار غیرمعمول و زیاد برسد که اغلب در شرایط کم بودن باد و اینورژن دما رخ داده و موجب بیماری و مرگ می شود.
Air Quality Standards	میزان آلاینده ها که در قوانین توصیه شده است و نباید در طول یک دوره زمانی در یک منطقه خاصی افزایش یابد.
Air Secondary	به Overgrate air نگاه کنید.
Air Theoretical	مقدار هوایی از ترکیب شیمیایی یک ماده زائد محاسبه می شود و ماده زائد باید بطور کامل سوزانده شود. همچنین به هوای استوکیمتری و هوای تنوریکی احتراق نیز گفته می شود.
Alkaline	شرایط آب یا خاک که حاوی مقداری ماده قلیایی باشد که PH را به بالاتر از 7 برساند.
Amplitude	(فیزیکی) دامنه؛ این واژه در مورد مواد زائد جامد، دامنه حرکت سرند لرزان یا تغذیه گر می باشد.
Anaerobic	نوعی زندگی یا فرایند که در غیاب اکسیژن رخ داده و در حضور آن نابود می شود.
Anaerobic Decomposition	کاهش میزان انرژی خالص و تغییر ترکیب شیمیایی مواد آلی در اثر فعالیت میکروارگانیسمها در محیطی عاری از اکسیژن
Analysis	تعیین انواع و ترکیب مواد مختلفی که نمونه مواد زائد جامد را تشکیل می دهند. روشهای پیشنهادی برای آنالیز زائدات جامد موجود است. به عنوان مثال می توان به روشهای پیشنهادی موسسه مدیریت زائدات جامد انگلستان ویا روشهای موجود در کتابخانه سازمان بازیافت شهرداری تهران اشاره نمود.
Analysis, Elemental	تعیین عناصر موجود در یک نمونه بدون تاکید بر روشی که عناصر با هم ترکیب شده و مولکول را تشکیل می دهند.
Analysis, Proximate	تعیین طبقه یا گروه اجزاء موجود در نمونه بدون تاکید بر تشخیص یا تعیین هر جزء به صورت منفرد (مثلاً تعیین کل آکالونیدها در یک واحد یا تعیین کل پروتئین در سرم خون)، تجزیه تقریبی غالباً در سوختههای جامد برای تعیین میزان رطوبت، خاکستر و میزان کربن ثابت به کار می رود. ترکیبات خاص دیگری هم ممکن است به همراه میزان گرمایی سوخت تعیین گردد.
Analysis, Ultimate	به Analysis, elemental نگاه کنید.
Angle of Repose	حداکثر زاویه حادی که سطح شیبدار یک ستون مواد تقسیم شده می تواند با افق بسازد.

Animal Bedding	مواد آلی که در کف اصطبلها، طویله ها و ... ریخته می شود تا فضولات را جذب نماید.
Anti-Microbial	ماده ای که میکروبها را می کشد.
Aqueous Solubility	حداکثر غلظت یک ماده شیمیایی که در آب خالص در یک دمایی معین حل می شود.
Aquifer	تشکیلات (لایه یا قشر) متخلخل آبدار نفوذپذیر سنگی ماسه ای یا شنی که قادرند مقادیر معینی آب پس بدهند.
Aquifer Test	آزمایشی که خصوصیات هیدرولیکی سفره آب زیرزمینی را تعیین می نماید.
Aquitard	تشکیلات ژئولوژیکی که ممکن است حاوی آب زیرزمینی بوده اما قادر به انتقال آن تحت شیب هیدرولیکی نرمال نمی باشد. به عنوان بستری برای محسوب کردن عمل می نماید.
Area Source	هر نوع منبع آلودگی هوا که بالای یک منطقه نسبتاً کوچک آزاد شده و منبع نقطه ای نیز محسوب نمی شود. این منبع شامل وسایط نقلیه سنگین و سایر موتورهای کوچک، مکانهای تجاری کوچک و فعالیت خانگی یا منابع زیست محیطی مثل جنگلی که هیدروکربن آزاد می کند می باشد.
Asbestos	یک فیبر معدنی که قادر به آلودگی هوا یا آب بوده و در صورت تنفس منجر به ایجاد سرطان یا بیماریهای ریوی می شود. EPA استفاده از این ماده را در کارخانجات یا ساختمانها ممنوع و یا شدیداً محدود نموده است.
Asbestos-Containing	هر نوع زائداتی که حاوی آزبستوز تجاری بوده و توسط منبعی که تحت لوای قانون آزبستوز هوای پاک می باشد،
Waste Materials (ACWM)	(NEHAPS) تولید می شود.
Ash	باقیمانده جامد حاصل از احتراق بسیار کامل
Ash-Free Basis	روشی که در آن وزن خاکستر نمونه سوخت از وزن اصلی کسر شده و وزن تعدیل شده برای محاسبه درصد مقدار ترکیبات ویژه موجود در آن مورد استفاده قرار می گیرد. به عنوان مثال درصد کربن ثابت (FC) براساس روش خاکستر آزاد به صورت زیر محاسبه می شود:
	$FC \text{ (وزن)} * 100$
	$\% \text{ خاکستر فرار} = \frac{\text{وزن خاکستر} - \text{وزن نمونه سوخت}}{\text{وزن نمونه سوخت}} * 100$
Ash-Handling System,	سیستمی از لوله ها و جداساز سیکلونی که خاکستر پراکنده یا غبار کف را توسط جریان هوا به سطل زباله منتقل می نماید
Pneumatic	
Ashpit	1- یک محفظه ثابت برای ذخیره زائدات جامد. استفاده از محفظه ها قبلاً در ساختمانها رایج بود اما امروزه محفظه های ثابت منسوخ شده و محفظه های متحرک جایگزین آن شده است. 2- گودالی که زیر کوره تعبیه می شود خاکستر در آن انباشته شده و از آنجا انتقال می یابد.
Ash Sluice	شیار یا کانالی که در آن آب باقیمانده خاکستر گودال را به محل دفع یا جمع آوری منتقل می نماید.
Aspect Ratio	نسبت طول به عرض مثلاً در آتشدان یک زباله سوز
Assay	آزمایش برای تعیین گونه یا اثر شیمیایی یا میکروبی
Attemperation	فرآیند سرد کردن گازهای احتراق، سرد کردن با هوا: سرد کردن گازهای احتراق از طریق مخلوط کردن هوا با آنها. سرد کردن با آب: روشی برای سرد کردن گازهای احتراق از طریق تبخیر آب مخلوط شده با گاز هابه شکل یک اسپری ریز
Attenuation	تصفیه طبیعی آب آلوده با عبور آن از میان زمین. حذف تدریجی مواد معلق از یک مایع با عبور از مواد متخلخل
Autoignition Point	به Ignition Point نگاه کنید.
Autothermic	توانایی اشتعال پایدار بدون یک منبع خارجی گرمازا
Availability Factor	دوره زمانی که در طول آن تجهیزات یا واحد برای استفاده در دسترس است و به صورت درصد کل زمان اسمی موجود بیان می شود به عنوان مثال: تعداد روزهایی که واحد قابلیت استفاده دارد
	$100 * \frac{\text{فاکتور دسترسی سالیانه}}{\text{تعداد روزهای استفاده}}$
	365
	B
Backactor	به Backhoe نگاه کنید.
Back-Blading	روشی که برای مسطح کردن زائدات جامد یا پخش مواد پوششی در عمل دفن به کار می رود. تراکتور لبه های بریده شده را به سوی عقب تیغه روی زباله یا مواد پوششی می کشد.
Back Fill	فرآیند پر کردن مجدد حفرات (گودال برداری) یا موادی که به این منظور استفاده می شود.
Back Hoe	ابزار مکانیزه حفر شیار که به همراه گود بردار هیدرولیکی استفاده میشود. در برخی ایستگاههای انتقال برای فشرده کردن زائدات جامد در ماشینهای بارگیری و انتقال نیز از آن استفاده می شود.
Backhoe Tamping	فرآیندی که در برخی از ایستگاههای انتقال زباله استفاده می شود که در آن از ابزار ایجاد شیار برای فشرده کردن مواد

	زائد جامد در ماشینهای انتقال روباز استفاده می گردد.
Backyard Composting	فرآیندی که طی آن زباله های آلی و نخاله های حیاط منزل از جریان زباله شهری جداسازی شده و در حیاط از طریق تجزیه کنترل شده مواد آلی توسط باکتریها و قارچها کمپوست شده و به محصولی شبیه هوموس تبدیل می شوند باید در نظر داشت که این روش میزان زباله را کاهش می دهد و بازیافت محسوب نمی شود. زیرا مواد کمپوست شده وارد جریان زباله های شهری نمی گردد.
BACT-Best Available	محدودیت انتشار که بر پایه حداکثر درجه کاهش انتشار (انرژی، اثرات زیست محیطی و اقتصادی) تدوین شده و با کاربرد فرآیندهای تولید و روشها، سیستمها و فنون موجود قابل حصول است. میزان انتشار مجاز براساس BACT
Control Technology	بیشتر از پیشنهادی قانون هوای پاک نیست. استفاده از مفهوم BACT برای منابع انتشار جدید یا اصلاح شده به صورت موردی مجاز است و برای هر آلاینده تنظیم شده به کار می رود.
Baffle	ابزاری که برای تغییر جهت یا کاهش سرعت یک سیال به کار می رود.
Baffle Chamber	نوعی واحد ته نشینی که شامل یک سیستم راه بند است که در آن مواد ذره ای زیر (مثل خاکستر پراکنده) با تغییر جهت یا کاهش سرعت از گاز دودکش جدا می شود.
Bag Filter	به Filter Bag نگاه کنید.
Bagging	فرآیندی که طی آن کمپوست خشک و رسیده در مسیر یا کیسه های نفوذناپذیر جهت ذخیره و فروش قرار می گیرد.
Bale	تشکیل توده مترکم با افزایش فشار در ماشین بسته بندی معمولاً برای سهولت بسته بندی، ذخیره و انتقال کاغذ باطله و ورق فلزات فشرده می شوند.
Baler	ماشینی که با تراکم توده زائادات جامدات یا مواد دیگر را فشرده می سازد.
Baling	فشرده کردن زباله و تشکیل بلوک به منظور کاهش حجم آن و سهولت عملیات .
Ballistic Separator	ماشینی که مواد آلی و غیرآلی را برای کمپوست کردن بسته بندی می کند.
Barge Bed	بستر از گل، در کنار اسکله یا رودخانه جایی که قایقها می توانند در آنجا لنگر ببندند.
Barrier Loader	نوعی ماشین جمع آوری زباله که از طریق آن زباله روی یک صفحه یا مانع عمودی بارگیری می شود. ماشین ابتدا نزدیک جلوی بدنه است و با پیشرفت بارگیری به سمت عقب حرکت می کند.
Batch Process	فرآیندی که طی آن مواد خام به صورت قطعات مجزا به واحد وارد می شوند.
Bearing Capacity	حداکثر باری که یک ماده می تواند قبل از شکستن تحمل نماید.
Beater Arms	تیغه های متصل به محور استوانه ای دوار که در برخی غلتکهای خردکننده استوانه ای دیده می شوند و به فرآیند خرد شدن کمک می کنند.
Beccari Process	نوعی فرآیند کمپوست زباله که در آن زباله در اطاقهایی که دارای سیستم تهویه هستند به مدت 40 تا 50 روز قرار گرفته سپس مواد تجزیه شده از عناصر غیرقابل کمپوست جدا می شوند.
Bentonite	مواد معدنی رسی شبیه به گل سرشور، به عنوان یک لایه غیرقابل نفوذ در زمین آبگرفته استفاده می شود. به عنوان مثال در ساخت مخازن ذخیره زباله و به عنوان آستر در حفاری های معدنی که از آنها بعنوان محل نگهداری زباله استفاده می شود کاربرد دارند. هدف از استفاده از این مواد پیشگیری از آلوده شدن سفره های آب زیرزمینی توسط شیرابه زباله است.
Bimetal	به قوطیهای حاوی مواد نوشیدنی با بدنه های فولادی و دریهایی آلومینیومی گفته می شود. کارخانه های فولاد قوطیهای فلزی را بازیافت می کنند اما در مورد بازیافت قوطیهای آلومینیومی به صورت متفاوتی عمل می نمایند.
Bin	مخزن قابل حمل و درپوش دار برای نگهداری مواد زائد جامد خانگی یا تجاری .
Binette	ظرف کوچک و قابل حمل زباله با درپوشی مناسب برای استفاده در منازل که زباله برای جمع آوری نهایی از آن به کانتینر منتقل می شود.
Bin Hoist Mechanism	وسیله ای که بر ماشین جمع آوری زباله سوار شده و به کمک آن سطرها یا مخازن زباله بالا برده شده و تخلیه می شوند.
Bin Liner	کیسه پلاستیکی یا کاغذی که در داخل سطل زباله قرار گرفته و برای جمع آوری زباله با محتوایش جابجا می گردد.
Bin Trolley	چرخ دستی سبک با دوچرخ که برای انتقال سطهای خاکروبه و سطهای فولاد سنگین مخصوص "بارگیری بدون خاک" به ماشین جمع آوری استفاده می شود.
Biochemical Oxygen	شاخص آلودگی آب که میزان مواد بیوشیمیایی قابل تجزیه موجود در آب را نشان می دهد.
Demand (BOD)	
Biodegradable	قابل تجزیه فیزیکی و یا شیمیایی توسط میکروارگانیسمها

Biological Contaminants	ارگانسمهای زنده یا مشتقات آنها (ویروسها، باکتریها، قارچها و آنتی ژنهای پستانداران و پرندگان) که در صورت تنفس، بلع و یا ورود به هر طریق دیگر به بدن برای سلامتی انسان مضر می باشند.
Biological Oxidation	تجزیه مواد آلی پیچیده توسط میکروارگانیسمها. این عمل در توده آبیهای خود پالا و فرایند لجن فعال در تصفیه فاضلاب رخ می دهد.
Biological Treatment	تکنولوژی تصفیه که از باکتری برای نابودی مواد زائد آلی استفاده می کند.
Biostabilizer	ماشینی که زائدات جامد را خرد نموده، هوای کرده و به کمپوست تبدیل می کند.
Biotransformation	تبدیل یک ماده به ترکیبات دیگر توسط ارگانیسمها، شامل تجزیه زیستی نیز می شود.
Blast Gate	خفه کن کشویی فلزی در یک کانال که عموماً برای تنظیم جریان هوای تحت فشار استفاده می شود و در فشارهای بالا و غیر نرمال به هوا اجازه خروج می دهد.
Block, Insulating	به Brick, fireclay نگاه کنید.
Blow Hole	سوراخ یا شکافی که در لایه اشتعال مواد آتشدان زباله سوز شکل می گیرد. علت تشکیل آن اشتعال خاکستر مواد بسیار فرار یا اشتعال غیر معمول لایه های غیریکنواخت بستر آتش می باشد.
Bod	به Biochemical Oxygen Demand نگاه کنید.
Boiler Feed Water	آبی که برای ایجاد بخار استفاده شده و معمولاً به تصفیه خاصی نیاز دارد.
Boiler, Integral	دیگ بخاری که درون ساختمان یک زباله سوز محصور شده و مستقیماً با گازهای احتراق آتش می گیرد.
Boiler Rating	ظرفیت گرمایی دیگ بخار که با واحدهای مناسب بیان می شود.
Boiler, Waste-Heat	دیگ بخاری که با گازهای تزریقی از یک فرایند آتش می گیرد معمولاً واحدی مجزا است و از ساختمان کوره اصلی جدا می باشد.
Boning Rod	تخته ای T شکل که برای مشاهده و تراز کردن سطوح به کار می رود.
Boom	نورد سنگینی که در انتها لوله دارد و در سر دیگر یک وسیله وزنه بردار را حمل می کند.
Booster Cycle	دوره ای که در طول آن از فشار هیدرولیکی اضافی اعمال شده برای پیش راندن مواد زائد جامد به ماشین انتقال و یا کانتینری که به یک فشرده ساز ثانویه متصل است استفاده می شود.
BoreHole	سوراخی که در زمین حفر می شود و از آن برای نمونه برداری از لایه های زیرین استفاده می شود. در ایالات متحده از آن به عنوان سوراخ نمونه گیری نیز یاد می شود.
Bottom Ash	تقاله غیرقابل اشتعال و انتقال با هوا که از اشتعال زغال پودری در یک دیگ بخار به دست می آید. ماده ای که ته دیگ بخار می افتد و بطور مکانیکی حذف می شود. مواد غلیظ غیرقابل اشتعال که ممکن است شامل مواد سمی هم باشد.
Break Bar	بخشی از یک فشرده ساز ثانویه که برای شکستن اقلام بزرگ و پرحجم که در محفظه بارگیری به محفظه تراکم عبور می کنند، به کار می رود.
Breeching	مجربانی که فرآورده ای اشتعال را به دودکش یا لوله منتقل می نماید.
Breeching Bypass	کنار گذر کتوها یا مجراهایی که فرآورده های اشتعال را به دودکش منتقل می کند و استفاده متناوب از آن و عبور مستقیم یا غیرمستقیم جریان فرآورده های اشتعال صورت می گیرد.
Brick, Fireclay (or Firebrick)	آجر نسوزی که از خاک نسوز ساخته شده است. آجر نسوز آلومینا دیاسپور آجری است عمدتاً حاوی دیاسپور یا مقدار کمی رس می باشد و میزان آلومینای آن 50، 60 یا 70 درصد (بعلاوه منهای 2/5 درصد) می باشد. آجر نسوز High-Duty یک نوع آجر نسوز است که معادل مخروط آتش سنجی آن پایینتر از مخروط 23-31 نبوده و یا بیش از 1/5 درصد دمای 2460 °F (1350 °C) در آزمایش استاندارد محلی تغییر شکل نمی دهد. آجر نسوز عایق دار نوعی آجر نسوز است که هدایت گرمایی پایینی داشته و دانسیته توده آن کمتر از 70 پوند در فوت مکعب (1121Kg/m3) است. این آجر برای دیوار کوره های صنعتی مناسب است. این آجر عایق دار نیز نامیده می شود. آجر نسوز Intermediately-Duty نوع دیگری از آجر نسوز است که PCE آن بالاتر از مخروط 29 بوده و در دمای 2460 °F در آزمایش استاندارد محلی (1350 °C) بیش از 3 درصد آن تغییر شکل نمی دهد. آجر نسوز Super-Duty نیز نوعی آجر نسوز است که PCE آن بالای مخروط 33 است و کمتر از یک درصد آن در آزمایش تغییر خطی مجاز انجمن آمریکایی آزمایش مواد چروک می شود. دمای این آزمایش 2910 °F (1598 °C) است. در آزمایش صفحه Spalling (که تا 3000 °F یا 1649 °C پیش گرمادهی صورت می گیرد) بیش از 4 درصد آجرها از بین نمی رود.
Brick Insulating	به Brick, fireclay نگاه کنید
Bridging	ریختن مواد زائد جامد در طول یک ناودان یا شیب تند.
Brine Mud	مواد دفعی که اغلب از حفاری یا معادن ناشی می شود و شامل نمکهای معدنی یا ترکیبات غیر آلی دیگری می باشد.

Briquetter	ماشینی که موادی نظیر پیچهای آهنی یا خاک ذغال را به گلوله های کوچک فشرده می سازد.
British Thermal Unit	یک واحد غیر SI است که برای انرژی به کار می رود و به عنوان مقدار گرمای مورد نیاز برای افزایش دمای یک پوند آب تا 1°F یا به صورت دقیقه افزایش دمای آن از 39°F به 40°F لازم است تعریف شده باشد. فاکتور تبدیل Btu به ژول عبارتست از: $1\text{Btu} = 1/0556 * 10^3 \text{ J}$
Bubble Washer	به Dust separator نگاه کنید.
Bucket	کانتینر روبازی که بازوهای متحرک یک ماشین چرخدار یا زنجیردار چسبیده و مواد زائد جامد و مواد پوششی و خاک حفاری را پخش می کند.
Bucket Elevator	یک یا دو زنجیر بی انتها که به کانتینر هایی متصل است که برای بالا بردن موادی نظیر لجن، زغال سنگ یا سنگ شیبهای متفاوتی از 45° تا نزدیک به قائم استفاده می شود.
Bucket Loader	ماشین چرخدار یا زنجیردار که به یک کانتینر قاشقک دار با بازوهای متحرک چسبیده و برای حفاری خاک یا مواد پوششی در محل های خاص دفن زباله و یا برای بارگیری ماشینها یا انباشتن مواد مورد استفاده واقع می شود.
Bucks Tags	در کوره آجرپزی بخشی فلزی است که استحکام خارجی کوره را موجب می شود.
Buffer	محلول یا مایعی که شیمیایی است و با افزودن آن تغییرات PH به حداقل می رسد.
Buffer Storage	فضای ذخیره ای است که در تصفیه خانه یا ایستگاه انتقال مواد زائد جامد تعبیه شده است و امکان جمع آوری وسایط نقلیه و تخلیه بارشان را بدون تأخیر و تأثیر بر میزان فرآیند نمودن یا انتقال مواد زائد جامد می دهد. انبار بافر ممکن است به شکل فضای صفحه ای یا ناودانی یا قیفی باشد. در ایستگاه انتقال تریلرها یا کانتینرها به عنوان مخزن بافر عمل می کنند.
Bulk Load Vehicle	به Transfer vehicle نگاه کنید.
Bulking of Sludge	فرآیندی که در آن لجن فعال خیلی بد ته نشین می شود زیرا لخته ها دانسیته کمی دارند.
Bulky Waste	اقلام بزرگ مواد دفعی، مثل وسایل، میل راحتی، درختان، بخشهای بزرگ ماشین، کنده درخت. زمین دفن؛ مکان دفنی برای مواد دفعی رادیواکتیو که در آن از زمین یا آب به عنوان حفاظ استفاده می شود.
Bull Clam	ماشین زنجیرداری که یک لولا دارد و قاشقک منحنی شکلی روی قسمت جلویی تیغه دارد.
Bund	1- مانعی از مواد بی اثر که در عرض یک محل محتوی آب ساخته می شود تا مرداب تشکیل شود. 2- دیواره هایی که حصاری را در اطراف یک مخزن تشکیل می دهند تا محتویات آن به خارج نشت نکند.
Bunleer	گودال بتونی یا فولادی برای نگهداری موقت مواد زائد جامد.
Burn (brick)	درجه گرمایی که آجرهای نسوز در مدت ساخت در معرض آن قرار می گیرند.
Conical B. : Burncer	محفظه اشتعال مخروطی شکل که یک هواکش آگروز در یک انتها و یک دریچه در انتهای دیگر دارد که مواد دفعی از طریق آن تغذیه می شوند. هوا برای اشتعال مواد زائد جامد وارد مخروط می گردد. این نوع مشعل teeper burner نیز نامیده می شود. Primary b. مشعلی است که مواد را در خارج خشک نموده و در واحد اشتعال اولیه آتش میزند.
Refuse B.	ابزاری است برای کاهش حجم مواد زائد جامد از طریق سوزاندن.
Burning Area	برآمدگی افقی آتشدان، کوره یا هردو. Effective b.a. سطح فضای هوایی موجود در آتشدان در منطقه تماس با موادی است که باید سوزانده شوند.
Burning Rate	توده مواد زائد جامد سوزانده شده یا مقدار گرمای آزاد شده تقسیم بر سطح و یا طول مدت سوزاندن
Burning, Suspension	سوزاندن ذرات جامد در یک جریان گازی
Burnout Stage	مرحله نهایی اشتعال مواد زائد جامد در آتشدان یک زباله سوز که اشتعال عناصر کندسوز موجود در مواد دفعی تا تقاله جوشی عاری از مواد آلی و میزان کمی کربن باقی می ماند که نهایتاً دفع می شوند.
Buy-Back Center	مرکزی که افراد یا گروهها مواد قابل بازیافت را برای تادیبه به آنجا می برند.
By-Product	موادی غیر از محصول اصلی که متعاقب یک فرایند صنعتی یا در نتیجه تجزیه محصول در یک سیستم زنده ایجاد می شوند.
C	
Cable Pullout Unloading	روشی است که در آن تراکتور محل دفن با کشیدن شبکه کابل از جلو به عقب تریلی انتقال را خالی می کند.
Calorific Value	ارزش گرمایی یا ارزش گرمایی ویژه، در ایالات متحده heating value گفته می شود. مقدار گرمایی تولید شده در زمانی است که توده واحد ماده (معمولاً سوخت) به طور کامل و تحت شرایط معین تعریف شده احتراق کامل را طی می کند. واحد آن برای سوختهایی جامد یا مایع کیلوژول بر کیلوگرم (Kj/Kg) و برای گازها کیلوژول بر مترمکعب (Kj / m^3) است. انرژی گرمایی ناخالص شامل گرمایی نهان تبخیر و یا در این مورد که در خصوص توده صحبت

	می شود گرمای نهان تبخیر ویژه می باشد که در ارزش گرمایی خالص این رقم در نظر گرفته نمی شود. واژه
	"ارزش گرمایی" اختصاصاً زمانی به کار می رود که اشتعال مواد دفعی به منظور تولید انرژی به کار می رود. ارزش
	گرمایی بالا به جای ارزش گرمایی ناخالص استفاده می شود و ارزش گرمایی پایین به جای ارزش گرمایی خالص
	به کار می رود.
Calorimeter	وسيله اي براي اندازه گيري تغيير ميزان گرما است. Oxygen-bomb C. گرماسنجی است که در آن توده ای از ماده غیر مشخصی بطور الکتریکی آتش گرفته و در اکسیژن تحت فشار مشتعل می شود و مقدار گرمای تولید شده تعیین می گردد. (با اندازه گیری افزایش دمای آب اطراف گوی) گویها به اشکال مختلف ساخته شده و روش استفاده شان نیز متفاوت است (مثلاً به صورت ایزوترم استفاده می شوند).
Cap	لایه ای از رس یا مواد غیر قابل نفوذ که بالای یک محل دفن بسته جای گرفته و از ورود آب باران به آن جلوگیری نموده و میزان نشست را به حداقل می رساند.
Capacity Assurance Plan	طرح مدیریت مواد دفعی خطرناک تولیدی در مرزهای یک ایالت در دوره زمانی بیست ساله
Capacity, Installed	جابجایی یا پردازش ظرفیت تجهیزات یا ماشین آلات نصب شده در یک کارخانه
Capping	پوشاندن گودال پر شده مواد زائد جامد با مواد ضد نفوذ در برابر آب به منظور جلوگیری از تراوش آب از لایه.
Carbarbecue Plant	کوره ای با دمای بالا که به طور اختصاصی برای فرایند نمودن ماشینهای قراضه طراحی شده و فلز قراضه درجه بالا تولید می نماید.
Carbonaceous Matter	ترکیبات کربنی یا کربن خالص موجود در سوخت یا تقاله فرایند احتراق.
Carbon, Activated	شکلی از کربن که از طریق خصوصیت جذب فوق العاده مشخص می شود. کربن فعال اغلب به شکل زغال چوب تولیدی از چوب یا پوسته نارگیل می باشد و از استخوان یا دیگر منابع نیز تولید می شود. کربن باحرارت دهی دردمای 800-900 °C در حضور بخار فعال شده و ساختار داخلی آن متخلخل میگردد. سطح موجود جهت جذب، افزایش زیادی می یابد. از کربن فعال شده (که کربن فعال هم گفته می شود) عمدتاً به عنوان عامل بی رنگ و بی بو ساز، جاذب گاز و اهداف دیگر استفاده می شود.
Carbon Dioxide Recorder	ابزاری است که بطور مداوم حجم بخش دی اکسید کربن را در مخلوطی از گازها پایش و ثبت می کند (کسر حجم معمولاً به صورت درصد ثبت می شود).
Carbon, Fixed	بخشی از میزان کربن مواد است که بعد از کربنیزاسیون مواد مثلاً در طول آنالیز تقریبی نمونه مواد زائد جامد باقی می ماند.
Carbon Monoxide (CO)	گاز سمی بدون رنگ و بو که در اثر احتراق ناقص سوختهای فسیلی تولید می شود.
Carbon/Nitrogen Ratio	میزان نسبی کربن و نیتروژن در مواد آلی که در فرآیند کمپوست نقش مواد مغذی را بعهده دارند. برای حصول نتایج رضایت بخش بهترین نسبت C: N بین 1: 25 تا 1: 50 باشد.
Carbon Tetrachloride (CCl4)	ترکیبی مشتمل بر یک اتم کربن و چهار اتم کلر که قبلاً در صنعت کاربرد زیادی داشت و به عنوان حلال و در تولید CFCs به کار می رفت. از زمانیکه سرطانزایی آن اثبات گردید، استفاده از آن به عنوان حلال متوقف شد.
Carry-Cloth	گونی بزرگی که برای انتقال مواد زائد جامد از محل نگهداری به ماشین انتقال به کار می رود.
Carry-Over	آب و یا مواد جامد بطور مکانیکی یا بخار ناشی از دیگهای بخار یا تبخیر کننده ها منتقل می شوند. فرآیندی که طی آن چنین انتقالی رخ می دهد.
Cask	مخزنی با دیوار ضخیم (معمولاً از جنس سرب) که برای انتقال مواد رادیواکتیو استفاده می شود Coffin نیز نامیده می شود.
Catalytic Incinerator	یک ابزار کنترلی که ترکیبات آلی فرار (VOCs) را با استفاده از یک کاتالیست اکسید نموده و فرایند احتراق را بهبود می بخشد. زباله سوزهای کاتالیتیکی نسبت به انواع زباله سوز گرمایی متداول به دماهای کمتری نیاز دارند بنابراین در مصرف سوخت و هزینه ها صرفه جویی می شود.
Catchment Area	منطقه ای که مواد زائد جامد از آنجا به تصفیه خانه، ایستگاه انتقال یا محل دفن فرستاده می شود.
Catch Pit	حوضچه ای در سیستم زهکشی که برای جمع آوری شن و ریگ تدارک دیده شده است.
Cell	ناحیه ای که حاوی ضایعات جامد فشرده بوده و با خاک طبیعی و یا مواد پوششی موجود در محل دفن بهداشتی زباله پوشیده شده است.
Cementitious	مواد پوششی مترکم و غیر فیبری
Centralsug System	یک نوع سیستم حمل و نقل بادی (پنوماتیکی) برای ضایعات جامد است. طرح سوندی این سیستم شامل لوله های حمل کننده افقی است که به محل پرتاب زباله در ساختمانها و مجتمع ها متصل است. زباله از طریق سیستم شوت پرتاب شده

	به انبار ذخیره و یا زباله سوزی که در انتهای لوله حمل کننده قرار دارد منتقل می شود. سوپاپ موجود در پای شوتها، ورودی لوله حمل کننده را کنترل نموده و خلاء جزئی آن توسط پمپهای هوا حفظ می شود.
Centroid Of Solid-Waste	مرکز منطقه جغرافیایی که ضایعات جامد در آن جمع آوری می شوند.
Generation	
Cesspool Or Cesspit	مخزن زیرزمینی دریافت فاضلاب که مایع درون آن از طریق نفوذ به زمین کاهش می یابد. سپتیک تانک (WHO) CF.
Cesspool Emptier	یک ماشین تانک دار است که انبار فاضلاب را از طریق مکش تخلیه می نماید.
Characteristic	هر یک از چهار دسته مورد استفاده در تعریف مواد زائد خطرناک؛ اشتعال پذیری، خوردندگی، واکنش دهی و سمیت.
Charge	مقدار ضایعات جامد که در یک زمان خاص وارد کوره می شود (EPA)
Charging Chamber	محفظه بارگیری یک غلتک ثابت که مواد را در محفظه تراکم فشرده می کند.
Charging Chute	معبری که از طریق آن ضایعات جامد وارد کوره زباله سوز می شود.
Charging Cutoff Gate	دریچه بارگیری اصلاح شده که در کوره های باتغذیه دائم که نزدیک قیف بارگیری دمایی بالایی ندارند دیده می شود.
	صفحه فولادی شیبدار در کف قیف بارگیری به صندلی موجود در رأس شوت بارگیری بسته شده است. (EPA)
Charging Equipment	تجهیزات بارگیری زباله در زباله سوزها مثل قیف، دریچه بارگیری، جرثقیل و سایر متعلقات (EAWAG)
Charging Gate	پوشش افقی متحرک که سوراخ روی نوك کوره بارگیری را می بندد. (EPA)
Charging Hopper	یک شکاف بزرگ در بالای شوت بارگیری .
Checker Work	الگویی منافذ چندگانه در ساختمان کوره نسوز که از طریق آن فرآورده های احتراق منتقل شده و با شتابی که دارند موجب اختلاط گازها می شوند. (EPA)
Chemical Incineration Works	عملیات نابود کردن زباله های تولیدی در واکنشهای شیمیایی آلی به روش سوزاندن که در طول ساخت مواد برای ساخت پلاستیکها و فیبرها صورت می گیرد و یا عملیات نابودی زباله های شیمیایی حاوی ترکیباتی از کلر، فلورین، نیتروژن، فسفر یا سولفید از طریق سوزاندن. (UK)
Chemical Oxygen Demand	میزان اکسیژن مصرفی در اکسیداسیون شیمیایی مواد آلی، اندازه گیری ظرفیت مصرف اکسیژن مواد آلی و غیر آلی که در آب یا فاضلاب وجود دارند. برحسب میزان اکسیژن مصرفی یک اکسیدکننده شیمیایی در آزمایش خاصی بیان می گردد. این آزمایش بین مواد آلی پایدار و غیرپایدار تفاوتی قائل نمی شود. بنابراین الزاماً با BOD ارتباطی ندارد.
Chemical Treatment	هر نوع تکنولوژی که در آن از فرایندهای شیمیایی مختلف برای تصفیه مواد زائد استفاده شود.
Chemisorption	به Adsorption نگاه کنید.
Chipper	وسيله اي با تیغه های تیز که به یک میله دوار متصل شده و برای بریدن چوبهای خاص مثل شاخه های درخت و یا برس به کار می رود.
Chlorination	استفاده از کلر در آب آشامیدنی، فاضلاب یا مواد زائد صنعتی به منظور ضد عفونی یا اکسید کردن ترکیبات نامطلوب.
Choke Beam	عقربه شاهین مانندی که در انتهای قیف نقاله قرار گرفته و عمق مواد عبوری را تنظیم می نماید. (BSI)
Chute	یک لوله ضرورتاً عمودی که در ساختمانهای چندطبقه از کف هر طبقه به طبقه دیگر رفته و زباله ها از طریق آن وارد محفظه کانینتر می شوند.
Chute Vent	لوله اتصال شوت تخلیه به هوای آزاد به منظور تهویه.
Classification, Air	فرایندی است که در آن اجزاء سبکتر ضایعات جامد مثل کاغذ و پلاستیک از مواد پر حجم و سنگینتر جدا می شوند. مواد زائد خرد شده از طریق جریان هوا وارد مسیر کنترل شده ای می شوند و براساس چگالی مربوطه و مقاومت به هوا تفکیک اجزاء صورت می گیرد.
Cleaning, Public	تکنولوژی تخصصی مدیریت مواد زائد جامد که در سرویسهای شهرداری اجرا می شوند. این واژه دربرگیرنده ذخیره مواد زائد جامد، جمع آوری، تصفیه و دفع، تجهیزات بازیافت، پاکسازی خیابانها و جویها، پارو نمودن برف و سایر موارد مرتبط می باشد.
Clinker	تکه های سخت، تف جوش و سوخته باقیمانده حاصل از همجوشی خاکستر، فلزات، شیشه و سرامیک
Clinkering	1- عمل دفع کلوخه از کوره 2- همجوشی خاکستر برای تشکیل کلوخه
Clogging	انسداد لوله، بستر فیلتر و غیره توسط ته نشینتهای جامدات
Closure	فرایندی است که اپراتور محل دفن بهداشتی پس از رسیدن آن به ظرفیت قانونی است انجام می دهد. دفع زباله متوقف شده و پوششی روی محل دفن بهداشتی قرار می گیرد.
Coagulation	به aggregate نگاه کنید.
Coliform Organism	یک باسیل گرم منفی که به خانواده انتروباکتریاسه تعلق دارد. خصوصیات مورفولوژیکی و اغلب خصوصیات

	بیوشیمیایی آن مشابه اشرشیاکلی میباشد. ارگانیسیمهای کلیفرم شامل آنروباکتر، آنروژنز، کلبسیلا جنومونیه ویک گروه تحت عنوان پاراکلون باسیلی می باشد.
Collection	عمل حذف مواد زائد جامد از نقطه ذخیره مرکزی یک منبع اولیه؛ Alley C. به معنی برداشتن مواد زائد دفعی از کانتینرهایی است که در مجاورت کوچه ها قرار دارند. Carry out C. یعنی جمع آوری مواد زائد دفعی از یک منطقه ذخیره مجاز با استفاده از کانتینر، حمل البسه یا یک روش مکانیکی Contract, C. جمع آوری مواد زائد دفعی مطابق قرارداد و موافقت نامه کتبی که در آن حقوق و وظایف طرفین قرارداد بیان می شود. Curb C. جمع آوری مواد زائد جامد از کانتینرهایی که در مجاورت خیابان قرار گرفته است. Franchise C.؛ جمع آوری است که توسط شرکت خصوصی انجام می شود و برای جمع آوری مبلغی را از مشتریانی در منطقه خاص دریافت می دارد. Municipal C. جمع آوری مواد زائد جامد توسط کارکنان عمومی و تجهیزات تحت نظارت و قوانین شهرداری است. Private C. جمع آوری مواد زائد جامد توسط افراد یا شرکتها از اماکن صنعت، تجاری و مسکونی است. ترتیبیاتی نیز بین مالک یا کارفرما و جمع آوری کننده ایجاد می شود (همگی از EPA). Separate C. جمع آوری اجزاء خاصی از یک جریان مواد زائد جامد به منظور بازیابی یا تسهیل در امر جمع آوری و یا دفع.
Set Out/Set Back	دفع کامل و برگشت کانتینرهای خالی بین نقطه ذخیره و پیاده رو توسط کارگران جمع آوری (EPA)
Collection Method	روش جمع آوری مواد قابل بازیافتی که اشخاص آنها را به محل های جمع آوری طراحی شده منتقل نموده اند.
	Daily route C.m. روشی که در آن هر کارگر جمع آوری مسیر هفتگی مربوط به خود را دارد که در مسیرهای روزانه تقسیم می شود. Definite working day C.m روشی مختص مسیرهای بزرگ است که در آن مسیرهای محدود مشخص شده و کارگران هر یک مشخص می شوند. جمع آوری در طول یک مسیر در مدت زمانی خاص آغاز شده و در روز بعد، جمع آوری از نقطه توقف روز قبل شروع می شود. این روش نازمانی ادامه می یابد که کل مسیر تحت پوشش قرار گرفته و کارگران به ابتدای مسیر برگردند. Group task C.m روشی است که در آن مسئولیت جمع آوری مسیرها به عهده بیش از یک کارگر می باشد. هر کارگری که مسیر خاصی را تمام کرد روی مسیر دیگری کار می کند تا اینکه تمام مسیرها تکمیل شود. Inter-route relief C.m روشی است که در آن کارگران منظم پس از اتمام کارشان به سایر مسیرهای جمع آوری می روند. Large route C.m روشی است که در آن هر کارگر یک مسیر هفتگی دارد. کارگر هر روز بدون نقطه توقف ثابت یا زمان کار ثابت کار می کند اما مسیرش را در طول یک هفته جمع آوری می نماید.
	Reservoir route C.m. روشی است که در آن چند کارگر پس از جمع آوری مسیرهای پیرامون، مسیر مرکزی را جمع آوری می نمایند. Single load C.m روش تغییر مسیر روزانه است که در آن مناطق و یا مسیرهایی قرار دارند که کل بار مواد زائد جامد را فراهم می نمایند. هر کارگر معمولاً حداقل دو مسیر برای کار روزانه دارد. کارگر زمانی است از کار می کشد که مسیرهای مربوطه را تکمیل کند. Swing crew C.m روشی است که در آن یک یا چند کارگر ذخیره در صورت نیاز برای کمک به جاهای دیگر می روند. Variable-size crew C.m روشی است که در آن تعداد متغیری کلکتور برای هر کارگر تدارک دیده می شود. این تعداد بستگی به میزان و شرایط کار هر مسیر خاص دارد. (همگی از EPA)
Collector	سازمان دولتی یا خصوصی که مواد زائد غیرخطرناک و مواد قابل بازیافت را از اماکن مسکونی، تجاری، اداری و صنعتی جمع آوری می کند. (به hauler نگاه کنید.)
Combustion	واکنش شیمیایی که در آن مواد با اکسیژن و با گرمای تدریجی ترکیب می شوند: "سوختن". احتراق سوختهای حاوی کربن و هیدروژن باید طوری انجام شود که این دو عنصر تماماً به آب و دی اکسیدکربن اکسید شوند. احتراق ناقص ممکن است منجر شود به (الف) میزان قابل توجهی باقیمانده کربن در خاکستر، (ب) انتشار مقداری از کربن به صورت منوکسید کربن و (ج) واکنش مولکولهای سوخت و ایجاد فرآورده های پیچیده تر از مولکولهای سوخت (این فرآورده ها به صورت دود متصاعد می شوند). Spary C. فرایندی است که در آن مایعات قابل احتراق از طریق نازل های افشانی زباله سوز به واحد احتراق تزریق می شوند.
Combustion Air	هوایی است که در کوره به سوخت (مواد زائد جامد) می رسد تا احتراق رخ دهد. هوای احتراق در یک کوره شامل (الف) هوای اولیه زیر آتش است که به بستر آتش دیده می شود و (ب) هوای ثانویه یا هوای تأخیری است که روی بستر آتش دیده می شود. برای احتراق کامل تنظیم دقیق هوای اولیه و ثانویه ضروری است.
Combustion Chamber	محفظه احتراق
	Primary C.c محفظه ای است در زباله سوز که مواد زائد جامد در آن سوزانده می شوند. Secondary C.c محفظه ای است در زباله سوز که گازها، بخارات، جامدات قابل احتراق ناشی از محفظه اولیه در آن سوزانده شده و خاکستر فرار ته نشین می شود.

Combustion Energy	تغییرات میزان گرما (یعنی مقدار گرمای تولید شده) در زمانی که ماده کاملاً در اکسیژن مشتعل می شود، حجم ثابت نگه داشته می شود. گرمای تولید شده توسط احتراق یک مول ماده عبارت از انرژی مولار احتراق می باشد و گرمای تولید شده در اثر احتراق ماده واحد انرژی ویژه احتراق نامیده می شود. واحد انرژی مولار احتراق ژول بر مول یا کیلوژول بر مول است. واحد انرژی ویژه احتراق ژول بر کیلوگرم یا ژول بر گرم است. این مقدار اغلب گرمای احتراق نامیده می شود.
Combustion Products	گازها، بخارات و جامدات ناشی از احتراق یک سوخت.
Combustion Residue	باقیمانده جامد (خاکستر و پوکه زغال) ناشی از احتراق مواد در زباله سوز.
Combustion System	سیستمی که در آن کاتالیستی وارد سیستم گاز آگزوز شده و اشتعال یا اکسیداسیون هیدروکربنهای تبخیر شده یا آلاینده های بودار را بهبود می بخشد، بدون آنکه خود تغییری پیدا کند.
Catalytic	
Commercial Waste	مواد زائد جامد حاصل از تأسیسات تجاری نظیر فروشگاهها، ادارات، رستورانها، مراکز خرید و تئاترها.
Commercial Waste	تسهیلات تصفیه، ذخیره، دفع یا انتقال که مواد دفعی را از منابع مختلف می پذیرد. برعکس تسهیلات اختصاصی که مخلوطی از مواد قابل بازیافت که با هم جمع آوری می شوند.
Commingle Recyclable	
Comminuter	ماشینی که مواد زائد جامد را خرد و پودری می کند تا بهتر تصفیه شود.
Comminution	خرد کردن یا پودر کردن مکانیکی مواد زائد جامد هم در تصفیه خانه های فاضلاب و هم در مدیریت مواد زائد جامد استفاده می شود.
Commissioning Test	یکی از تستهایی است که تحت شرایط کاری برای یک واحد جدیدالتأسیس انجام می شود تا مشخص شود که عملکرد مطابق مشخصات هست یا نه. به Acceptance test نگاه کنید.
Compaction Ratio	این اصطلاح اغلب برای تعیین عملکرد ماشینهای تراکم مواد زائد دفعی به کار می رود. با این نسبت دانسیته نهایی مواد زائد فشرده از طریق حاصلضرب دانسیته ورودی و نسبت تراکم به دست می آید. تراکم از حجم ورودی و خروجی نیز به دست می آید. به Volume reduction ratio نگاه کنید.
Compaction Surface	فرآیندی که طی آن دانسیته خشک خاک سطحی با کاربرد بار دینامیکی افزایش می یابد.
Compaction System	سیستم تراکم
	Container C.S یک سیستم در محل است که در آن از یک واحد تراکم برای فشردگی زباله در کانتینرها یا ظروف استفاده می شود. Sack C.S یک سیستم در محل است که در آن با چکشهایی پر قدرت، زباله را در کیسه های قابل تخلیه متراکم می کنند.
Compactor	تراکم ساز
	Carousel C. صفحه گردانی که کیسه های نگهداری زباله را دفع می نماید و زیر شوت زباله قرار دارد. ابزار تراکم به طور خودکار مواد درون کیسه ها را متراکم می کند و صفحه گردان به طور خودکار وقتی که کیسه قبلی پر شده، کیسه جدیدی را زیر شوت قرار می دهد. Landfill C. یا Wheeled C. ماشین متحرکی است که روی چرخهای فولادی با گره های ویژه ای حرکت نموده و برای متراکم نمودن مواد زائد جامد در محل دفن بهداشتی زباله به کار می رود. Stationary C. ماشینی است که حجم زباله را فشار دادن آن در یک کانتینر کاهش می دهد. (EPA)
Compactor Lock	یکی از اتصالات مکانیکی متصل به زباله کوب ثابت است که طرف را برای قالب زباله کوب ایمن می سازد. (Pollock)
Compactor System	سیستم یکپارچه ای که برای تراکم، ذخیره، حمل و نقل و تخلیه ضایعات جامد طراحی شده است. (Pollock)
Stationary	
Compost	مواد آلی تجزیه شده نسبتاً ثابت. (EPA). Mature C. مواد آلی است که مرحله نهایی عمل آمدن و رسیدن کود را طی نموده است. این مرحله نیاز به دوره چند ماهه ای دارد که طی آن مواد از طریق چند بار برگشت دادن و یا هوادهی با هوای فشرده، هوادهی می شوند. در انتهای مرحله عمل آوری تثبیت کامل می شود. Raw C. موادی هستند که مرحله کودسازی را طی می کنند. Rough C. مواد کودی هستند که آشغالگیری نشده و یا به هیچ فرآیندی مواد نامطلوب موجود در آنها نظیر شیشه یا سنگ جداسازی نشده است.
Composting Facilities	تأسیسات خارج از محل که اجزاء آلی مواد زائد شهری را تحت شرایط کنترل شده تجزیه می کند. یک فرآیند هوایی که در آن مواد آلی خرد شده و سپس در توده های ویندرو و یا هاضمهای مکانیکی، استوانه ها و یا محفظه های مشابه خرد می شوند.
Composting	تجزیه بیولوژیکی جامدات آلی تا جاییکه آنها تثبیت شده و ماده کودی با ارزش به عنوان کود حاصلخیز یا نرم کننده خاک تولید شود. Area C. فرآیند کودسازی است که در آن مواد آلی زمین در عمق یکنواختی در مناطق خاصی رویهم انباشته می شوند. هوا به میزان کنترل شده از طریق مجراهای زیر هر منطقه توزیع می شود و از طریق خلل و فرج

	خاک یا خلل و فرج تعبیه شده در کف عبور می کنند. Mechanical C. روشی است که در آن کمپوست بطور پیوسته و مکانیکی مخلوط و هواده می شود (EPA). Ventilated cell C. یک روش کودسازی است که در آن کمپوست توسط سری محفظه های تهویه عمودی مخلوط و هواده می شود. (EPA). کودسازی ویندرو، کودسازی در هوای آزاد است. در این روش مواد قابل کود شدن در توده های سطحی یا کپه ای، مخازن تهویه دار و یا گودالها قرار گرفته و مخلوط می شوند. این فرآیند می تواند هوای با بی هوای باشد. (EPA)
Compound	منطقه محصور است که برای نگهداری زباله استفاده می شود. مثل منطقه محصور که برای نگهداری ظروف یا کانتینر های زباله استفاده می شود.
Conditioning	تصفیه لجن، بهبود وضعیت آبگیری و فیلتراسیون مثلاً با افزایش مواد شیمیایی یا تصفیه گرمایی. (EAWAG)
Conditioning Tower	برجی است که در آن گازهای احتراق زباله سوز قبل از رسیدن به ابزار تمیزکننده گاز سرد می شوند. در این برج، گازهای گرم در تماس با آب اتمی قرار گرفته تبخیر شده و دمایشان کاهش می یابد. برجهای بهبود دهنده شرایط می توانند به دو صورت جریان رو به بالا یا رو به پایین بهره برداری شوند.
Construction and Demolition Waste	مواد زائد ساختمانی، مواد لایروبی شده، کنده های درخت و قطعه های شکسته شده سنگ و آجر که حاصل تخریب ساختمانهای مسکونی، تجاری و سایر بناها و جاده ها می باشد. این ضایعات ممکن است شامل سرب، آزبستوز و سایر مواد خطرناک باشد.
Container	مخزنی برای نگهداری مواد زائد جامد. این مخزن به طور مکانیکی در ماشین جمع آوری تخلیه شده و یا با ظرف دیگری تعویض می شود. گنجایش مخزن نسبت به ظروف خاکروبه و زباله خیلی بیشتر است و بیشتر در مکانهایی استفاده می شود که زباله های بیشتری تولید می کنند. Bulk C. کانتینر متحرکی است که ظرفیت آن $2 m^3$ می باشد.
	Communal C. مخزن نگهداری زباله برای گروهی از خانه ها و یا واحدهای مسکونی. Individual refuse C. مخزن کوچکی که زباله در آن نگهداری می شود. در انگلستان حجم آن متجاوز از $0/1 m^3$ نیست. Refuse Storage C. کانتینر متحرکی است که ظرفیت آن کمتر از $1 m^3$ است و زباله در آن در حین انتظار برای جمع آوری، ذخیره میشود. در ایالات متحده این نوع مخزن شکلهای مختلفی دارد. Carrying C. مخزنی است که حجم 35 تا 50 گالن که معمولاً از جنس پلاستیک یا آلومینیم است. از طریق کلتور موجود در سرویس حمل پشت حیاط منتقل می شود. اغلب tote barrel نیز نامیده می شود. Disposable C. کیسه های کاغذی یا پلاستیکی است که برای نگهداری ضایعات جامد طراحی شده است. Lift and Carry C. کانتینر بزرگی که بالا برده شده و در ماشین سرویس جای گرفته و برای تخلیه به محل دفع منتقل می شود. Detachable C. یا Drop-off box نیز نامیده می شود. Roll-on / Roll-off C. کانتینر بزرگی (به حجم $30-15 m^3$) که بطور مکانیکی به خودرو سرویس وصل شده و برای خالی شدن به محل تخلیه منتقل می شود.
Container Chassis	خودرویی که برای انتقال کانتینر ها طراحی شده است.
Container Shelter	ساختمان مجزایی از ساختمان اصلی که درامکان مسکونی یا تجاری برای پوشش کانتینر های زباله استفاده می شود.
Container System, Roll-on	سیستم مستقل از کانتینر های بارگیری و تخلیه که به صورت شاسی خودرو می باشد.
Container Train	تریلر های کوچک متصل بهم که توسط خودروی موتوری کشیده می شوند و برای جمع آوری و انتقال مواد زائد جامد استفاده می شود. (EPA)
Contraries	موادی که از کاغذهای دفعی برای بازیافت استخراج می شوند. Pernicious C. موادی که به آسانی قابل تشخیص نیستند و در ساخت و یا کیفیت فرآورده های چوبی مثلاً در ورقه کردن موم، خشک کردن سزیجات و چسب های غیر محلول در آب مزاحمت ایجاد می کنند. Nonpernicious C. مثل ریسمان، تکه پارچه، شیشه، فلز و چوب.
Conventional Systems	سیستمهایی که به صورت سنتی فاضلاب شهری را از طریق لوله ها و کانالها جمع آوری می کنند و قبل از تخلیه فاضلاب بدون آبهای سطحی، آنها را به تصفیه خانه انتقال می دهند.
Conveyor	تسمه نقاله
	Apron or Plate C. یک یا چند زنجیر بهم پیوسته است که حفاظت شده و توسط سیستم چرخهای زنجیر خودرو غلتک حرکت می کند. این زنجیر ها صفحات متصل بهم یا رویهم را که مواد پر حجم و سنگین روی سطح بالایی آنها است حرکت می دهند. (EPA). Chain C یا Dragbar C. نقاله ای است شامل زنجیره هایی با میله های متصل بهم که در یک ناله فلزی قرار گرفته اند. خیش میله ها مواد را در ناله ها منتقل می کند. Flight C. نقاله خیشی است که غلتک بوده و برای کاهش اصطکاک زنجیر کشش دارد. (EPA). Residue C. نقاله ای است که معمولاً از نوع پله ای یاخیشی است و برای انتقال پسمانده زباله سوز از ناله فروکش به نقطه تخلیه به کار می رود. (EPA). Screw C. نقاله مارپیچی شکلی است که در تیوبی می چرخد. Shuttle C. نقاله ای با یک یخس متحرک که در طی زمان تخلیه مواد می تواند در هر

	وضعیت دلخواهی بچرخد.
Cooling Sprays	آب مستقیماً به جریان گاز پاشیده شده آن را سرد می کند و در اغلب موارد خاکستر فرار آن را حذف می کند. (EPA)
Cost per Ttonne-Minute	فاکتوری است که اغلب برای مقایسه هزینه انتقال و بهره برداری مستقیم به کار می رود.
Cover Material	مواد ریز و درشتی هستند که خوب خرد شده اند. این ماده معمولاً خاک طبیعی است که برای پوشاندن زباله فشرده شده در محل دفن بهداشتی استفاده می شود و عاری از اشیاء بزرگی است که مانع تراکم می شوند. همچنین فاقد مواد آلی است که می توانند ناقلین را پناه داده، تغذیه نموده و یا منتشر نمایند. (EAWAG)
Cover, Primary	خاک و یا سایر مواد قابل تراکم مناسب که به منظور جلوگیری از انتشار بو و عفونتهای ناشی از حشرات و جوندگان روی زباله کشیده می شود. پوشش اولیه انتشار آتش را محدود نموده و نفوذ آب را نیز کاهش می دهد.
Crawler Tractor	تراکتوری است که به چرخ زنجیری (یعنی زنجیر برون انتهایی که به جای چرخ به صفحات متصل شده است) متصل بوده و از طریق آن وزن آن به زمین منتقل شده و به میزان وسیعی برای پخش کردن و متراکم کردن زباله در محل دفن بهداشتی به کار می رود.
Crane	جرثقیل
	Bridge C. بالابری است که در جهت افقی مانوری در دو جهت می دهد. Electromagnetic C. جرثقیلی است با اتصال بالابر الکترومغناطیسی که برای جابجایی مواد آهنی مثل فلز قراضه استفاده می شود. Grab C. جرثقیلی است دارای چنگک و برای انتقال زباله از محل نگهداری به شوت زباله سوز یا سایر فرایندهای تصفیه استفاده می شود.
	Monorail C. واحد بالابری است که از یک ریل آویزان بوده و در جهت افقی حرکت می کند. Portal(jib) C. یا Gantry C. جرثقیل قابی روی یک قاب چهار پایه حمل می شود. قاب طوری ساخته می شود که روی ریلهای موازی قرار گرفته و حرکت می کند. واگنها و بارکشنها زیر قاب عبور می کنند و یا قاب روی آنها حرکت می کند. (SCOTT)
Crusher, Impact	ماشینی که اقلام بزرگ و حجیم موجود در زباله را خرد می کند. یک محور سنگین، مواد را در مقابل صفحات انداخته و آن را خرد می کند.
Cullet	شیشه خرده ای که برای سرعت بخشیدن به ذوب سنگ سیلیکا در شیشه سازی استفاده می شود.
Curbside Collection	روشی برای جمع آوری مواد قابل بازیافت از مناطق مسکونی یا تجاری
Curing Bin	کانتینری است که کمپوست حاصل از واحد هضم مکانیکی به مدت 48 ساعت در آن نگهداری شده و با هوای تحت فشار هوادهی می شود.
Cut	1- بخشی از سطح زمین یا منطقه ای که خاک یا صخره های آن خاکبرداری شده و یا خواهد شد. 2- فاصله بین سطح زمین اولیه و سطح حفاری شده (هر دو از EPA)
Cut and Cover Cut and Landfill	واژه ای است که بطور غیرمتداول و غیرصحیح در روش دفن بهداشتی به روش ترانشه استفاده می شود. (EPA)
Cut-off Plate	صفحه فولادی متحرک است که در پایانه شوت قرار دارد و در صورت لزوم برای درزگیری و آب بندی شوت از کانتینر و یا واحد فشرده ساز زیر شوت استفاده می شود.
Cut-off Trench	ترانشه ای است که با مواد غیرقابل نفوذ پر شده تا از عبور گاز یا تراوش در مکان کنترل شده جلوگیری نماید.
Cyclon	به Dust separator نگاه کنید.
	D
Damper	صفحه مفصلی یا کشویی شیبدار که در کانال ورود هوا به کوره یا دودکش و یا درون جریان گاز احتراق قرار دارد و کوره را کنترل می کند. Barometric D. صفحه محوری متعادل شده ای است که در سیال بین کوره و دودکش قرار دارد و توسط جریان هوا در دودکش عمل میکند. اگر جریان هوا در اثر شرایط جوی دهانه دودکش شدید شود، این صفحه از بالا رفتن بی جهت جریان گاز از طریق کوره جلوگیری می کند. Butterfly D. صفحه یا تیغه ای است که قابلیت چرخش روی یک محور را داشته و در کانال، اتصال دودکش و یا میله دودکش نصب شده و جریان گازها را تنظیم می کند. این صفحه به صورت عمودی نصب می شود. (EPA) Sliding D. صفحه ای است که معمولاً با زاویه راست نصب می شود و برای هدایت جریان گاز می باشد. لغزش صفحه در عرض آن موجب تنظیم جریان می شود.
Dano Biostabilizer	فرآیند کمپوست سازی هوازی ترموفیلیک است که در آن شرایط بهینه رطوبت، هوا و دما در یک استوانه تنها به کندی حفظ شده و مواد زائد جامد قابل کمپوست شدن از یک تا 5 روز داخل آن می ماند. مواد سپس به صورت ویندرو فرایند می شوند. (EPA)
Deaeration	حذف هوا از آب که معمولاً به منظور کنترل خوردگی صورت می گیرد.
Decomposition, Aerobic	تجزیه مواد زائد آلی توسط باکتریهای هوازی

Decomposition, Anaerobic	تجزیه مواد زائد غیر آلی توسط باکتریهای بی هوازی
Decontamination	حذف مواد مضر نظیر مواد شیمیایی سمی، باکتریها یا سایر ارگانیزمهای مضر یا مواد رادیواکتیو از مکانهای دفع اختصاصی اتاقها و یا ساختمانها و یا یک محیط خارجی.
Deduster, Wet	تجهیزاتی که با گذراندن هوا از آب در یک ناحیه افشانی غبار را از هوا جدا می کند. غبار جدا شده به صورت لجن ته نشین می شود.
Dedusting	حذف ذرات غبار از هوای حاوی غبار در مکانهایی همچون انبار ذخیره زباله.
Degradation	نوع خاصی از تجزیه تدریجی است که معمولاً در مراحل معینی شروع می شود و محصولاتی با اتمهای کربن کمتر نسبت ترکیب اصلی تولید می نماید. این واژه برای تعریف تجزیه ناشی از عمل میکروارگانیسمها به کار می رود.
Density, Bulk	واژه ای است که غالباً برای دانسیته ظاهری توده ای از مواد به کار می رود. و به معنی نسبت توده جرم به حجم که شامل تمام منافذ و سوراخهای آن می باشد.
Density, Mass	نسبت جرم جسم به حجم آن. چگالی یک محل دفن عبارتست از : نسبت جرم ترکیب شده مواد دفنی و پوشش خاک به حجم ترکیبی آنها.
Destination Facilities	تأسیساتی که ضایعات پزشکی را به منظور تصفیه، نابودی، سوزاندن و یا دفع با کشتی به آن حمل می کنند.
Destruction Facilities	تأسیساتی که مواد زائد پزشکی را از بین می برند.
Destructon	واژه ای است که گاهی اوقات (بطور غیر صحیح) به جای "زباله سوز" استفاده می شود. (q.v)
Detritus	مواد جامد سنگین در فاضلاب که معمولاً غیر آلی هستند.
Dewatering	استخراج بخشی از آب موجود در لجن یا شیرابه. این واژه به تغییر حالت از مایع به شرایط قابل بیل زدن دلالت دارد و به معنی تغلیظ در یک سمت و یا خشک کردن در سمت دیگر نمی باشد.
Diatomaceous Earth	موادی شبیه گچ که برای تصفیه مواد زائد جامد در کارخانجات تصفیه فاضلاب بکار می رود؛ همچنین بعنوان عنصری فعال در آفت کشهای قوی استفاده می شود.
Dichromated Oxygen	به Chemical oxygen demand نگاه کنید
Consumed	
Digester	مخزنی که لجن در آن قرار گرفته و عمل هضم رخ می دهد (EAWAG). Fairfield-Hardy D. محصول شرکت مهندسی Fair Field در ماریون او هایو است که ضایعات صنعتی، لجن فاضلاب و سایر ضایعات آلی را تحت شرایط کنترل شده پیوسته ترموفیلیک هوازی تجزیه می کند. (EPA). Vertical D. یک سیستم یا فرآیند کمپوست زباله است که در آن زباله هر روز در یک ساختمان چند طبقه از یک محفظه معین به بخش پایین تر منتقل می شود. زباله از داخل شش محفظه عبور می کند.
Digestion	تجزیه مواد آلی توسط عمل بی هوازی میکروارگانیسم ها Mesophilic D. هضمی که در 20 °c انجام می شود. Sludge D. فرآیندی که در آن باکتریها با مواد آلی یا فرار موجود در لجن فاضلاب بخشی به گاز و بخشی به مواد آلی پایدارتر تبدیل می شوند. Wet D. فرآیند تثبیت مواد زائد جامد است که در آن مخلوطی از مواد دفعی آلی جامد در یک برکه هضم قرار گرفته و به صورت بی هوازی تجزیه می شوند. (EPA)
Dillution Air	هوایی که در کوره مواد زائد جامد از بالای بستر آتش وارد می شود تا دما را کنترل کند. در برخی موارد، هوای رقیق کننده و هوای احتراق ثانویه با هم مخلوط می شوند. به Combustion air نیز نگاه کنید.
Diluent	هر ماده جامد یا مایعی که برای رقیق کردن یا حمل یک عنصر فعال استفاده می شود.
Direct Haul	انتقال زباله های جامد از منطقه جمع آوری به تأسیسات دفع در خودروهای جمع آوری.
Discharge, Horizontal	روش تخلیه بار از خودرو به گونه ای کف بدنه خودرو در وضعیت افقی باقی بماند. در این حالت خودرو به صورت ثابت باقی می ماند.
Dispersion	ترقیق و یا حذف مواد از طریق انتشار، اختلاط و غیره. سیستم دوفازی است که شامل دو نوع ماده است. ماده اول به صورت یکنواخت در ماده دوم (بسته انتشار) توزیع می شود. (EPA)
Disposal Facility	محل یا واحدی که مواد زائد جامد برای تصفیه یا دفع نهایی از آنجا تخلیه می شوند.
Disposal, On-site	حذف یا کاهش حجم یا وزن مواد زائد جامد در محل تولید.
Disposal, Pit	دفع زباله در یک گودال یا حفره در زمین.
Distillation, Destructive	حرارت دادن مواد آلی در غیاب هوا و سپس تجزیه مواد و تقطیر فرآورده های فرار. به Lantz process, pyrolysis نگاه کنید.
Diverson Rate	درصد مواد زائد جامدی که از روشهای سنتی دفع همچون دفن، سوزاندن یا بازیافت، کمپوست و یا مصرف مجدد ناشی

	می شود.
Downpass or Downtake	محفظه یا گذرگاه گاز که بین دو محفظه احتراق قرار گرفته و فرآورده های احتراق را به پایین حمل می کند.
Downtime	به (2) Outage نگاه کنید.
Draft	به Draught نگاه کنید.
Dragline	بیلی است که دلو متصل به کابلها را حمل نموده و با کشیدن دلو به سمت خودش زمین را حفر می کند.
Dragline Scraper	دلوی است که با کابل کنترل می شود و مواد دفعی را از یک انبار ذخیره تخلیه می کند.
Dray Plate	صفحه متحرک یا زنجیره ای است که به منظور حفاظت از شبکه های برگشت استفاده می شود. (EPA)
Drain	زهکش، لوله زیرزمینی خروج فاضلاب از ساختمانها
	Agricultural D. یا Field D. لوله های بتنی یا سفالی متخلخل بدون سوکت، بدون لعاب و با قطر داخلی حدود 3in (با 7/6cm) که به صورت سربه سر و بدون اتصال قرار می گیرند تا زهکش زیرخاکی را انجام دهند. French D. زهکش کشاورزی است که لوله با مواد فیلتر نظیر شن احاطه شده است.
Drainage	1- بطور کلی حذف آب سطحی در یک منطقه خاص به صورت ثقلی و یا از طریق پمپاژ را می گویند. 2- سطحی که آب در آن از یک نقطه خاص به یک جریان می پیوندد. در چنین مواردی "Drainage area" مترادف "Watershed" می باشد.
	3- در مفهوم کلی، جریان تمام مایعات تحت نیروی ثقلی (EAWAG)
Draught or Draft	اختلاف بین فشار در زباله سوز یا هر بخش از آن و اتمسفر. این اختلاف باعث می شود که هوا یا محصولات احتراق از زباله سوز اتمسفر جریان یابد. Forced D. فشار مثبتی که به علت عملکرد هواکش پادمند هوا ایجاد می شود و در زباله سوز هوای احتراق اولیه و ثانویه را تامین میکند. Induced D. فشار منفی ناشی از عملکرد هواکش، دمنده و یا تزریق کننده هوا که بین زباله سوز و دودکش قرار گرفته است. Natural D. جریان هوا در کوره زباله سوز که به علت شنواری گازهای گرم در دودکش ایجاد میشود. علت این امر اختلاف فشار و دانسیته بین جریان گاز و اتمسفر می باشد.
Draught Controller	یک ابزار خودکار که با تنظیم یک صفحه دمیدن هوا را به کوره تنظیم می کند.
Dredging	حذف گل و لای از بستر حوضچه یا رودخانه توسط دلو لودر، چنگک و یا مکش.
Drop Arch	ساختاری است که دیواره کوره نسوز عمودی را حفاظت می کند و گازها را به سمت پایین منحرف می کند.
Drop-Off	روش جمع آوری مواد قابل بازیافتی که اشخاص آنها را به محل های جمع آوری طراحی شده منتقل نموده اند.
Drop-Off Box	به Container نگاه کنید.
Drum Mill or Drum	استوانه فولادی متمایل و طولی است که ضایعات جامد را در جداره زیر داخلی خود چرخانده و خرد می کند. مواد
Pulverizer	خرد شده ریزتر از طریق سوراخهایی که در انتهای استوانه قرار دارد به بیرون ریخته و تکه های بزرگتر در ته آن باقی می مانند. از آسیاب استوانه ای در عملیات کمپوست سازی استفاده می شود. (EPA)
Dulong's Formula	فرمولی که ارزش گرمایی تقریبی سوخت جامد بر اساس آنالیز نهایی آن محاسبه می کند.
Dump	محلی است که زباله ها به طریقی در آن دفع می شوند که برای محیط زیست خطر دارد (EPA)
Dumper	خودروی کوچک چهار چرخ با تایرهای لاستیکی است که در جلوی آن قیفی برای کپه کردن وجود دارد.
Dumping	دفع مواد زائد جامد به روش غیر کنترل شده (EAWAG)
Dump Plate	صفحه لولایی است که درون زباله سوز قرار داشته و پسمانده ها را نگهداری می کند و پسمانده از طریق چرخش صفحه تخلیه می شود. (EPA)
Dunnage	چوب، مقوا یا کاغذی که برای حفاظت مواد خام یا تجهیزات در ماشینهای ریلی، کامیون و یا کشتی استفاده می شود.
Dusseldorf Test	روش استاندارد آنالیز پسمانده حاصل از سوزاندن زباله است که برای تعیین درجه سوزاندن زباله نسبت به مرجع خاص به کار رفته و محتوای قابل تجزیه آن را مشخص می کند.
Dust	اصطلاح عمومی است که به ذرات جامد با ابعاد و منشأ های مختلف دلالت می کند. این مواد اغلب در گاز معلق هستند. استانداردهای ملی ممکن است اختصاصی تر بوده و شامل قطر ذرات و یا سایز الگ باشند. گرد و غبار معمولاً در اتمسفر هم به صورت طبیعی و هم ناشی از فعالیتهای انسان می باشد.
Dustbin	به bin نگاه کنید.
Dust Burden or Dust Loading	تغلیظ ذرات جامد در گازهای احتراق ورودی از واحد شستشوی گاز در زباله سوز. اغلب براساس حجم / وزن
Dust Separator or	اندازه گیری می شود ولی روش وزن / حجم ارجحتر است و منجر به ارزیابی اختصاصی انتشار می شود.
Dust Collector	وسيله ای جهت جداسازی ذرات جامد از جریان گازی که در آن معلق هستند. جداکننده های غبار عمدتاً برای حذف غبار و ذرات از گاز دودکش و سایر گازهای صنعتی استفاده می شود. این ابزار انواع بسیار متنوعی دارد و براساس استفاده

	یا عدم استفاده از آب برای حذف ذرات طبقه بندی می شوند. جداسازهای غبار نوع اولیه به عنوان شستشو دهنده نیز شناخته شده اند. انواع غیر شستشویی: سیکلون یک جداساز غبار یا جداساز قطره ای است که ضرورتاً از نیروی سانتریفوژی ناشی از چرخش گاز استفاده میکند. جداساز غبار که شامل سیکلونهاست متعددی موازی است multy cyclone نامیده می شود. در یک جداساز اینرسی ذرات توسط ترکیبی از نیروهای اینرسی و سانتریفوژی ناشی از تغییر ناگهانی جهت جریان گاز حذف شده و ذرات روی یک هدفی متمرکز می شوند. در رسوب دهنده های الکترواستاتیک گاز از بین یک سری الکترودهایی که در بین آنها پتانسیل ثابت بسیار بالایی وجود دارد عبور می نماید. ذرات غبار باردار شده و به الکترودهای با بار غیر همنام می چسبند. ذرات توسط فلاویز تیزی رانده شده و به درون ظرفی ریخته می شوند. با وجود اینکه هزینه نصب رسوب دهنده های الکترواستاتیک بالاست اما هزینه بهره برداری آنها نسبتاً کم بوده و یکی از بهترین روشها برای حذف ذرات از گاز می باشد. البته برای اطمینان از کارایی این ابزار تعمیرات به خوبی باید انجام شود. از این وسیله عمدتاً در ایستگاههای برق که سوخت پودری می سوزانند، کارخانجات سیمان، کارخانجات فولاد و غیره استفاده می شود. انواع شستشویی: در شستشو دهنده حبایی گاز به صورت حباب از میان مایع عبور می کند. در یک شستشو دهنده افشانکی گاز از میان یک واحدی عبور می نماید که افشانه مایع غبار را از آن حذف می نماید. در شستشو دهنده ونتوری گاز با سرعت بسیار بالایی (60-90 m/s) از یک قسمت مخروطی عبور می نماید و آب به میزان حدوداً $1 m^3$ به ازای هر $1000 m^3$ گاز تزریق می شود. آب به قطرات بسیار ریزی تبدیل شده و ذرات غبار تماماً مرطوب می شوند. سپس ذرات آب و غبار در یک سیکلون حذف می شود. چنین تجهیزاتی میتوانند 99% ذرات کوچکتر از $0.5 \mu m$ را حذف کنند. هزینه سرمایه گذاری در این روش نسبتاً کم است. اما از آنجائیکه افت فشار رخ می دهد نیروی برق زیادی لازم دارد. به Deduster, wet نگاه کنید.
Dust Tray	قسمت زیر قلاب بارگیری در خودروی جمع آوری زباله که گرد و غباری را که از بخش متمرکز فرار نموده، حفظ می کند.
Dynamic Flow System	الگوی جریان آب زیرزمینی از محل تغذیه مجدد به منطقه تخلیه.
	E
Earth Blade	صفحه پهن و سنگینی که به جلوی تراکتور متصل بوده و برای گستردن خاک و مواد دیگر استفاده می شود.
Earth Moving Machine	اصطلاح کلی است که برای ماشینهای متحرکی که جهت حفاری، حرکت دادن یا انتشار خاک و مواد مشابه استفاده می شوند به کار می رود. مثل بیلچه، بلدوزر و زردابنده. از اینگونه ماشینها معمولاً در محل دفن بهداشتی زباله استفاده می شود.
Ecological/Environmental Sustainability	حفاظت از اجزاء اکوسیستم و عملکردشان برای نسلهای آینده.
Ecological Impact	تأثیر فعالیتهای طبیعی و یا انسان ساز بر موجودات زنده و محیط غیرزنده آنها.
Ecological Risk Assessment	کاربرد یک نظام منظم، فرآیند تحلیلی یا مدلی برای تخمین و برآورد اثرات فعالیتها انسان روی منابع طبیعی و تفسیر اهمیت این اثرات در هر بخش از این فرآیند ارزشیابی. چنین تحلیلی شامل تشخیص خطرات اولیه، ارزیابی تماس و دوز موثر و خصوصیات خطر می باشد.
Economizer	دستگاه تبادل حرارتی در سیستم دیگ بخار که بین دیگ و پمپ تغذیه آب قرار دارد. حرارت باقیمانده حاصل از گازهای احتراق که از دیگ بخار عبور نموده وارد اکونومایزر می شود و دمای آب تغذیه دیگ را افزایش داده و نتیجتاً بازدهی واحد افزایش می یابد.
Efficiency	در فیلترها، جداکننده های غبار و جداکننده های قطره ای عبارتست از: نسبت تعداد ذرات جدا شده توسط جداساز به مقدار کل ذراتی که وارد شده است (این نسبت در بیشتر مواقع برحسب درصد بیان می شود).
Effluent	هر مایعی که از یک منبع خاص به محیط خارجی وارد شود.
Effluent Seepage	تخلیه منتشر مایعات روی زمین به نحویکه از مواد جامد یا بستر دیگری تراوش نمایند. این مایعات حاوی مواد محلول و معلق می باشند. (EPA)
Effluent Velocity	سرعت خطی خروج گاز از لوله که معادل با حجم گاز خروجی از دهانه لوله در هر ثانیه تقسیم بر مساحت سطح مقطع دهانه. اگر سرعت جریان پایین باشد شستشوی روبه پایین رخ می دهد. اگر چند کوره به یک دودکش واحد متصل باشند هنگامیکه کوره ها در حال بهره برداری نباشند سرعت خروجی اغلب به نحو نامطلوبی پایین می آید. بنابراین بهتر است هر کوره با جریان ممتد مجزا به دودکشی در داخل پوشش خارجی متصل باشد.
Electrostatic Separator	به Dust separator نگاه کنید.
Elutriation	روشی برای جداسازی ذرات که در آن با استفاده از اختلاف وزن ظاهری بین ذرات هنگامیکه در سیالی معلق می شوند

	جداسازی صورت می گیرد. در عمل، ذرات از جریان رو به بالای سیال (مثل آب یا هوا) جدا شده و ته نشین می شوند.
	مواد سنگین تر در کف ته نشین شده اما ذرات ریز معلق باقی مانده و با سیال خارج می شوند.
Emission	مقیاسی برای تخلیه ماده آلاینده از یک منبع که معمولاً برحسب میزان (مقدار در واحد زمان) یا مقدار آلاینده به ازای واحد حجم گاز بیان می شود.
Emission Standard	قانون یا مقیاسی برای تنظیم یا کنترل مقدار ماده آلوده کننده ای که از منبع خود وارد جو خارجی می شود. (EPA)
End User	مصرف کننده یا فردی که از محصولات تولیدی استفاده می کند، به استثنای محصولاتی که مورد استفاده مجدد واقع شده و یا برای استحصال انرژی سوزانده می شوند.
Endothermic	در واکنشهای شیمیایی، واکنشی است که با آزادسازی انرژی همراه است.
Equipotential Lines	خطوطی که نقاط هم پتانسیل را به هم وصل می کند.
Erosion	1- سایش سطح خاک توسط آب و باد 2- در یک زباله سوز یا دیگ بخار سطوح مقاوم یا فلزی در اثر عملکرد مایعاتی مثل لجن مذاب یا گازهای متحرک دارای گرد و غبار خورنده ساییده می شود.
Evaporator Tower	به Conditioning tower نگاه کنید.
Evapotranspiration	میزان آب منتقله از خاک به اتمسفر در اثر تبخیر و تعرق گیاه. (WMO/UNESCO)
Evase Stack	یک اتصال پهن روی خروجی هواکش یا درون گذرگاه جریان هوا. هدف از کاربرد این وسیله تبدیل انرژی جنبشی به فشار استاتیک است. (EPA)
Excreta	مواد زائد جامد یا مایع انسانی یا حیوانی. (EAWAG)
Exothermic	در واکنشهای شیمیایی واکنشی است که با راهسازی انرژی همراه است.
Expansion Chamber	به Baffle chamber نگاه کنید.
Expansion Joint	یک اتصال باز در بخش نسوز و یا فاصله کوچکی در این بخش طوریکه در اثر حرارت بتواند انبساط پیدا کند. چنین اتصالاتی اجازه می دهند که ساختارها انبساط یافته و به آسانی منقبض شوند که این امر مانع جابجایی ساختار کوره نسوز تحت فشار زیاد می شود. این اتصالات به نحوی ساخته می شوند که حرکت ساختمان آسان شود و در عین حال غیرقابل نفوذ در مقابل هوا یا گاز هستند.
Expansion, Permanent or Secondary	افزایش دائمی اندازه بخش نسوز کوره در دماهایی در دامنه مفید.
Extraction	به Recovery نگاه کنید.
	F
Fabric Filter	به Filter bag نگاه کنید.
Face, Tip	سطح شیبدار لایه دفن بهداشتی که مواد زائد جامد در آن فشرده شده و قبل از پوشش نهایی پخش می شوند. وجه کاری.
Facultative Bacteria	باکتریهایی که می توانند تحت شرایط هوائی و یا بی هوائی زندگی کنند.
Fallout	مواد جامد ذره ای که تحت نیروی وزنشان از هوا به سطح زمین می نشینند.
Fallout Zone	سطح منطقه ای که در آن ریزش رخ می دهد.
Fan-Forced-Draught	فنی که برای رانش هوا به کوره یا واحد احتراق استفاده می شود و بر مقاومت بستر آتش غلبه می نماید.
Fan, Induced-Draught	فنی که برای کشیدن هوا در واحدی از یک بخش به بخش دیگر استفاده می شود. مثلاً هوا را از زیر دریچه به بخش دیگری از واحد احتراق می رساند.
Feasibility Study	1- تحلیل قابلیت انجام یک پروژه. مثلاً تشریح و تحلیل گزینه های بالقوه پاکسازی مکانی نظیر جاهایی که در لیست اولویتهای ملی قرار دارند. با مطالعه امکانسنجی معمولاً هزینه اثر بخش ترین گزینه انتخاب می شود و معمولاً بلافاصله پس از تحقیقات اصلاحی پروژه انجام می شود که به مجموعه این عملیات "RI/FS" گفته می شود. 2- تحقیقی در مقیاس کوچک در خصوص یک مسئله که تعیین می کند آیا روش تحقیق پیشنهادی داده های مفید را فراهم می سازد یا خیر.
Feed Chute	به Charging chute نگاه کنید.
Feed Hopper	به Charging hopper نگاه کنید.
Feed Pump	پمپی که آب تغذیه بخار دیگ را فراهم می نماید.
Fen	زمینی است مرطوب که پوشیده از خزه است. مردابها نسبت به زمینهای باتلاقی اسیدیته کمتری دارند. آب این مناطق اغلب از آبهای زیرزمینی غنی از کلسیم و منیزیم سرچشمه می گیرد (نگاه کنید به Wetlands).
Fermentation	1- تغییری که در اثر تخمیر ناشی از آنزیمهای مخمرها انجام می شود. (EAMAG) 2- تغییر مواد یا مواد زائد آلی توسط میکروارگانیسمها (EAWAG). Closed F. فرایندی است که در آن بخشی تخمیر در یک سیستم بسته (نظیر

	هاضم یا استوانه) رخ می دهد. همچنین به Windrow Composting در Composting نگاه کنید.
Fermentation Drum	استوانه طویل افقی که مواد زائد آلی جامد در آن تحت هوادهی کنترل شده تخمیر شده و به مقدار قابل کمپوست تبدیل می شوند.
Fermentation Tower	سیلوی عمودی که دارای بخشهایی است که مواد زائد آلی آسیاب شده در آن هوادهی می شوند. برای تسهیل تخمیر، مواد در طول انتقال از بخشهای بالایی به بخشهای تحتانی استوانه بهم زده می شوند. زمان ماند 3-5 روز است.
Field Capacity	مقدار آب نگهداری شده در نمونه خاک پس از زهکشی ثقلی آب (WMO/UNESG)
Fill	رسوبات انسان ساز حاصل از سنگها، صخره ها و یا زباله ها.
Filling	رسوب دادن خاک، گل و مواد دیگر در مناطق آبی که موجب خشک شدن آنها شود. این کار معمولاً به منظور توسعه تجاری و یا کشاورزی صورت می گیرد و اغلب با عواقب ویرانگر اکولوژیکی همراه می باشد.
Filling Material	1- هر ماده ای که جهت پر کردن یک گودال در آن ته نشین می شود. 2- حجم ماده ای که باید اضافه شود. 3- یک خاکریز 4- ماده ای که برای افزایش ارتفاع زمین موجود استفاده می شود.
Filter	وسیله یا ابزاری که به منظور حذف ذرات جامد معلق در مایع یا ذرات جامد یا مایع معلق در گازها استفاده می شود. مایع یا گاز از بستر فیلتر که معمولاً از مواد دانه ای و گاهی اوقات از جنس پشمی یا تافته یا کاغذ تشکیل شده است عبور می نماید.
Filter Bag	وسیله ای برای حذف غبار از هوای پر از غبار. بدین منظور از استوانه هایی با جنس شبیه پارچه استفاده می شود که هوا را عبور داده و ذرات جامد آن را حذف می نمایند. اصطلاح "یکسرپر" در اینجا استفاده می شود. طول این کیسه به 10m می رسد و قطر آن نیز 1 متر است. بسته به شرایط راندمان 99-99/9% و یا بیشتر حاصل می گردد. اگر یک لایه غبار شیمیایی واکنشگر روی بستر رسوب داده شود می توان به کمک آن آلاینده گازی کم غلظت را از گاز دودکش جدا نمود. (مثلاً می توان ترکیبات فلورین را از گاز حاصل با استفاده از فرآورده های الکترولیت آلومینیوم جداسازی نمود). تأسیساتی که حاوی کیسه های فیلتر زیاد می باشد bag house نامیده می شود.
Filter Press	پرس مکانیکی برای جداسازی آب از مواد جامد. (EAWAG)
Final Cover Material	لایه خاکی که در رأس پوشش اولیه لایه نهایی مواد زائد جامد به کار برده می شود.
Fire Bed	لایه ای از مواد که روی درجه کوره می سوزند.
Fire Brick	به Brick, Fire clay نگاه کنید.
Fire Clay	خاک رسوبی که فقط مقادیر جزئی ناخالصی دارد. این خاک حاوی سیلکات آلومینیوم آبدار زیادی است بنابراین در مقابل دمای زیاد مقاوم است. (EPA) همچنین به mortar, fire clay, brick, fire clay نگاه کنید.
Firing, Auxiliary	رساندن سوخت کمکی به زباله سوز برای کمک به احتراق مواد زائد جامد.
Fissure	شکافت یا شکستن یک طبقه یا توده سنگی به علت تشکیل گسل.
Flammable	هر ماده ای که به سهولت آتش می گیرد و به سرعت می سوزد.
Flareback	شعله ای از کوره در جهتی مخالف جریان گاز طبیعی. این شعله زمانی پدیدار می شود که گازهای قابل احتراق به علت تغییر در شرایط خشکی یا انسداد موقتی سیستم گاز - سوخت انباشته شوند.
Float	وسیله ای که روی سطح آب یا فاضلاب قرار گرفته و معمولاً برای تنظیم سطح یا به کار انداختن یک کلید استفاده می شود. (WHO)
Float Switch	شناوری که برای کنترل پمپ یا وسایل مکانیکی براساس سطح آب (یا فاضلاب) در مخزن استفاده می شود. (WHO)
Flocculation	به aggregate نگاه کنید.
Flotation	در مدیریت مواد زائد جامد به معنی بالا بردن مواد معلق به سطح یک مایع به شکل کف می باشد. این فرآیند بستگی به اختلاف دانسیته توده و اثر شناوری ناشی از انتشار گاز بستگی دارد (که می تواند توسط مواد شیمیایی، الکترولیز و یا تجزیه باکتریایی یا حرارتی حاصل شود) کف و تفاله متعاقباً با عمل کفگیر حذف می شود.
Flue	هر نوع گذرگاهی برای حمل گازهای احتراق و ذرات ریز. (EPA)
Flue Dust	ذرات جامد (با قطر کوچکتر از 100 میکرون) که با فرآورده های احتراق حمل می شوند. (EPA)
Flue Gas	به Stack effluent نگاه کنید.
Fluid-bed Separator	به dry separation در Separation نگاه کنید.
Fluidized Bed	وسیله ای که در آن ماده جامدی مثل سنگ که به خوبی خرد شده است قرار گرفته و توسط یک ستون گاز پرسرعت مثل هوایی که از پایین دمیده می شود شبه سیال می شود.
Fluidized-bed Incinerator	زباله سوزی که در آن بستری از سنگ داغ یا سایر مواد ذره ای برای انتقال مستقیم حرارت به زباله استفاده می شود.

	از این نوع زباله سوز عمدتاً برای سوزاندن لجن شهری استفاده می شود.
Fluidized Bed Technique	فرآیند احتراقی که در آن حرارت از ذرات ریز مانند ماسه به ذرات قابل احتراق در اتاقک احتراق منتقل می شود. مواد در اثر حرکت ستون هوا سیاله می شود. (EPA) از این روش در فرآیند زباله سوزی با راندمان بالا استفاده می شود که از طریق آن ذرات مواد زائد جامد مستقیماً به عنوان سوخت به محل تبدیل مواد به مایع داده می شود. مخلوط مواد زائد و ماسه موجب افزایش سرعت حرارت و سوزاندن می گردد.
Flux	در صنایع فلزی به معنی ماده ای است که به مواد معدنی اضافه می شود تا راندمان کوره افزایش یابد. در brazing و Soldering ماده ای است که برای تسهیل جریان مواد و جلوگیری از تشکیل اسید به کار می رود. در فیزیك به معنی سرعت انتقال ذرات، جریان الکتریسیته، گرما، سیال و سایر جریاناتی که منتقل می شوند می باشد و واحد آن برحسب مقدار به ازای واحد سطح در واحد زمان می باشد.
Fly Ash	خاکستر حاصل از گازهای احتراق. در صورت عدم وجود جداکننده غبار این خاکستر از دودکش منتشر می شود.
Fly Tipping	تخلیه مواد زائد جامد یا سایر مواد در اماکن غیرمجاز.
Fomit	شیء غیرجانداري که می تواند ارگانیسماهی بیماری را منتقل کند.
Food Processing Waste	باقیمانده مواد غذایی که در طول فرایندهای کشاورزی و صنعتی تولید می شود.
Food Waste	مواد غذایی غیرخوراکی و زائدات فرآوری مواد غذایی حاصل از تاسیسات شهری و تجاری نظیر خواربارفروشی ها، رستورانها، اغذیه فروشها، آشپزخانه ها و مراکز صنعتی نظیر غذاخوری کارمندان.
Fragmentation Plant	واحدی برای خردکردن قطعات بزرگ فلزات نظیر یخچالهای کهنه یا بدنه ماشینها به منظور تولید فولادبرای عمل بازیافت
Frontage Factor	فاصله ای که باید یک کلکتور بین دو محل جداگانه هنگام جمع آوری طی کند. این فاکتور بر تعداد بهینه کلکتورها در مسیر تأثیر دارد.
Front-end Loader	1- ماشین چرخداری با یک بخش بارگیری در جلو 2- ماشین جمع آوری با بازوهای که ظرفهای قابل جدا شدن را تا بالای خودرو حمل می کند، ظرفها را خالی نموده و روی سطح زمین برمی گرداند.
Fuel, Auxiliary	سوخت مورد استفاده برای افزایش گرماسازی در زباله سوز برای (الف) خشک کردن مواد زائد جامد (ب) حفظ احتراق و (ج) تأثیرکامل بر احتراق جامدات قابل احتراق، بخارات و گازها.
Fuel Bed	به Firebed نگاه کنید.
Fume	کل گازهای احتراق و ذرات حاصل از آن (دود). همچنین گازهای باردار شده توسط ذرات حاصل از یک فرایند شیمیایی یا عملیات متالورژیکی. در اغلب موارد این بخار به شکل ابرهای قابل رویت گاز، بخار یا آئروسول است و معمولاً بوی ناخوشایندی دارد.
Furnace	واحدی از زباله سوز که زباله وارد آن شده، مشتعل و سوزانده می شود. Crematory F. کوره ای است که برای سوزاندن ذرات ریز طراحی شده است. Multiple-hearth F. کوره ای است شامل یک سری درجه مدور مقاوم که برای سوزاندن مخلوط مواد زائد پودری و لجن فاضلاب استفاده می شود.
Furnace Arch	ساختاری تقریباً افقی که تا کوره امتداد یافته و برای انکسار گازها به کار می رود.
Furnace Cell	هر یک از واحدهای مجزایی که در زباله سوزهای منقطع به صورت مجزا و مستقل از سایر واحدها بارگیری و Clinkering می شوند.
Furnace Volume	کل حجم داخلی واحدهای احتراق (EPA) .
Fusion	تغییر شکل از حالت جامد به مایع. این تغییر در یک دمای معین رخ می دهد. (دمایی که در آن دو فاز در حالت تعادل هستند نقطه ذوب نامیده می شود). برای بعضی از مواد این انتقال در یک دامنه دمایی به صورت تدریجی رخ می دهد.
G	
Garbage	زباله های خانگی آلی و جامد که عمدتاً شامل مواد غذایی دفعی است.
Garbage Can	به bin نگاه کنید.
Garbage Grinder	آسیاب الکتریکی که زیر ظرفشویی آشپزخانه نصب می شود و برای آسیاب مواد زائد غذایی و سبزیجات به کار می رود. ماده آسیاب شده وارد سیستم فاضلاب می شود.
Garchey System	سیستم حذف مواد زائد جامد از محلهای داخلی توسط آب. چاه ویژه ای مواد زائد جامد و فاضلاب را دریافت می نماید. مواد زائد جامد توسط آب با فشار از طریق لوله ای به واحد دریافت کننده ای که رو یا زیر سطح زمین است وارد می شوند. هر واحد تعدادی اتاقک دارد. سپس مواد دفعی از اتاقک دفع می شود. این عمل توسط مخزنی صورت میگیرد که آب را جهت تخلیه به فاضلاب رو تخلیه می نماید. در تأسیسات ابتدا شیرابه مواد زائد جداسازی و سپس در زباله سوزهای مستقر در محل سوزانده می شوند.

Gaz Barrier	هر وسیله یا ماده مورد استفاده برای انحراف جریان گاز تولید شده در یک رأس کنترل شده.
Gaz Cleaning Plant	به Dust separator نگاه کنید.
Gaserator	واحدی در کارخانه زباله سوزی که به منظور نابودی اجساد حیوانی، مواد غذایی فاسد و سایر موادی که در کوره به خوبی نمی سوزند طراحی شده است. این واحد با گازهای گرم حاصل از کوره تغذیه می شود.
Gasification	فرایند تبدیل یک سوخت جامد یا مایع به سوخت گازی (EPA).
Gas Washing or Gas Scrubbing	روش حذف مواد ذره ای از گازهای دودکش زباله سوز. گازها از میان افشانه آب عبور نموده و در میان یک سری صفحات شوینده که به طور مداوم با آب شسته می شوند پخش می شوند. ذرات غبار به صورت شیرابه خارج میشوند.
Generation Rate	میزان مواد دفعی حاصل از یک فعالیت خاص یا میزان مواد دفعی تولید شده در واحد زمان (EAWAG)
Global Warming	افزایش دمای سطح زمین، گرم شدن زمین از گذشته دور که بر اثر عوامل طبیعی اتفاق افتاده است. این اصطلاح اغلب اشاره به گرمای پیش بینی شده ای می کند که در نتیجه افزایش تصاعد گازهای گلخانه ای اتفاق می افتد. بطور کلی دانشمندان معتقدند که از 140 سال پیش تاکنون سطح زمین در حدود یک درجه فارنهایت گرمتر شده است. اخیراً اعضای سازمان تغییرات آب و هوای اقلیمی (IPCC) به این نتیجه رسیده اند که افزایش غلظت گازهای گلخانه ای موجب افزایش دمای سطح زمین شده است. البته غلظت فزاینده آروسله های سولفات در برخی مناطق نظیر بالادست و پایین دست مناطق صنعتی منجر به سردی نسبی هوا شده است. (به Climate change نگاه کنید).
Global Warming Potential	نسبت گرمای حاصل از یک ماده به گرمای حاصل از توده دی اکسید کربن مشابه. بعنوان مثال GWP برای CFC-12 برابر 8500 است در حالیکه GWP آب برابر با صفر می باشد.
Grab	وسيله ای که به جرثقیل متصل شده و برای بالا بردن مواد دفعی نظیر زباله استفاده می شود. Clamshell G. قلابی که دارای دو گیره متصل بهم بوده و در اثر کشش ریسمانها یا نیروی الکترو هیدرولیکی بالا می رود. Polyp G. قلابی که از یک تعداد صفحات فولادی منحنی شکل و محوری ساخته شده است.
Grab Sample	نمونه منفردی که در یک زمان و مکان خاصی استحصال شده و ترکیب آب، هوا یا خاک را تنها در همان زمان و مکان نشان می دهد.
Grader	ماشین چرخدار بادی که با نیروی گاز یا دیزل حرکت می کند و به پره محوری متصل است که می تواند تغییر زاویه داده و به هر جهت حرکت کند.
Gradient, Hydraulic	شیب سطح آزاد آب در هر مجرا و آبگذر یا اختلاف پتانسیل بین دو نقطه در سیستم آبی تقسیم بر فاصله بین این نقاط در طول مسیر جریان آب.
Grapple	سطل گیره ای شکلی که سه یا چند چنگک دارد (EPA).
Grate	سطح مورد استفاده جهت نگهداری سوخت یا زباله در حین سوختن که از طریق شکافهایش هوا به مواد سوختنی می رسد (EAWAG). Automatic G. درجه کوره که به طور خودکار حرکت مداوم سوخت (زباله) را در واحد احتراق توسط ابزار مکانیکی تأمین مینماید. Chaing G. شبکه زنجیری که دارای زنجیره متحرکی به عنوان سطح درجه است. این شبکه دارای حلقه هایی است که روی میله هایی نصب شده و سطحی را تشکیل می دهند که توسط میله حرکت می کند. Continuous G. نوعی از درجه زباله سوز است که متناوباً در انتهای تغذیه با زباله بارگیری شده و مواد سوختنی بطور پیوسته به سوی انتهای تخلیه حرکت می کنند. در بخش تخلیه مواد به صورت اتوماتیکی و پیوسته تخلیه می شوند. Dump G. به Dump plate نگاه کنید. Incinerator G. درجه مکانیکی است که برای سوزاندن زباله در کوره و تخلیه مواد باقیمانده به کار می رود. Inertial G. شبکه ای که شامل بستر ثابتی از صفحات بوده که روی غلتک حمل شده و با مکانیسم الکتریکی فعال می شوند. این شبکه بستر را به آرامی به عقب فنر برده و آن را آزاد می کند بطوریکه تمام بستر رو به جلو رفته و ناگهان توسط فنر دیگری متوقف میشود. اینرسی زباله آن را به سوی کوره کشانده و این چرخه مجدداً تکرار می شود. Mechanical G. هر نوعی از شبکه زباله سوز که نیاز به بهره برداری دستی ندارد. Oscillating G. نوعی سوخت انداز که در آن تمام سطح شبکه نوسان داشته و زباله و مواد باقیمانده روی سطح شبکه را حرکت میدهد. Reciprocating G. شبکه ای که طوری قرار گرفته است که مقاطع متناوب آن حرکت دوجانبی آرامی در جهت افقی دارند. هر حرکتی به سمت جلو مواد سوختنی را در طول سطح شبکه پیش می راند. Rocker G. شبکه ای که دارای بخشهای متناوب ثابت و محوری می باشد. در شبکه دارای بخش محوری، زمانیکه جنبش و نوسان محوری صورت می گیرد مواد سوختنی بلند شده و به سمت کوره حرکت می کنند. در همان زمان مواد تازه قابل احتراق در معرض سوختن قرار می گیرند. Shredder G. بخشی از یک خرد کننده که مواد خرد شده و پودر شده از طریق آن عبور می کنند. این شبکه معمولاً شامل تعدادی استوانه است که فاصله شان متناسب با حداکثر اندازه ذرات مواد خرد شده می باشد. Travelling G. سوخت اندازی که ضرورتاً زنجیر متحرکی دارد که با

	چرخ دنده حمل شده و قطعات کوچک فلزي را جداسازي مي کند. در حال حرکت در میان کوره تمام سطح به عنوان شبکه عمل مي کند. در انتهاي کوره چرخ دنده ها به زیر کوره برمي گردند و کوره در بالاي چرخ دنده ها قرار مي گيرد.
Gravel	توده اي شامل اجزاء تخریب شده سنگها که قطرشان عمدتاً در محدوده 2-65 mm است.
Green House Effect	گرم شدن هواي زمين در اثر تراکم دي اکسیدکربن يا ديگر گازها. برخي از دانشمندان فکر مي کنند که اين گازها اجازه مي دهند که اشعه خورشيد زمين را گرم کند درحاليکه آنها مانع از برگشت تشعشعات به اتمسفر می شوند.
Grid Bars	میله هاي فولادي شبکه اي شکل که در محل پایه يا خروجي حالت خردکننده دارند و مواد خرد شده پس از خرد شدن به حد کافي و کاهش اندازه از میان آن عبور مي نمايد.
Gross Power-generation Potential	ظرفیت نسبي توليد برق که گازهاي حاصل از محل دفن زباله آن را تأمین مي کنند.
Groundwater	آبي که در طبقات زیرزميني متخلخل وجود دارد و حاصل از نفوذ سطحي مي باشد.
Ground Water Discharge Area	سطحي با پتانسیل کم آب زیرزميني که آب آن در سطح زمين ظاهر شده يا وارد يك جمع آورنده مي شود.
Ground Water Lowering	کاهش مصنوعي بدنه آب در محل خاص به منظور عملیات حفاري که باید در خشکی انجام شود (WHO).
Ground Water Potential	انرژی پتانسیل در نقطه اي در سیستم آب زیرزميني که برحسب ارتفاع بدنه آب در بالاي سطح دریا بيان مي شود.
Ground Water Run off	بخشی از رواناب که به زمين نفوذ نموده و تبدیل به آب زیرزميني شده و به کانال رودخانه يا چشمه يا آب نفوذی تخلیه مي شود (WMO/UNESCO).
Grouser	برجستگی يا طنابي که در طول چنگک تراکتور امتداد داشته و کشش آن را بهبود مي بخشد (EPA).
Grout	مخلوطي سیمانی يا آب بند از سیمان و آب که به آن ماسه، خاک اره يا ساير پرکننده ها اضافه مي شود (EPA).
	H
Hammermill	دسته اي وسيع از تجهيزات پرسرعت که از چکشهاي محوري ثابت و يا تيغه هايي به منظور له کردن، آسیاب کردن، خرد کردن يا ریز کردن مواد جامد استفاده مي کنند.
Handling	عمل انتقال مواد زائد جامد پس از تولید، به غیر از ذخیره، فرآیند نمودن و دفع نهایی.
Hardness	حضور نمکهاي محلول کلسیم يا منیزیم در آب. اين نمکها با صابونهاي سدیمی واکنش داده و صابونهاي غیرمحلول تشکیل مي دهند که خصوصیات بگ شوینده را ندارد. بسختي مي تواند منجر به تشکیل رسوب و پوسته در سیستمهاي آب گرم يا ديگ بخار شود.
Hard Pan	لایه سفت شده، فشرده و سیمانی شده خاک (EPA).
Haul Distance	1- فاصله اي که ماشین جمع آوري از آخرین توقف خودرو تا ایستگاه انتقال زباله، تأسیسات فرایند نمودن يا محل دفن بهداشتی طی می کند. 2- فاصله اي که وسیله نقلیه از ایستگاه انتقال زباله يا تأسیسات فرایند نمودن به محل دفن نهایی طی می کند. 3- فاصله که باید مواد پوششی از محل حفاري به محل دفن بهداشتی حمل می شوند (EPA)
Hauler	سازمان جمع آوری زباله که سرویس دهی انتقال کامل زباله را عرضه می کند؛ ونیز مواد قابل بازیافت را جمع آوری می نماید.
Haul Time	زمان لازم برای انتقال زباله بین دو محل خاص (EPA).
Heart	Drying H. سطحي از زباله سوز که مواد حاوي رطوبت قبل از سوختن روي آن خشک مي شوند. گازهاي گرم احتراق براي خشک کردن مواد از میان آنها عبور داده مي شوند. Solid H. سطح ماده نسوز بدون فاصله هوایی که براي حفظ مواد در طول خشک شدن، اشتعال يا احتراق به کار مي رود. کوره هاي جامد زماني استفاده مي شوند که مواد سوختنی حاوي لجن، مایعات يا جامدات چسبناکی هستند که زیر دمایی احتراق ذوب می شوند.
Heat, Available	میزان گرمای مفید تولید شده به ازاي واحد سوخت در صورتیکه به طور کامل بسوزد. از مقدار گرمای گاز، سوخت خشک و بخار آب صرف نظر می شود (EPA).
Heat Balance	تعادل بین حرارت ورودی و خروجی دستگاه زباله سوز که هر يك ساعت يك بار تنظیم می شود.
Heat, Conduction of	انتقال گرما از میان يك جسم که داراي افزایش حرارت تدریجی است که این امر در نتیجه میان کنشهاي مولکولی می باشد. مکانیسم انتقال گرما متنوع بوده و بستگی به ماهیت جسم (مایع، گاز و جامدات هادی الکتریسیته يا جامدات دي الکتریک) دارد.
Heat Exchanger	وسيله اي که حرارت را از يك منبع به منبع ديگر انتقال می دهد بدون آنکه آنها با هم مخلوط شوند.
Heating, Central Station or District	گرم کردن تمام ساختمانها و اماکن مسکونی درون يك منطقه خاصی از يك تأسیسات مجزا معمولاً به کمک جریان فوق گرم. این دستگاه ممکن است براي اهداف خاصی تعبیه شده باشد و يا از گرمای دفعی تأسیساتی نظیر ایستگاههاي

	تولید الکتروسیته یا زباله سوز شهری استفاده کنند. از آنجاییکه کنترل آلودگی حاصل از یک دستگاه بزرگ به مراتب آسانتر از چند منبع کوچک است، ایستگاه گرمایش مرکزی کمک قابل توجهی در دستیابی به هوای پاک می کند.
Heat of Combustion	به Combustion, energy of نگاه کنید.
Heat Release Rate	مقدار گرمای تولید شده به ازای واحد حجم کوره در واحد زمان در طی احتراق کامل سوخت.
Heat Value, Heating Value	به Calorific value نگاه کنید.
Hectare	مساحتی از زمین معادل 10000m ² . هکتار واحد SI نمیشد اما توسط Conference general des poids et mesures برای استفاده با سیستم SI در زمان محدود پذیرفته شده است. سمبل آن ha می باشد.
Herbicide	یک ماده یا مخلوطی از مواد شیمیایی که زندگی گیاهی را نابود می کند. در کاربرد عمومی، این واژه منحصر به علف کشهایی است که قدرت انتخابی در نابودی گیاهان مضر دارند.
High Heating (or Heat) Value	به Calorific value نگاه کنید.
Hog Cholera	بیماری ویروسی که به تغذیه خوکها از مواد زائد خام مربوط می شود.
Hog Feeding	مصرف مواد غذایی دفعی حرارت دیده به عنوان غذای حیوانات اهلی (EPA).
Hopper	وسیله ای که زباله در آن جای گرفته و از طریق آن به شوت و یا مستقیماً به ظرف حمل منتقل می شود (BSI). Bifurcated H. واحدی که به توسط یک صفحه شیبدار به دوشوت تقسیم شده و با برداشت صفحه مواد به جهت دیگر می ریزند. Reception H. حفره یا مخزنی که مواد زائد جامد را دریافت نموده و تا زمان تصفیه و پردازش آنها را ذخیره می نماید.
Hot Spot	منطقه ای با حرارت بالا در بستر سوخت در زباله سوز
Household Hazardous Waste	محصولاتی که حاوی مواد خطرناک بوده و بیشتر توسط مردم مصرف می شوند تا صنایع. این محصولات شامل رنگ حلال و حشره کش می شود.
Household Waste	مواد زائد جامد؛ ترکیبی از زباله و آشغالهایی که به طور طبیعی از منازل شخصی یا آپارتمانها ایجاد می شود؛ ضایعات خانگی ممکن است شامل مقدار قابل ملاحظه ای از مواد زائد سمی و خطرناک باشد.
Humus	1- ماده آلی موجود در خاک که طوری با آن ترکیب شده است که نمی توان ساختار اولیه آن را مشخص کرد. معمولاً کلونیدی است و رنگ قهوه ای تیره دارد. 2- مواد لخته ای قابل ته نشینی که در پساب فیلترهای تراوشی باقی میماند.
Hydrogenation	ترکیب شیمیایی هیدروژن با یک ماده دیگر که معمولاً تحت تأثیر گرما و فشار و در حضور یک کاتالیت صورت می گیرد. این واژه عموماً در صنعت نفت کاربرد دارد.
I	
Ignitable	قابل سوختن یا آتش گرفتن
Ignition Arch	قوس یا سطحی از دستگاه زباله سوز که مقاوم به حرارت بوده و بر روی لایه ای از سوخت قرار گرفته است و گرما را متشعشع نموده و احتراق را شتاب می دهد.
Ignition Point	1- دمایی که ماده قبل از عمل احتراق باید در آن حرارت داده شود. 2- پایین ترین دمایی که در آن احتراق خود به خود در یک ماده (در غیاب منبع احتراق خارجی مثل شعله) رخ می دهد.
Immission	یک اصطلاح آلمانی که معادل انگلیسی برای آن وجود ندارد. در جمهوری فدرال آلمان این اصطلاح قانوناً به عنوان آلاینده های هوا، صوت، ارتعاش، نور، گرما، تابش و فاکتورهای زیست محیطی که بر روی انسان، حیوان، گیاه و اشیاء تأثیر میگذارد تعریف شده است. اینها از انتشار قابل تشخیص هستند و به عنوان آلاینده هوا، صدا، ارتعاش، نور، گرما، تابش و پدیده های عددی ناشی از یک تأسیسات تعریف شده اند (FRG).
Impermeability	حالتی از نفوذ ناپذیری، عدم قابلیت نفوذ مواد حل شده در سیالها
Impervious	به Permeability نگاه کنید.
Imports	مواد زائد جامد شهری و مواد قابل بازیافتی که برای پردازش یا آماده سازی نهایی به یک ایالت یا منطقه انتقال داده شده اند اما در همان ایالت یا منطقه تولید نشده اند.
Incineration	دستگاهی که در آن زباله ها سوزانده می شوند و کلیه فاکتورهای موثر بر احتراق نظیر دما، زمان ماند، اختلاط و هوای احتراق کنترل می شود. Cell-type I. نوعی زباله سوز است که منطقه مشبک آن به سلولهایی تقسیم شده است که هر یک از این سلولها دارای خاکستر انداز، هوای کنترل شده زیر آتش و شبکه خاکستر خاص خودش می باشد (EPA). Central I. تأسیساتی است که در مکانهای خاصی جای گرفته و زباله های جمع آوری شده از منابع مختلف را می سوزاند (EPA). . Chute-fed I. زباله سوزی است که از طریق شوت زباله ای که تا یک یا دو طبقه بالای آن امتداد

	دارد تغذیه می شود (EPA). Continuous-feed I. زباله سوزی که زباله ها به طور پیوسته وارد آن می شود تا سرعت سوزاندن در حد ثابتی حفظ شود (EPA). Controlled air I. زباله سوزی با دو یا چند منطقه احتراق که در آن میزان و توزیع هوا کنترل می شود. احتراق جزئی در منطقه اولیه رخ می دهد و گازها در منطقه یا مناطق بعدی سوزانده می شوند. Direct-feed I. زباله سوزی که در آن ضایعات جامد مستقیماً به درون محفظه احتراق ریخته می شوند.
	Domestic I. زباله سوز کوچک که برای سوزاندن زباله های خانگی حاصل از منازل شخصی یا سایر ساختمانهای کوچک طراحی شده است. Flue-fed I. زباله سوزی که از طریق یک استوانه که به عنوان شوت عمل می کند بارگیری می شود و دودکش نیز برای حمل محصولات احتراق دارد. Hospital I. زباله سوزی که برای سوزاندن زباله های بیمارستانی مثل لباسهای جراحی و مواد بیولوژیکی به کار می رود. Industrial I. زباله سوزی که برای سوزاندن زباله های صنعتی خاصی طراحی شده است. Mutiple-chamber I. زباله سوزی که شامل دو یا چند محفظه است که به صورت دوخط یا retort مرتب شده اند. این محفظه ها از طریق مجراهای عبور گاز به هم ارتباط دارند (EPA).
	Municipal I. زباله سوزی که برای سوزاندن زباله مسکونی یا تجاری طراحی شده است. Onsite I. زباله سوزی که برای سوزاندن زباله در محل تولید به کار می رود. Open pit I. زباله سوزی روباز که به نازلهایی مجهز است که از طریق آنها جریان مستقیم هوا با سرعت بالا روی منطقه سوزاندن قرار می گیرند. Retort-type I. زباله سوز چند محفظه ای که در آن گازها از انتهای محفظه احتراق و سپس از طریق واحد اختلاط و احتراق عبور می نمایند (EPA).
	Slag-forming I. زباله سوزی که در دماهای بالایی که اجزای قابل احتراق نوب می شوند بهره برداری می گردد. بعد از سرد شدن تفرقه به صورت مواد دانه ای استریل شده در می آید.
Incinerator Capacity	مقدار زباله ای که می تواند توسط زباله سوز در زمان معین و تحت شرایط خاص پردازش شود. معمولاً برحسب مقدار جرم در 24 ساعت بیان می شود. Design I.C. ظرفیتی که زباله سوز برای آن طراحی شده است. Firm I.C. ظرفیتی که زباله سوز در بیشتر از آن نمی تواند عمل کند. Rated I.C. ظرفیتی را که یک زباله سوز دارا می باشد.
Incompatible Waste	زباله ای که برای ترکیب شدن با زباله های دیگر مناسب نیست. زیرا احتمال دارد که یکدیگر را تحت تاثیر قرار داده و ماده ای خطرناک به وجود آورند.
Indore Process	روش کودسازی به وسیله باکتری های غیرهوازی که از هندوستان منشأ گرفته است. مواد زائد آلی به صورت لایه های متناوبی همراه با کود حیوانی یا انسانی در گروال یا حفرة ای قرار می گیرند. این گودالها در شش ماه 2 بار برگردانده می شوند. برای حفظ رطوبت کود کمپوست از عمل زهکشی استفاده می شود.
Industrial Process Waste	مواد زائدی که در طول فرایند ساخت تولید می شوند.
Industrial Source Reduction	فعالیتهایی که مقدار مواد آلاینده خطرناک یا آلاینده هایی را که وارد رودخانه ها شده و یا در محیط زیست پخش می شوند را کاهش می دهد. این امر منجر به کاهش مخاطرات بهداشتی و زیست محیطی مرتبط با چنین موادی نیز می گردد. این اصطلاح شامل تجهیزات و تکنولوژیها، جانشینی مواد اولیه، اصطلاحات در خانه داری، نگهداری و کنترل موجود می باشد.
Industrial Waste	مواد دورانداختنی که از فرآیندهای صنعتی ناشی می شود که می تواند مایع، لجن، جامد یا زباله های خطرناک باشد.
Inertial Separator	به Dust separator نگاه کنید.
Infection Waste	مواد زائد خطرناک که باعث عفونت در انسان می شود و این مواد شامل فضولات حیوانی، خون انسان و فرآورده های خونی، ضایعات ناشی از بیماریها و مواد زائد نوک تیز (سوزنها، چاقوهای جراحی یا وسایل شکسته پزشکی) می باشد.
Infiltration	فرآیندی که از طریق آن مقداری از بارندگی از طریق سطح زمین جریان می یابد (EPA).
Infiltration Air	هوایی که به واحدها یا کانالهایی کوره زباله سوز نفوذ می کند (EPA).
Inoculum	میکروارگانسیم هایی که در محیط کشت، خاک، کمپوست و ... قرار دارند (EPA).
In -Situ Flushing	ورود حجم زیادی از آب به محوطه های تمییز، خاک، مواد زائد یا آبهای زیر زمینی که باعث شستن آلاینده های خطرناک محل می شود.
In -Situ Vitrification	روشی که از طریق آن خاکهای آلوده با درجه حرارت فوق العاده بالا (حرارتی بیش از 3000 درجه فارنهایت) تصفیه می شود.
Institutional Waste	زباله های حاصل از موسسه ها مثل مدراس، کتابخانه ها، بیمارستانها، زندانها و غیره.
Insulation, Plastic	عایقی کاملاً پلاستیکی که در صورت مخلوط شدن با آب به دیواره های خارجی کوره که بالای قوس کوره قرار دارند می چسبند.
Integrated Waste Management	استفاده از فعالیتهای مختلف برای جابجایی مواد زائد جامد شهری که می تواند شامل کاهش منابع، بازیافت، سوزاندن و دفن بهداشتی زباله باشد.

Interflow	بخشی از بارندگی که به درون خاک نفوذ نموده و زیر سطح خاک جریان می یابد تا اینکه به وسیله یک جریان نهری دریافت شده و یا در قسمتهای پایینی نقطه نفوذش روی سطح خاک ظاهر شود (EPA).
Ion Exchange	تبادل یونها با بار الکتریکی یکسان بین یک محلول و زباله آلی یا غیرآلی با یک مایع که تبادل کننده یون نامیده می شود. تبادل کننده یون باید غیر قابل انحلال در محلول باشد.
J	
Jack, Stabilizing	یکی از وسایلی که هنگام بالا یا پایین بردن ظرف مخصوص زباله، شاسیهایی وسیله نقلیه را ثابت نگه می دارد.
K	
K-factor	اصطلاحی که گاهی اوقات در مورد هدایت گرمایی به کار می رود.
Kiln, Rotary	استوانه ای برای احتراق زباله که روی محوری شیبدار می چرخد و این عمل موجب سوختن مواد و حرکت آهسته آنها به جلو می شود.
Kinetic Techniques	فنونی که در آن انجام کار سنگین دستی با حداقل فعالیت عضلانی همراه بوده و مبتنی بر این اصل است که در انتقال نیرو بازوها نقش عمده ای دارند و این نیرو با استفاده موثر از وزن بدن ایجاد می شود.
L	
Land Ban	توقف تدریجی استفاده از زمین برای دفع زباله های خطرناک و تصفیه نشده به گونه ای که در اصلاحیه قانون بازیابی و حفظ منابع (RCRA 1,84) آورده شده است.
Land Disposal Restrictions	قوانینی که خواستار تصفیه مواد زائد خطرناک قبل از دفن در زمین می باشند. و نیز خواستار نابودی یا غیرفعال کردن اجزاء خطرناکی هستند که ممکن است وارد خاک یا آبهای زیرزمینی شوند.
Land Farming (of Waste)	فرآیند دفع مواد زائد که در آن مواد زائد خطرناک روی خاک یا درون آن رسوب نموده و بطور طبیعی و توسط میکروارگانیسمها تجزیه می شوند.
Land Fills	1- مکانهای دفن بهداشتی، محلهایی برای دفع زباله که مواد زائد جامد غیرخطرناک در آن در لایه های نازکی پخش شوند و تا کمترین حجم فشرده می شوند و در انتهای هر روز مواد با خاک پوشانده می شوند. 2- مکانهای بی خطر برای دفع مواد شیمیایی، محلولهایی برای دفن مواد زائد خطرناک، این مکانها طوری انتخاب و برنامه ریزی می شوند که احتمال ورود مواد خطرناک را به محیط زیست کاهش دهند.
Land Fill Blade	یک صفحه تیغه دار با دنباله ای روی آن که باعث افزایش حجم مواد زائد جامد می شود و می تواند مواد را فشرده و پخش کند. این صفحه بهره بردار را در مقابل آشغال و هر ماده ای که ممکن است از آن بیرون بیفتد محافظت می کند.
Land Scaping	فرآیند تغییر شکل طبیعی و خصوصیات زمین به نحویکه آن را جذابتر نماید. مثلاً چمن کاری یا درختکاری در یک منطقه. در این متن این واژه معمولاً به محل دفن بهداشتی زباله ربط دارد.
Lantz Process	فرآیند تقطیر تخریبی که در آن اجزاء قابل احتراق زباله به گازهای قابل احتراق، ذغال و محصولات متنوع تقطیر تبدیل می شوند (EPA). همچنین به Destructive, Distillation و Pyrolysis نگاه کنید.
Large Quantity Generator	فرد یا دستگاهی که ماهیانه بیش از 2200 پوند زباله خطرناک تولید نماید. چنین مولدهایی در حدود 90% مواد زائد خطرناک یک کشور را به وجود آورده و مشمول تمامی قوانین بازیابی و حفظ منابع می باشند.
LC 50/lethal Concentration	حد متوسط غلظت، اندازه گیری استاندارد سمیت. به معنی مقدار ماده ای است که برای کشتن نیمی از ارگانیسم های در معرض ماده در یک زمان خاص مورد نیاز است (به 50 LD نگاه کنید).
LD 50/lethal Dose	دوز یک ماده سمی یا میکروب که قادر است 50% ارگانیسمهای تحت آزمایش را در یک دوره خاص بکشد. هر ماده ای با LD 50 پایین تر سمی تر می باشد.
Ldlo	کمترین دوز کشنده، پایین تر از دوزی که در حیوانات مورد مطالعه موجب مرگ شود.
Leachate	مایع حاصل از محل دفن بهداشتی که حاوی جامدات محلول است که از قبل در زباله وجود داشته و یا اینکه بعداً ایجاد شده و در آب عبوری از زباله حل شده است.
Leachate Collection System	سیستمی که شیرابه را جمع آوری نموده و آن را جهت تصفیه با فشار به سطح زمین هدایت می نماید.
Leaching	1- حذف اجزاء محلول از خاک یا ماده دیگر توسط آب تراوشی. 2- حذف نمکها و قلیا از خاک از طریق آبیاری زیاد همراه با زهکشی. 3- دفع یک مایع از طریق کانال یا تشکیلات مصنوعی غیر آب بند، یا مواد متخلخل به سمت پایین یا زهکش فرعی و یا هر دو به درون خاک نفوذپذیر اطراف. (همگی از EAWAG).
Ledge Plate	صفحه ای که نزدیک یا روی لبه بخش سوخت رسان کوره قرار دارد.
Lift	در دفن بهداشتی زباله، لایه فشرده ای از زباله است که در رأس مواد پوششی قرار می گیرد (EPA).
Liner	1- لایه محافظ نسبتاً غیرقابل نفوذی که برای جلوگیری از نشت شیرابه در مکان دفن بهداشتی طراحی شده است.

	جنس این لایه از نایلون و خاک رس متراکم می باشد. 2- پوشش یا صفحه ای در لوله های فاضلاب که از نشت یا نفوذ شیرابه جلوگیری می نماید.
Lining	موادی که درون دیواره کوره زباله سوز استفاده می شود. جنس این مواد اغلب از سفالهای مرغوب نسوز یا آجر و یا مواد پلاستیکی نسوز می باشد (EPA). Monolithic L. لایه یا ساختمان نسوزی که در مقاطع بزرگ و درمحل ساخته می شود. لایه ها و اتصالات آجری متداول استفاده نمی شود (EPA).
Lipid	هر نوع چربی یا ماده مربوطه.
Liquid Injection Incinerator	در این سیستم ها مواد زائد مایع با فشار زیاد برای سوزاندن آماده می شوند. این آماده سازی با شکستن مایع به قطرات کوچک همراه بوده که موجب آسان شدن عمل احتراق می شود.
Listed Waste	مواد زائدی که براساس قانون بازیابی و حفظ منابع به عنوان مواد خطرناک فهرست بندی شده اند. اما یک طرح جامع و گسترده برای دادرسی آن تدوین و تنظیم نشده است.
Load-bearing Resistance (Refractory)	درجه ای که در آن یک ماده نسوز که در معرض بار متراکم ویژه در یک دما و زمان معین قرار گرفته است، تغییر شکل نمی دهد (EPA).
Loading Line	ارتفاع بدنه وسیله نقلیه جمع آوری زباله که بالاتر از سطح زمین بوده و زباله در آن بارگیری می شود.
Loading System, Dustless	سیستم مکانیکی تخلیه سطیهای زباله به داخل ماشینهای جمع آوری زباله، بدون آنکه گردوغباری از زباله ها خارج شود.
Load, Rated	حداکثر باری که جرثقیل برای حمل بی خطر آن طراحی شده است (EPA).
Loam	خاک نرم و سهل الاستفاده که شامل شن، گل و لای و خاک رس می باشد.
Low Heating (or Heat) Value	به Calorific value نگاه کنید.
Low-level Radioactive Waste (LLRW)	زباله هایی با رادیواکتیویته بسیار پایین که اغلب آنها مرتبط با راکتورهای هسته ای بوده و یا در بیمارستانها، آزمایشگاههای تحقیقاتی و مراکز صنعتی خاص به وجود آمده اند. سازمان انرژی اتمی و حفاظت محیط زیست، مسئولیت مدیریت این مواد را بعهده دارند.
Lysimeter	وسیله ای که برای اندازه گیری مقدار یا سرعت آب عبوری از میان خاک یا سایر مواد نظیر زباله استفاده می شود. از این وسیله برای جمع آوری آب تراوشی به منظور تجزیه کیفی نیز استفاده می شود.
M	
Machine Coding And Switching	سیستم سنسورها و ابزارهای مکانیکی برای رمزگذاری و حذف طبقات معین مواد از زباله های غیرهمگون به منظور بازیافت که براساس اصول آزمایشگاهی موسسه فنون ماساچوست پایه ریزی شده است.
Magnetic Separator	استفاده از آهنربا برای جداسازی آهن آلات از جریان زباله های مخلوط شهری.
Management Facility	معمولاً جریان محدودی از ضایعات را از فرآیندهای خاصی می پذیرد.
Mandatory Recycling	برنامه های قانونی که مصرف کننده را ملزم به جداسازی زباله می نماید تا بخشی یا تمام مواد قابل بازیافت قبل از رسیدن به محل دفن بهداشتی جداسازی و بازیافت نماید.
Manifest	برگه ای یک صفحه ای که توسط شرکت حمل و نقل مواد زائد استفاده می شود. در این برگه شماره های تشخیص EPA نوع و مقدار زباله، منشأ تولید زباله، وسیله حمل آن، محل ذخیره و یا دفع ضایعات حمل شده با کشتی صورت برداری شده است و شامل رونوشت تمام شرکتیهای که در جریان حمل مواد زائد دخیل بوده اند می شود.
Manifest System	مسیر مواد زائد خطرناک از تولید تا دفع نهایی به همراه اسنادی که بارنامه نامیده می شود.
Manual Separation	جداسازی دستی مواد قابل کود شدن یا قابل بازیافت از مواد زائد جامد.
Manure	فضولات حیوانی که به عنوان کود به کار می رود. باقیمانده غذاها یا خاک باغچه را نیز شامل می شود (EPA).
Map, Topographic	نقشه ای که ارقام ارتفاعی و شیب (بستی و بلندیها) را نشان می دهد (EPA).
Materials, Balance	تعادل بین وزن مواد ورودی و خروجی یک فرآیند یا سیستم.
Material Recovery Facility (MRF)	دستگاهی که از مواد مخلوط و قابل بازیافت جمع آوری شده از مناطق مسکونی، محصولات جدیدی را برای بازار آماده می سازد.
Materials, Secondary	موادی غیر از مواد اولیه یا خام که در فرآیند ساخت استفاده می شوند. این واژه اغلب بر مواد بازیافتی دلالت می نماید.
Mechanical Separation	استفاده از وسایل مکانیکی برای جداسازی اجزاء مختلف زباله.
Medical Waste	مواد زائد ناشی از امور پزشکی، درمان یا مصون سازی انسان یا حیوان و تحقیقات مربوط به آن و یا ضایعات ناشی از تولید و آزمایشات بیولوژیکی، باید توجه داشت که مواد زائد خطرناکی که بر طبق قانون CFR 40 بخش 261 فهرست بندی شده اند و ضایعات خانگی که در بخش (1) (b) 261/4 CFR 40 مشخص شده اند، شامل این دسته بندی نمی باشند.

Membrane Barrier	لایه نازکی از مواد غیرقابل نفوذ در برابر جریان گاز یا آب (EPA).
Metal, Heavy	عصر فلزی با عدد اتمی بالا مثل کادمیم، سرب یا جیوه. فلزات سنگین حتی در غلظت کم می توانند اثرات سمی داشته باشند.
Methane	گاز بی رنگ، غیرسمی و قابل اشتعال که در اثر تجزیه بی هوازی ترکیبات آلی به وجود می آید و بخش اصلی گاز طبیعی مصرفی در منازل را تشکیل می دهد.
Minimization	برنامه جامع برای به حداقل رساندن یا از بین بردن مواد زائد جامد. معمولاً این برنامه در محل تولید ضایعات به کار می رود.
Mining Waste	مواد زائد جامد باقیمانده ناشی از استخراج مواد خام از زمین.
Mixed Glass	شیشه های بازیافتی که دسته بندی نشده اند.
Mixed Metals	فلزات بازیافتی که دسته بندی نشده اند مثلاً مخلوطی از آلومینیوم، قلع، قوطیهای استیل یا فلزات آهنی و غیر آهنی.
Mixed Municipal Waste	مواد زائدی که طبقه بندی خاصی ندارند مثل پلاستیک، شیشه و ...
Mixed Paper	کاغذ بازیافتی که دسته بندی شده است مثلاً مجلات، روزنامه های کهنه و کارتن های کهنه
Mixed Plastic	پلاستیک بازیافتی دسته بندی نشده.
Mixing Chamber	واحدهای درزباله سوز که بین محفظه احتراق اولیه و ثانویه قرار دارد. ترکیبات حاصل از احتراق در اثر توربولانس در آن کاملاً مخلوط می شوند. این توربولانس حاصل از افزایش سرعت گازها، کار دستگاه کنترل کننده و چرخش جهت جریان گاز می باشد.
Mobile Incinerator System	زباله سوز مواد زائد خطرناک که می تواند از یک محل به دیگر انتقال پیدا کند.
Moisture Content	مقدار آب موجود در خاک، لجن فاضلاب، لجن زائدات صنعتی و آشغالگیری. معمولاً برحسب درصد وزن مرطوبت بیان می شود (EAMAG). افت وزنی یک نمونه زباله (برحسب درصد) زمانیکه در دمای 100 °C تا 105 °C تا وزن ثابتی خشک می شود.
Moisture, Content, Percentage	(محتوای آب نمونه) * 100
	1- بر مبنای رطوبت = $\frac{\text{محتوای آب نمونه} + \text{وزن خشک نمونه}}{\text{محتوای آب نمونه} + \text{وزن خشک نمونه}} \times 100$
	2- بر مبنای خشکی = $\frac{\text{وزن خشک نمونه}}{\text{محتوای آب نمونه} + \text{وزن خشک نمونه}} \times 100$
Moisture-holding Capacity	به Field capacity نگاه کنید.
Monitoring Well	1- چاهی که برای استحصال نمونه های کیفی آب و یا اندازه گیری سطح آب زیرزمینی استفاده می شود. 2- چاهی که در کارخانه مدیریت مواد زائد خطرناک حفر می شود و به منظور استحصال نمونه آب زیرزمینی جهت تجزیه فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی استفاده می شود تا نوع و انتشار آلاینده ها را در آبهای زیرزمینی محل مشخص نماید.
Mortar, Fireclay	ملاطی که از آب و خاک با نقطه جوش بالا ساخته شده است و معمولاً برای اتصال دیوارهای نسوز به کار می رود تا از نشت هوا و گاز جلوگیری کند.
Mortar, Refractory	مواد ریزی که پس از خشک شدن اتصال محکمی بین مواد به وجود می آورند و حرارت بالا را تحمل می کنند.
	Heat-setting r.m. ملاط نسوزی که بدون استفاده از گرما سفت میشود. Air-setting r.m. or cold-setting r.m. ملاطی که چسبندگی آن در اثر حرارت نسبتاً بالایی ایجاد شده و بخشی از اجزاء سازنده اش شیشه ای می شود (EPA).
	Hydraulic-setting r.m. ملاطی که در اثر هیدراته شدن (واکنش شیمیایی با آب) سفت و محکم میشود. در زباله سوز، آب ملاط تبخیر شده و در اثر گرمای کوره یک باند سرامیکی ایجاد می شود (EPA).
Motive Unit	واحد تراکتور یک وسیله نقلیه
Mpl System	سیستمی که در ایستگاه انتقال زباله استفاده می گردد. در این سیستم مواد زائد جامد به وسیله سمبه هیدرولیکی درون یک سیلندر افقی مترکم شده و سپس از طریق یک بدنه استوانه ای شکل به درون وسایل نقلیه مخصوص زباله انتقال می یابند. Mpl دلالت بر حداکثر تحمل بار دارد. دستگاهها معمولاً طوری طراحی می شوند که بتوانند حداکثر بار مجاز وسایل راهسازی را براساس مقررات کشور انگلستان بپذیرند.
Mudflats	مناطق گلی که زمانیکه لریز از آب هستند هیچگونه رویش گیاهی در آنها دیده نمی شود.
Mulch	لایه ای از مواد آلی قیر مانند که روی سطح زمین گسترده می شود تا رطوبت خاک یا ریشه های گیاهان را محافظت نماید.

Mulching	گستردن برگهای خشک، کاه و مواد دیگر بر روی سطح زمین جهت جلوگیری از فرسایش خاک، تبخیر و یخ زدگی ریشه گیاهان.
Multicyclone	به Dust separator نگاه کنید.
Municipal Solid Waste	زباله یا آشغالی که به وسیله مراکز صنعتی، تجاری، مسکونی و یا منازل ایجاد می شود.
N	
Night Soil	فضولات جامد یا مایع انسانی که در ساختمانهایی که به چاه مستراح یا مجرای فاضلاب متصل نیستند از سطل ها یا توالنت ها حاصل می شود.
Nitrification	تبدیل آمونیاک به نیتریت و نیترات توسط میکروارگانیسم ها تحت شرایط هوازی.
Nitrogen Cycle	یک سری فرآیندهایی که توسط آنها نیترژن هوا به نیتراتهای موجود در خاک یا سایر ترکیبات نیترژنی در گیاهان تبدیل می شود. ترکیبات آمونیومی بطور مستقیم از طریق حیوانات و گیاهان در خاک شکل می گیرند. این ترکیبات آمونیومی نهایتاً شکسته شده و به صورت نیترژن وارد اتمسفر یا بخش دیگری از چرخه می شوند.
Nitrogenous Waste	باقیمانده حیوانی یا گیاهی که حاوی میزان قابل توجهی نیترژن باشد.
Non Hazardous Industrial Waste	مواد زائد صنعتی موجود در فاضلاب که بر طبق قانون RARA، در گروه زباله های خانگی یا زباله های خطرناک دسته بندی نمی شوند.
Normal Temperature And Pressure (NTP)	یک مجموعه از شرایط استاندارد مورد استفاده در گزارشات اندازه گیری حجم گاز فشار و دمای طبیعی به دمای 273/15 °k (0 °c) و فشار 101/325kpa (1atm) دلالت می نماید. قبلاً از اصطلاح "فشار و دمای استاندارد" (STP) استفاده می شد که گاهی اوقات با شرایط استاندارد اندکی تفاوت داشت.
O	
Ocean Disposal	تخلیه ضایعات به اقیانوس یا مصب رودها
Odor Treshold	در اصل پایین ترین غلظت بویی است که می تواند توسط انسان تشخیص داده شود. در عمل صفحه ای از مواد بودار است که مورد استفاده واقع می شود و حد آستانه غلظتی از بو است که در آن 50% صفحه ماده بودار را آشکار کند (البته برخی کارکنان از حد آستانه 100% استفاده می کنند).
Off-site Facility	ناحیه تصفیه، نگهداری یا دفع مواد زائد خطرناک که خارج از محل تولید واقع شده باشد.
Office Paper	کاغذهای درجه یک مثل کاغذهای کپی، کاغذهای پرینت کامپیوتر و تقریباً تمام کاغذهای ساخته شده از خمیرهای شیمیایی و چوب. چنین زباله هایی عمدتاً در خانه ها، مدارس و مکانهایی نظیر اینها تولید می شوند.
On-site Facility	ناحیه تصفیه، نگهداری یا دفع مواد زائد خطرناک که داخل محل تولید واقع شده باشد.
Opacity Rating	اندازه گیری کدورت (تیرگی) یک انتشار. درجه تیرگی (بینایی یک مشاهده گر) مساوی است با تیرگی ظاهری ایجاد شده توسط دود در یک تعداد Ringelmann مشخص. همچنین به Smoke chart نگاه کنید.
Open Burning	آتش کنترل نشده در محل نگهداری موقت زباله.
Open Dump	محل روبازی که برای دفع مواد زائد بدون کنترلهای زیست محیطی استفاده می شود.
Operating Conditions	شرایط تعریف شده در قانون بازیابی و حفظ منابع که تعیین می کند یک زباله سوز چگونه بهره برداری شود تا انواع مختلف زباله را بسوزاند. برای تعیین شرایط بهره برداری مورد نیاز در استانداردهای اجرایی باید سوزاندن آزمایش صورت بگیرد.
Orange-peel Bucket	به grapple نگاه کنید.
Organic Content	مترادف با جامدات فرار است و مقدار بسیار اندکی از مواد غیرآلی نظیر کربنات کلسیم را نیز شامل می شود که در دماهای مورد استفاده جهت تعیین جامدات فرار تجزیه می شوند.
Original Generation Point	مکانی که زباله های پزشکی یا سایر مواد در ابتدا از آنجا ناشی می شوند.
Orsat Apparatus	دستگاهی برای آنالیز حجمی گازها بخصوص گازهای دودکش. این دستگاه معمولاً برای تعیین منوکسید کربن، دی اکسید کربن و اکسیژن به کار می رود. البته ممکن است برای تعیین هیدروژن (نیترژن از طریق احتراق) و یا سایر گازها (نظیر متان و اتان) نیز طراحی شود.
Other Ferrous Metals	فلزات آهنی قابل بازیافت حاصل از کمربند، مبلمان و فلزات موجود در تایرها و لوازم برقی. این دسته فلزات حاصل از پسماندهای ساختمانی یا ماشینها، کوموتیو و کشتی را شامل نمی شود.
Other Glass	شیشه های قابل بازیافت حاصل از اسباب خانه، وسایل و لوازم برقی. شیشه های حاصل از وسایط نقلیه (ماشین، کامیون یا کانتینرهای کثنده) و پسماندهای ساختمانی را شامل نمی شود.
Other Nonferrous Metals	فلزات غیر آهنی قابل بازیافت مثل سرب، روی و مس حاصل از وسایل و لوازم برقی و محصولات آلومینیومی بدون

	بسته بندی. مواد غیر آهني حاصل از وسايل صنعتي و پسمانده هاي ساختماني را شامل نمي شود.
Other Paper	کاغذهاي قابل باز يافت حاصل از کتباها، پاکتهاي پستي درجه 3 ، کاغذهاي چاپ تجاري، کاغذ خشک کن، بشقاب و فنجان کاغذ و ساير کاغذهاي بدون بسته بندی مثل پوستر، کاغذ عكاسي، کارت، کارت بازي، پاکت شير، جعبه تاخورد، پاکت، کاغذ کادو و مقوا، کارتن هاي بار را شامل نمي شود.
Other Plastics	پلاستيکهاي قابل باز يافت حاصل از وسايل و لوازم آشپزخانه، بشقاب، ظروف، اسباب بازيها و انواع مختلف تجهيزات و پلاستيکهاي بادوام.
Other Solid Waste	زباله غير خطرناک و قابل باز يافت، مواد زائد جامد شهري تحت عنوان RARA .
Other Wood	چوبهاي قابل باز يافت حاصل از اسباب خانه، لوازم برقي، کابينت و ديگر محصولات چوبي بدون بسته بندی. السوار و کنده درخت، مواد حاصل از فعاليتهاي ساختمان و مواد زائد فرايندهاي صنعتي مثل تراشه و خاک اره را شامل نميشود.
Outage	1- قطع واحد به منظور حفاظت يا تعميرات. 2- طول مدتي که واحد به علت چنين دلایلي خارج از سرويس است.
Outline Design Stage	طرح پروژه با جزئیات بسيار ريز طوري که ارزيابي و تخمين هزينه عملي باشد.
Overband Magnet	آهنرباي الکتریکي که روي نقاله حمل مواد زائد جامد يا پسماندهاي زباله سوز قرار گرفته و فلزات آهني را باز يافت مي نمايد.
Overgrat Air Or Overfire Air	هوايي که در کوره بالاي بستر آتش دمیده مي شود و گازها را در محفظه احتراق اکسيد مي نمايد. هدف ديگر دميدن اين هوا مي تواند تنظيم دمائي کوره باشد. همچنين به Combustion air نگاه کنيد.
Overhead Magnet	به Overband magner نگاه کنيد.
Overload Capacity	ظرفيت بهره برداري يا تصفيه يك واحد اضافه بر ظرفيت طراحي و ظرفيتي که مي تواند در مدت زمان کوتاهی بدون زيان رساندن به واحد استفاده شود.
Oversized Regulated	زباله هاي پزشکی که اندازه شان خيلي بزرگتر از پلاستيکها يا ظرفهاي استاندارد حمل اين نوع زباله ها مي باشد.
Medical Waste	
Oxidation	کاهش الکترونها که منجر به افزايش ظرفيت مي شود (قبلاً اين واژه به معني ترکيب با اکسيژن بود اما در حال حاضر معني گفته شده را دربر دارد). Wet O. روش دفع لجن که شامل اکسيداسيون جامدات لجن در تعلیقي از آب و تحت دما و فشار افزايش يافته باشد (EAWAG).
Oxidation Pond	حوضچه اي که براي نگهداري فاضلاب قبل از تخلیه نهايي استفاده مي شود. در اين حوضچه اکسيداسيون بيولوژيکي مواد آلي تحت تأثیر انتقال سريع اکسيژن از هوا به آب (به طور طبيعي يا مصنوعي) واقع مي شوند (EAWAG).
P	
Packing, One Way or	ظروف، بطريها و ساير اشکال بسته بندی که پس از خالي شدن به صورت زباله در مي آيند.
One-Trip	در باز يافت تجاري به معني محصولات و موادي نظير روزنامه، مجله، کاغذهاي اداري، ظروف موج دار، پاکتها و مقواهاي بسته بندی که مي توانند باز يافت شده و تبديل به محصولات جديد کاغذي شوند مي باشند.
Paper Processor/	تأسيسات مياني و واسطه اي که فرآورده هاي کاغذي و پلاستيکي باز يافت شده در آنجا ذخيره شده، آلودگي زدايي مي شود و براي باز يافت نهايي آماده مي شود.
Plastic Processor	
Participation Rate	بخشي از جمعيت که در برنامه باز يافت مشارکت مي کنند.
Pasteurization	روشي براي نابودي باکتریهاي بيماريزا، مخمر موجود در غذا و فرآورده هاي غذايي. در اين روش دمائي فرآورده هاي غذايي افزايش يافته، در يك سطح مشخصي حفظ مي شود و مواد غذايي به مدت معيني در اين دما قرار مي گيرند. در انتها با يك فاصله زماني مشخص عمل سرد کردن انجام مي شود.
Paper, Mixed	واژه اي که در تجارت کاغذهاي دفعي براي کاغذهاي دفعي مخلوط و چوب بکار مي رود. اين نوع کاغذ براي تبديل از طريق فرايند کاغذسازي سرد مناسب نيست.
Pay Load	وزن موادي که توسط يك وسيله نقلیه بارگيري شده کاملاً پر يا نسبتاً پر حمل مي شوند.
PCB	به Polychlorinated Biphenyl نگاه کنيد.
Peep Door	دریچه يا سوراخ کوچکی در دستگاه زباله سوز که از طريق آن مي توان احتراق را مشاهده نمود (EPA).
Percolate	به Leachate نگاه کنيد.
Percolating Water	آبي که تحت تأثیر نيروي جاذبه از ميان سنگ و خاک عبور مي کند.
Percolation	حرکت آب از ميان يك لايه نفوذپذير (WHO).

Permeability	در مبحث هیدرولوژی آبهای زیرزمینی به معنی خصوصیت ماده ای است که به آب اجازه نفوذ با میزان مناسب و فشار معمولی می دهد. ماده ای که آب را با میزان قابل ملاحظه ای از خود عبور دهد نفوذپذیر یا تراوا نامیده میشود. ماده ای که به آب اجازه عبور نمی دهد نفوذناپذیر یا ناتراوا گفته می شود (واژه های عبوردهنده و غیرقابل عبور نیزگاهی اوقات استفاده می شوند). همچنین به Impermeability نگاه کنید.
Pervious	به Permeability نگاه کنید.
PH Control	فرآیندی که (معمولاً بطور خودکار) Ph محلول را تعدیل و یا در یک مقدار از پیش تعیین شده خاص حفظ می کند. در مدیریت مواد زائد جامد از این فرآیند برای خنثی سازی بخشهای اسیدی یا قلیایی قبل از دفع استفاده می شود.
PH Value	اندازه گیری یونهای هیدروژن موجود در یک محلول که به عنوان شاخص اسیدیته ($PH < 7$) یا قلیانیت ($PH > 7$) استفاده می شود.
Physisor Ption	به Adsorption نگاه کنید.
Phytoremediation	گزینه اصلاحی کم هزینه برای کانالهایی با آلودگی پراکنده و غلظت کم.
Picking Belt	نوار نقاله ای که مواد زائد جامد روی آن پخش می شود تا مواد به صورت دستی منتقل و جابجا شده و یا برای پردازش بعدی مواد مزاحم آن بازیافت شود.
Plant, Auxiliary	تأسیسات و تجهیزات تصفیه خانه زباله، به غیر از تجهیزات اصلی فرایند مثل زباله سوزها، قلابها، هواکشها و پمپها.
Plant Commissioning	فرآیند ورود شروع بهره برداری یک واحد جدید پس از تکمیل آن.
Plant Rating	اشکال عملکرد یک واحد تصفیه که توسط توسط سازندگان ارائه می شود. اشکال ارزیابی به عملکرد پیوسته، حداکثر یا متوسط عملکرد مربوطه می شود.
Plasma-Arc Reactor	زباله سوزی که در دمای فوق العاده زیاد عمل می کند و برای تصفیه زباله های بسیار سمی که به سهولت نمی سوزند استفاده می شود.
Platen	در ماشین فشرده کننده زباله صفحه ای است که به مواد زائد فشار وارد می کند.
Platform Scale	به Weighbridge نگاه کنید.
Plenum Chamber	محفظه ای در زیر کوره زباله سوز که هوا از طریق آن در میان شبکه و بستر آتش منتشر می شود.
Plume	گازهای خروجی از یک دودکش که ممتد بوده، یک جریان گازی را تشکیل داده و به طور کامل در هوای اطراف منتشر نمی شود. این گاز به علت قطره های آب غبار یا دود موجود در آن در نزدیکی دودکش قابل مشاهده است. اما در پایین دست باد و در فاصله ای دورتر با چشم قابل رویت نیست (در پایین دست با ابزار و دستگاههای مناسبی قابل تشخیص است).
Pollutant	هر ماده جامد، مایع یا گازی زیانبار در بستر مایع یا گازی. برای معنی کلمه زیانبار در مبحث آلودگی به آلودگی نگاه کنید. Primary P. آلاینده ای که از یک منبع مشخص در اتمسفر پخش می شود. Secondary P. آلاینده ای که توسط واکنش شیمیایی در اتمسفر ایجاد می شود.
Pollution	ورود آلاینده ها به محیط مایع یا گازی، حضور آلاینده ها در یک محیط مایع یا گازی یا هر تغییر نامطلوب در ترکیب محیط گازی یا مایع. در کنترل آلودگی، یک تغییر نامطلوب تغییری است که ماده ای دارای اثرات زیانبار و مضر باشد. مجموعه ای از ترکیبات شیمیایی کلردار که شامل دو حلقه متیل متصل و یک بخش متغیر کلر می باشد. اکثر محصولات تجاری حاوی چندین ایزومر مختلف بوده و برخی حاوی تری فنیلهای پلی کلرینه نیز می باشند. این مواد بطور گسترده در صنعت برق به ویژه در ترانسفورماتورها استفاده می شوند. همچنین در گریس، سیالات هیدروکسی، سازنده های پلاستیک و آتش خاموش کنها نیز از این مواد استفاده می شود. این مواد بسیار پایدار بوده و در محیط پراکنده هستند و تأثیر قابل ملاحظه ای بر سلامت دارد.
Polyethylene	پلیمری است از اتیلن (در نامگذاری سیستماتیک پلیمر اتن، پلی اتن نامیده می شود). از این واژه برای پلاستیکهای پلی اتیلنی نیز استفاده می شود. از این نوع پلاستیک برای عایق کابل برق، تجهیزات آزمایشگاهی و سایر مقاصد استفاده می شود.
Polyvinyl chloride	پلیمری است از وینیل کلراید و اغلب PVC نامیده می شود. از این اصطلاح برای پلاستیکهای پلی وینیل کلرایدی نیز استفاده می شود. (واژه مورد قبول برای این ترکیب پلی وینیل کلراید است که به نظر می رسد از نظر شیمیایی صحیح

	نباشد).
Porosity	نسبت حجم منافذ در يك نمونه خاص به محیط متخلخل مثل خاک حجم ناخالص بستر متخلخل دارای تخلخل.
	(WMO/UNESCO)
Post-Closure	دوره زمانی بعد از توقف فعالیت مدیریت مواد زاید یا تأسیسات سازنده، به منظور اهداف کنترلی این دوره 30 ساله در نظر گرفته می شود.
Post-Consumer Materials	مواد بازیافتی حاصل از سیستم بازیافت توسط مصرف کنندگان و یا مراکز کاهش تولید زباله.
Post-Consumer Materials	مواد بازیافتی شده حاصل از زباله های شهری به منظور جمع آوری، بازیافت و تغییر شکل.
Waste	
Post-Consumer Recycling	استفاده از مواد حاصل از زباله های مسکونی و مصرف کنندگان برای اهداف جدید و یا مشابه مثلاً تبدیل روزنامه ادارات به جعبه و کارتن یا کاغذ روزنامه.
Prat Process	فرآیند کمپوست زباله که در آن زباله طبقه بندی شده در سلولهایی که هوا به آن تزریق می شود تخمیر می گردد.
Pre-consumer Materials	مواد بازیافتی حاصل از کارخانجات
Pre-consumer Material	مواد تولیدی در فرآیندهای ساخت و تبدیل مثل تولید قطعات در وسایل تزئینی. این مواد شامل اضافات چاپ، اضافات انتشارات و کالاهای منسوح موجود می گردد.
Waste	انتشارات و کالاهای منسوح موجود می گردد.
Precipitation	حذف جامدات خطرناک از مواد دفعی مایع به منظور دفع بی خطر حذف ذرات از انتشارات منتقله از طریق هوا مثل باران (مثل باران اسیدی)
Prefeasibility Study	بررسی دقیق روشهای ممکن و رضایت بخش درخصوص یک نیاز بهره برداری تعریف شده، با استفاده از حداقل منابع.
Preheater, Air	مبدل حرارتی که هوا از میان آن عبور نموده و توسط بستری با دمای زیاد مثل گازهای داغ احتراق گرم می شود.
Primary Air	به Under fire air نگاه کنید.
Priming	به Carry-Over نگاه کنید.
Probe	لوله ای که دارای نازل مخصوصی بوده و برای نمونه گیری گازهای احتراق زباله سوز استفاده می شود.
PSI	یک حرف اختصای غیرصحيح براي نشان دادن پوند فشار بر اینچ مربع. علامت اختصای صحيح براي این واحد (غير SI Lbf/in^2 Lbf/in^2 می باشد).
Puddling	مخلوطی از آب با خاک رس یا گچ برای افزایش پلاستیته آن. گل رس یا گچ مخلوط در مکان دفن بهداشتی به عنوان پایه استفاده می شود. در نتیجه از نشت و نفوذ شیرابه زباله به لایه های زیرین و آلودگی آب زیرزمینی جلوگیری می نماید.
Pulp	مخلوطی از مواد سلولزی خرد شده و مخلوط با آب که در ساخت کاغذ مصرف می شود (EAWAG)
Pulverization	خرد کردن، تکه تکه کردن (ریز کردن) یا آسیاب کردن مواد زائد جامد به قطعات کوچک، به این ترتیب مواد یکدست تر می شود. Wet P فرآیند سایشی که در آن برای نرم کردن کاغذ و مقوا به مواد زائد جامد آب افزوده می شود.
Purification	تصفیه آب (یا فاضلاب) به منظور حذف مواد مضر و نامطلوب آن (WHO).
Push Pit	سیستم ذخیره ای که گاهی در سیستم های انتقال دستگاه متراکم ساز ثابت به کار می رود. تیغه ای که با نیروی هیدرولیکی کار می کند از طول گودال عبور نموده و بطورمتناوب مواد زائد ذخیره شده رابه درون قیف دستگاه متراکم کننده فشار می دهد (EPA).
Putrefaction	تجزیه بیولوژیکی مواد آلی تحت شرایط بی هوازی.
Putreseible	قابل تجزیه سریع و بوساز و جانب مگس و حشرات.
PVC	به (Polyvinyl Chloride) نگاه کنید.
Pyrolysis	تجزیه شیمیایی مواد آلی به وسیله حرارت بدون حضور اکسیژن یا با مقدار محدودی اکسیژن. پیرولیز منجر به تولید گاز قابل اشتعال، روغن، قیر و پسمانده های جامد می شود که مقدار آن به هوای موجود، زمان، دما و فشار واکنش بستگی دارد. همچنین به Lantz process, destructive, distillation نگاه کنید.

Pyrometer	وسيله اي براي اندازه گيري يا ثبت دما. اين وسيله مي تواند (الف) شدت تابش را در يك طول موج خاص از يك رشته تنگستن يا شدت تابش در همان طول موج مطابق نمايد (پيرومتر نوري) و يا (ب) شدت تابش را در تمام طول موجهاي منتشره از طريق ماده اي كه دمائي زيادي دارد اندازه گيري نمايد (پيرومتر تابشي).
Pyrometric Cone Equivalent (PCE)	شاخص نسوز بودن يك ماده. اين شاخص از طريق آزمايشي به دست مي آيد كه در آن شماره مخروط پيرومترتي استاندارد كه در صورت گرم شدن به روش استاندارد ASTM براي آزمايش مواد نسوز مخروط پيرومترتي معادل ويژگيهاي خاص آن با مخروط پيرومترتي ساخته شده از يك ماده مطابق است، تعيين مي شود (EPA).
Q	
Quenching	سرد كردن ناگهاني يك ماده يا توقف ناگهاني يك فرآيند يا واكنش.
Quench Tank	مخزن پراز آبي كه براي سرد كردن پسمانده هاي زباله سوز يا مواد داغ در طول فرآيندهاي صنعتي استفاده مي شود.
Quench Trough	معبر آبي كه پسمانده احتراق حاصل از كوره زباله سوز در آن ريخته مي شود.
R	
Rabble Arms	بازوهاي شعاعي در كوره چند آتشف كه به عنوان روبنده عمل نموده و مواد در عرض كوره منتقل مي نمايد.
Rain Fall	به Precipitation نگاه كنيد.
Ram	بازوي هيدروليكي
Double-acting R.	بازوي هيدروليكي كه فشار مي تواند به هر جانب آن وارد شود. Feede R. بازوي هيدروليكي كه در پايه شوت تخليه كوره قرار دارد و بار (زباله) از طريق آن به شبكه كوره وارد مي شود. Mult-stage R. بازوي هيدروليكي كه در آن پيستون يا لوله داخلي شامل دو يا چند لوله هم مركز است كه نسبت به بازوي تك مرحله اي پيستون آن بيشتر امتداد مي يابد. Sing-acting R. بازوي هيدروليكي كه فشار تنها به يك جهت آن وارد مي شود. بنا بر اين بازو با كمی نيروي خارجي به موقعيت بسته برمي گردد. Single-stage R. بازوي هيدروليكي با يك پيستون يا لوله داخلي با طول ثابت.
Ramp System	سيستمي كه به وسيله شاسي وسيله نقليه باعث حركت كانتينر هاي متحرك به سمت جلو و عقب مي شود. همانطور كه سيستم بين بازوهاي ثابت به عقب مي رود. كانتينر به طور اتوماتيك از سمت شاسي به بازو و بالعكس بلند ميشود.
Rasp	ماشيني براي خرد كردن زباله. بازوهايي كه به آرامي حركت مي كنند مواد را روي صفحات فولادي افقي خرد ميكنند تا اينكه اندازه ذرات به قدر كافي کاهش مي يابد مي توانند از ميان سوراخهاي صفحات عبور نمايند.
Rasper	ماشين خردكننده اي به شكل استوانه قائم و بزرگي كه شامل بازوهاي سنگين لولا داري است كه به طور افقي روي كف سوهان و الك مي چرخند (EPA).
Recharge Area	(در آب زيرزميني) منطقه اي با پتانسيل بالاي آب زيرزميني كه نفوذ آب از آن کاهش آب زيرزميني را جبران مي نمايد.
Recharging	افزودن طبيعي يا مصنوعي آب به سفره آب زيرزميني (WHO).
Recirculation	برگشت ضايعات مايعي كه كاملاً يا نسبتاً تصفيه شده اند، به مرحله قبلي فرآيند (WHO).
Reclamation	1- اصلاح زمين يا بازيابي آن از دريا باتلاق (WHO). 2- فرآيند جمع آوري و جداسازي ضايعات براي استفاده مجدد. همچنين به Recycling نگاه كنيد.
Recovery	فرآيند استحصال مواد يا منابع انرژي از مواد دفعي (EPA). همچنين به Recycling, Reclamation نگاه كنيد.
Recovery Rate	درصد مواد بازيافتي قابل استفاده كه از كل زباله هاي شهري حاصل از يك منطقه خاص يا تجارت خاص حاصل شده است.
Recycle/Reuse	كاهش زباله توليدي و فرآيند نمودن مجدد محصولات قابل استفاده اي كه ممكن بود تبديل به زباله شوند (مثلاً بازيافت قوطيهاي آلومينيومي، كاغذ، بطري و غيره)
Recyclable	موادي كه مي توانند جمع آوري، جداسازي و جهت استفاده بعنوان مواد خام در توليد محصولات جديد فرآيند شوند.
Recycled Content	قسمتي از بار يك محصول يا بسته اي كه تركيب از مواد زائد بازيافتي مي باشد كه ممكن است شامل مواد مصرفي اوليه يا مواد مصرفي ثانويه باشد.
Recycling	اصطلاحی در خصوص بازيافت، برگشت و استفاده مجدد از مواد قراضه يا زائادات جهت مقاصد توليدي يا تجديدي منابع. Direct R. استفاده از مواد بازيافتي براي توليد محصول مشابه. Indirect R. استفاده از مواد بازيافتي براي توليد محصولي متفاوت با محصولي با خواص بحراني کمتر. Thermal R. تبديل مواد زائد به انرژي همراه با محصولات جانبي يا بدون آنها.

Recycling And Reuse	مرکزی است که در محل مواد زائد جامد یا آذانسهای توسعه اقتصادی واقع شده است. این مراکز امکان کارهای بازیافتی
Business Assistance Centers	را طبق دستور مشتری و به صورت هدفمند فراهم می نماید.
Recycling Economic	افرادی که استخدام دولت یا ادارات توسعه اقتصادی هستند و کارهایی نظیر امور مالی، بازاریابی و تجارتهای مجاز
Development Advocates	بازیافت را انجام می دهند.
Recycling Mill	تجهیزاتی که مواد بازیافت شده را به محصولات جدید تبدیل می نمایند.
Recycling Technical Assistance	منابع ملی تقسیم اطلاعات که برای کمک به تجارت و تولید طراحی شده است و مصرف مواد بازیابی شده را افزایش
Partnership National Network	می دهد.
Red Bag Waste	به Infectious waste نگاه کنید.
Reduction	1- در شیمی به معنی افزایش الکترونها است که منجر به کاهش ظرفیت میشود (این واژه در اصل به معنی حذف اکسیژن یا افزایش هیدروژن است اما محدوده معنی وسیعی دارد). 2- تبدیل به یک حالت کوچکتر مثلاً شکستن جامدات به قطعات کوچکتر به کمک وسایل مکانیکی.
Refractory	مواد غیر فلزی که برای پوشش کوره ها استفاده می شود. این مواد می توانند حرارت بالایی را تحمل کنند. این مواد باید به طور طبیعی در برابر یک یا چند عامل مخرب دیگر نیز مقاوم باشند. عواملی همچون سایش، فشار، حملات شیمیایی و تغییرات سریع دما. Castable R نسوز هیدرولیکی که برای قالب گیری یا شکل گیری به صورت شکلهای دیوارهای مقاوم به گرما مناسب است. High Alumina R فرآورده نسوزی با 47/5 درصد آلومین بیشتر نسبت به نسوزهای عادی. Plastic R مخلوط مواد رسی نسوز در یک شکل پلاستیکی که برای کوبیدن در محل یا ایجاد پوششهای منولیتیک یا شکلهای خاص مناسب است. این مخلوط می تواند با هوا یا دما تنظیم شود و در کیفیتهای مختلفی از مقاومت حرارتی موجود است (همگی از EPA).
Refuse	اصطلاحی کلی که در برگیرنده کلیه زائدات جامد می باشد. Market R زباله های حاصل از بازارهای مواد غذایی یا خیابانی. Milled R زباله هایی که به صورت مکانیکی اندازه شان کاهش یافته است. Municipal R زباله های حاصل از اماکن مسکونی و تجاری مثلاً فروشگاهها، Row R. or Crude R زباله در شکل جمع آوری شده آن قبل از اینکه در معرض هر فرآیندی قرار گیرد.
Refuse Reclamation	تبدیل مواد زائد جامد به محصولات مفید. مثلاً کمپوست کردن زباله های آلی و تولید مواد بهبود دهنده وضعیت خاک یا زداپنده آلومینیوم و سایر فلزات جهت بازیافت.
Refuse Reduction Plant	به Treatment plant نگاه کنید.
Refuse Storage Chamber	مخزنی که شامل یک یا چند کانتینر بوده و زباله داخل آن تخلیه می شود (BSI).
Regulated Medical Waste	بر اساس قانون ردیابی مواد زائد پزشکی 1988، هرگونه مواد زائد جامد تولیدی در مراحل تشخیص، درمان، ایمن سازی انسان یا حیوان، در تحقیقات مربوطه یا تولید مواد بیولوژیکی آزمایش. این نوع زباله شامل محیط کشت و ذخایر عوامل عفونی، خون و فرآورده های خونی انسان، بافتهای حیوانی آلوده حاصل از تحقیقات پزشکی، زباله های بیمارستان، دارای بیماری مسری و تمام وسایل تیز مصرفی مثل سرسوزن، چاقوی جراحی و تیغهای معین غیر قابل استفاده می باشد).
Reinjection	توزیع مجدد خاکستر درون کوره به منظور سوزاندن کلیه مواد احتراق پذیر (EPA).
Reject	بخشی از ضایعات جامد که بدون اینکه خرد و کوچک شوند از میان دستگاه خردکن عبور می کنند.
Remedial Action	فاز اجرایی پاکسازی یک محل که بسیار پرهزینه است و شامل طرحهای ترمیمی نیز می باشد.
Remedial Design	فاز طراحی عملیات اصلاحی که شامل مطالعات امکانسنجی و اقدامات مهندسی و کارهای پاکسازی محل می شود.
Remedial Investigation	مطالعه دقیق و عمیق به منظور جمع آوری اطلاعات مورد نیاز جهت تعیین ماهیت و گستردگی آلودگی در یک محل پرهزینه؛ ایجاد ضوابط پاکسازی محل؛ معرفی گزینه های موقت برای عملکرد اصلاحی.
Remedial Project	مسئول نظارت عالی بر عملکرد اصلاحی
Management	
Remediation	پاکسازی یا روش دیگری به منظور انتقال یا نگهداری سموم یا مواد خطرناک حاصل از یک محل پرهزینه.

Rendering	فرآیند بازیافت مواد چرب از بخشهایی از بدن جانور به وسیله تصفیه حرارتی، استخراج و تقطیر.
Reprocessing	عمل تغییر شرایط مواد ثانویه.
Reseeding	به Seeding نگاه کنید.
Reserve Capacity	ظرفیت فوق العاده ای که در محل دفن زباله یا تصفیه فاضلاب به منظور جوابگویی رشد جمعیت در آینده در نظر گرفته می شود.
Residence Time	زمانی که بین ورود یک ماده درون کوره و خروج پسماند سوخته شده از آن سپری می شود.
Residential Waste	مواد زائدی که در خانه های مسکونی تک خانوار یا چند خانواری تولید می شود.
Residue	مواد باقیمانده حاصل از احتراق ضایعاتی نظیر خاکستر، تقاله یا گدازه و موادی که جریان مایع یا گاز استخراج میشود.
Resource Recovery	فرآیند دستیابی به مواد یا انرژی حاصل از موادی که دور ریخته شده اند.
Resources, Recoverable	موادی که بعد از استفاده هنوز خواص مفید شیمیایی یا فیزیکی داشته و میتوانند برای همان مصرف یا مصارف دیگری بازیابی می شوند (EPA).
Respiration, Aerobic	تنفس در حضور اکسیژن آزاد (یعنی اکسیژن گازی یا محلول).
Reuse	کاربرد یک محصول یا ترکیبی از مواد زائد جامد شهری به همان صورت اولیه بیشتر از یک بار مثلاً پر کردن مجدد بطریهای شیشه ای با استفاده از قوطی قهوه برای نگهداری پیچ و مهره.
Riddlings	ذرات ریز خاکستر که بین اجاق کوره و داخل مجرای هوا ریخته می شود.
Ringelmann Chart	به Smoke Chart نگاه کنید.
Riparian Rights	حقوق مالک زمین نسبت به آب یا مرز ملک خود که شامل حقوق جلوگیری از انحراف آب یا استفاده نادرست از آن می باشد.
Risk Assessment	ارزیابی کمی و کیفی خطری که سلامت بشر یا محیط زیست را تهدید می نماید و در اثر وجود بالقوه و یا کاربرد مواد آلاینده ایجاد می شود.
Roll Crusher	یک جفت حلقه فولادی که با سرعت متفاوتی چرخیده و موجب فشردن شدن شیشه و سایر مواد سخت موجود در مواد زائد جامد می شود.
Roller Track	یک سری غلتک فولادی استوانه ای که در قالبهای موازی قرار گرفته و به عنوان یک تسمه نقاله آزاد برای موادی همچون فلزات یا کاغذها به کار می رود.
Ropeway, Aerial	مسیری از برجهایی که برای حمل رشته های فولادی به کار می رود. مثلاً مسیرهایی که برای انتقال مواد وجود دارد. در جایی از این ابزار آلات استفاده می شود که حمل و نقل زمینی غیر عملی یا مشکل باشد.
Rotary Kiln Incinerator	زباله سوزی که دارای محفظه احتراق چرخشی است که مواد زائد را حرکت داده و رطوبت مواد را تبخیر می نماید.
Rubbish	مواد زائد جامد شامل مواد زائد غذایی و خاکسترهای حاصل از خانه ها، موسسات و اماکن اداری.
Run Off	بخشی از نزولات جوی که روی سطح زمین به سمت نهرها یا در خاک جریان می یابد.
S	
Sack Holder	قاب فلزی که کیسه نگهداری زباله و ضایعات جامد وصل شده است. یک لولا به قاب متصل می شود. بعضی از کیسه ها دارای حفاظ (سپر) فلزی هستند که مانع دستیابی حیوانات به کیسه می شوند.
Sack System	سیستم ذخیره مواد زائد جامد در کیسه های پلاستیکی یا کاغذی که برای انتقال و دفع مواد زائد به کار می رود.
Salinity	میزان درصد نمک موجود در آب
Salting	نواحی علفزاری که توسط جزر و مد آب پوشیده می شود.
Salvage	موادی که در بازیافت از مواد زائد جامد به دست می آید.
Salvaging	انتقال کنترل شده مواد زائد برای بهره برداری از آن. به ReCYcling, Recovery, Reclamation نگاه کنید.
Sampling	فرآیندی که از طریق آن مقدار کوچک و قابل مقایسه ای از مواد نظیر مواد زائد جامد که نماینده کل باشد به دست می آید.
Sampling Hole	به Bore hole نگاه کنید.
Sanitary Landfill	محلی که مواد زائد جامد در آن به روش بهداشتی دفن می شود (EPA).
Sanitary Landfilling	روش مهندسی دفع مواد زائد جامد به نحویکه محیط زیست هم حفاظت شود. در این روش مواد در لایه های نازک پخش

	و فشرده شده و در انتهای هر روز با خاک پوشانده می شوند.
Sanitary Landfilling Method	روشی که در آن مواد زائد جامد روی سطح زمین به صورت لایه نازک و فشرده قرار گرفته و مواد پوششی روی آنها پخش و متراکم می شوند. Quarry S.I.m یک نوع روش دفن زباله به طریق سطحی که در آن ضایعات در یک گودال پخش و متراکم می شوند. به طور کلی مواد پوششی از جاهای دیگر به دست می آید. Ram S.I.m نوعی از روش دفن سطحی زباله که در آن مواد پوششی به وسیله حفاری در زمان انجام کار به دست می آید. Trench S.I.m روشی که در آن مواد زائد در یک گودال پخش و متراکم شده و خاک حفاری روی زباله پخش و متراکم می شود و ساختار سلولی شکلی را ایجاد می نماید. Wet area S.I.m روشی که در مناطق باتلاقی استفاده می شود. در این روش باید برای جلوگیری از آلودگی آب قبل از شروع عملیات دفن بهداشتی تمهیداتی در نظر گرفته شود. (همگی از EPA).
Saprogenic	حاصل و نتیجه تجزیه.
Saturation	وضعیتی که در آن غلظت ماده حل شدنی در محلول با ماده حل نشده در دما و فشار معین در حال تعادل و برابری است.
Scavenger	زباله گرد، شخصی که در دفع غیر کنترل شده مواد در هر نقطه از جریان زائدات جامد دخالت می کند (EPA).
Scavenging Process	فرایند یا مکانیسم فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیکی که منجر به انتقال آلاینده های هوا می شود (مثلا انتقال ذرات ریز جامدات معلق در اثر بارش باران).
Scooper, Hydraulic	وسيله اي که به بازوهای هیدرولیکی مجهز بوده و برای بالا بردن ظروف جمع آوری زباله، تخلیه و قرار دادن آنها روی تریلر به کار می رود.
Scooter	به Vehicle, Satellite نگاه کنید.
Scrap	مواد دورریختنی و بی مصرف و یا قسمتهایی از موادی که ناشی از فعالیتهای صنعتی یا تولیدی بوده و برای پردازش مجدد مناسب هستند (EPA). Heavy S. فلزات قراضه نظیر ورق فولادی و قطعات سبک فولادی. Light S. جداره یخچالهای قدیمی یا اجاقهای خانگی، مخازن گالوانیزه و دیگ یا سیلندرهای فولادی.
Scrap Matal Processor	تأسیسات میانی که فلزات بازیافتی در آن ذخیره شده، آلودگی زدایی شده و برای بازیافت آماده می شوند.
Scraper	تجهیزات انتقال و دفع لجن از حوضچه های ترسیب بعد از تصفیه؛ ماشین بیدک کش یا خودکاري که لایه های بی مصرف (یا زاید) خاک را از بین برده و خاکی را که بدین ترتیب جمع آوری شده، پخش کرده یا انتقال می دهد؛ وسیله ای برای تمیز کردن خطوط لوله از طریق رسوب زدایی و یا کندن رسوبات
Screen	ابزاری سوراخدار که مواد زائد جامد درشت را در خود نگه می دارد؛ وسیله ای برای جداسازی ذرات ریز از ذرات درشت از جریان مواد زائد جامد؛ معمولاً به این صورت است که قرقره سوراخداري حول محور متمایل به سطح افقی یا صفحه سوراخدار مرتعش می چرخد. Drum S. غربالی که در آن صفحه مرتعش روی محیط یک قرقره سیلندری متحرک نگه داشته شده است. Rotary S. استوانه فولادی سوراخدار و بزرگی که به آرامی حول سطح افقی یا محور نزدیک به سطح افقی می چرخد. ضایعات جامد به انتهای سیلندر رسیده و از آن عبور می کنند. عمل چرخش باعث پخش مواد زائد جامد شده و ذرات کوچکتر از میان سوراخها عبور میکنند. Vibrating S. صفحه مشبک یا سوراخداري که مواد در آن وسیله عمل لرزش از هم جدا شده، ذرات کوچکتر از میان آن عبور نموده و ذرات بزرگتر درون غربال باقی میمانند.
Screening	استفاده از صفحات متحرک برای جداسازی دانه های درشت شناور و مواد جامد معلق از فاضلاب
Scrubber	به Dust separator نگاه کنید.
Secator	وسيله جداکننده ای که مواد مخلوط را روی محور چرخشی و دوار ریخته و مواد سنگین را در یک سمت میله می ریزند. ضمن اینکه مواد سبک در سمت دیگر ریخته شده و در جهت مخالف در یک سمت میله می ریزد (EPA). همچنین به Separator نگاه کنید.
Secondary Air	به Overgrate air نگاه کنید.
Secondary Treatment	دومین مرحله در سیستم های فاضلاب که در آن باکتریها بخش آلی مواد زاید را مورد مصرف قرار می دهند. این فرایند توسط باکتریها و در حضور اکسیژن در صافیهای چکنده و یا با فرایند لجن فعال انجام می شود. این نوع تصفیه جامدات شناور و قابل ته نشینی را و حدود 90 درصد مواد اکسیژن خواه و مواد جامد معلق را حذف می نماید. گندزدایی مرحله نهایی تصفیه ثانویه است. (به Primary, tertiary treatment مراجعه شود).
Secure Chemical Landfill	به Landfills مراجعه شود.
Sedimentation	حذف ثقلی جامداتی که در مایع وجود دارند (WHO).
Seeding	بازیافت مواد کمپوستی در فرایند کمپوست با هضم مکانیکی؛ کاربرد دانه چمن در زمین.
Seepage	حرکت آرام آب یا گاز از سوراخها و منافذ موجود در خاک و صخره بدون تشکیل کانال.
Self-Heating	افزایش دما در مواد آلی که توسط میکروارگانیسمها تجزیه می شوند.
Semi-Trailer	تریلری که بخشی از وسیله نقلیه مفصل دار را تشکیل می دهد.

Sensor	ابزاری که قابل تشخیص بوده و مواد را توسط الگوی تشخیص شناسایی می کند. سنسورهای مادون قرمز با استفاده از اسپکتروسکوپ انعکاسی و حس گرهای تماسی با استفاده از شتاب سنج کار می کنند. هر دو به طور آزمایشی برای جداسازی خودکار مواد زائد جامد به کار می روند. Binary S. حس گری که براساس خصوصیات ویژه یک دسته از مواد طراحی شده است. Multiple-output S. سنسوری که از یک دستگاه ورودی منفرد چندین خروجی را تدارک می بیند.
Separation	تقسیم سیستماتیک مواد زائد جامد به طبقات طرح ریزی شده. Ballistic S. روش جداسازی که در آن مخلوطی از مواد با سرعت دورانی بالایی به زمین می افتند. مواد با مشخصه های فیزیکی متفاوت با سرعتهای مختلفی پرتاب می شوند و درون سطیهای جمع آوری مجزایی می افتند. Dry S. سیستمی که به وسیله آن فلزات با چگالی های متفاوت جدا می شوند و در بستری از پودر آهن و یا دیگر مواد سیال شده توسط جریان هوا، از میان بستر به سمت بالا حرکت می کنند. Heavy-media S جداسازی مواد زائد به ذرات (خرده های) سبک و سنگین در محیط سیال باچگالی که بین آنها وجود دارد. Magnetic S. حرکت و انتقال فلزات آهنی (حاوی آهن) به وسیله آهنرباها. Source S. جداسازی اجزاء معینی از ضایعات جامد در محل تولیدشان. عموماً این عمل با هدف آسانتر کردن بازیافت مواد برای چرخه مجدد میباشد. برای مثال کاغذ باطله، شیشه ها، فلزات. Vibropneumatic S. روشی که - کارخانجات کمپوست سازی از این روش استفاده می کنند- برای جداسازی شیشه از زباله نرم (آسیا) شده، بکار می رود. مواد نرم و آسیا شده از یک صفحه لرزان درون جریان هوا تغذیه میشود و ماده سبکتر را از شیشه جدا می کند.
Separation Plant	کارخانه ای که به وسیله فرآیند مکانیکی، مواد زائد جامد را به اجزاء مختلفی جداسازی می کند.
Separator	صفحه یا چنگکی که در کارخانه های فرایند نمودن کاغذ باطله یا توده مواد زائد استفاده می شود، و این مواد را تحت فشار به صورت بسته جدا می کنند. Cinder S. تسمه کجی (شیب داری) که برای جداسازی تفاله ها از زباله مورد استفاده قرار می گیرد. مواد دورریز برای انتقال، از میان غربال (توری) عبور داده می شوند. Inclined-belt S. وسیله ای برای جداسازی که به وسیله تغذیه مواد در تسمه نقاله شیب دار کار می کند، برای اینکه مواد ارتجاعی و سنگین همچون شیشه و مواد ارتجاعی سبک را به وسیله حرکت تسمه نقاله به طرف بالا حمل می کنند. Optical S. وسیله ای برای جداسازی مواد مختلف که مبتنی بر بازتابهای مختلف نسبت به نور می باشد. Obsorne S. وسیله ای که در ستون بلند و متغیری از هوا استفاده می شود و ذرات کوچک شیشه، فلزات و سایر بخشهای متراکم را از کمپوست جدا می کند. Overband S. به واژه Screen, Overband magnet رجوع شود.
Septic System	یک سیستم در محل که جهت تصفیه و دفع فاضلاب خانگی طراحی شده است. یک سیستم سپتیک شامل مخزنی است که فاضلاب خانگی یا تجاری را دریافت می کند و سیستم خطوط لوله سفالی یا گودالی برای دفع پساب (لجن) که بعد از تجزیه مواد جامد توسط باکتریها در مخزن ها باقی می ماند و باید متناوباً پمپ شود.
Septic Tank	مخزنی - معمولاً زیرزمینی - که فاضلاب از میان آن جریان می یابد. مواد آلی رسوبی که کاملاً یا بطور جزئی به صورت غیرهوازی تجزیه می شود.
Service Site	واحد مسکونی، تأسیسات تجاری یا سایر نقاط برداشت که مواد زائد جامد آنها به صورت منظم (دوره ای) جمع آوری می گردد.
Settle	از حرکت ایستادن، جایی ماندن - در ته مایعی رسوب کردن
Settlement	عمقی که سطح مواد زائد جامد در آن سطح کنترل شده و پایین تر از سطحی است که در ابتدا [مواد زائد] در آنجا فشرده شده است. - حرکت رو به پایین از یک سطح، زیر یک سطح مرجع افقی ثابت. Differential S. ته نشینی غیریکنواخت مواد در یک سطح مرجع افقی ثابت.
Settling	نشست سطحی از محل دفن زباله در اثر انقباض زباله [در محل تخلیه]. درجه نشست (ته نشینی) به نوع زباله و نظمی که در فشرده کردن آن بکار رفته است، بستگی دارد.
Settling Chamber	واحدی که جامدات معلق را در یک محیط مایع حذف می کند. - محفظه ای که بین کوره و دودکش آن قرار می گیرد و ذرات درشت بیرون از جریان گازی در آن ته نشین می شود. به Baffle Chamber رجوع شود.
Settling Velocity	سرعتی که یک ذره غبار تحت آن از جریان گاز ورودی جدا می شود.
Sewage	مقدار آب یک ناحیه/منطقه، بعد از اینکه به وسیله مصارف مختلف آلوده شده است و این آب آلوده شامل مایعات یا آبهای آلوده خانگی، ضایعات شهری و صنعتی به همراه آبهای زیرزمینی، آبهای سطحی و آبهای باران میباشد. Crude S. فاضلاب خام تصفیه نشده [در تصفیه خانه فاضلاب]
Sewage Sludge	لجن هایی که در تصفیه خانه فاضلاب تولید شود.
Sewer	کانال یا لوله بزرگی که ضایعات مایع را حمل می کند. [و از ساختمانها دور می سازد] و این ضایعات اکثراً تحت فشار اتمسفر هستند.
Sewerage	سیستمی برای جمع آوری و انتقال فاضلاب. شامل: کانالها، لوله ها و ایستگاههای پمپاژ.

Shear	وسيله اي براي بریدن ضایعات جامد بزرگ به تکه های کوچکتر، به گونه ای که بتواند به راحتی از میان کوره زباله سوز عبور کند. - وسیله ای برای بریدن فلزات قراضه و دورریختنی. ماشینی که مواد ورقه ای را به وسیله عمل بریدن به قطعات کوچک تبدیل می سازد. خردکننده ها در تصفیه مواد زاید جامد و به منظور کاهش فلز قراضه، بدنه های اتومبیل، کاغذ باطله و تخته فیبر استفاده می شود. Car S. ماشین خردکن بزرگی که برای پذیرش بدنه ها و اجزاء ماشین های قدیمی طراحی شده است و این قسمتها را به شکل فلزات قراضه برش می دهد تا در صنعت تولید صفحه فولاد مورد استفاده مجدد قرار گیرد.
Shredding	تبدیل مواد ورقه ای به قطعات و تکه های کوچک. گاهی اوقات برای خرد کردن (ساییدن) ضایعات جامد مخلوط در یک ماشین خردکن نیز استفاده می شود.
Shutter, Dustless	یک بخش درپوش مانند در مکانیسم بارگیری بدون گرد و غبار در وسیله نقلیه جمع آوری زباله.
Siftings	به Riddings رجوع شود.
Signature	پاسخی که توسط ماده مورد آزمایش با حس گر ساده یا چند خروجی داده می شود .
Silicon Carbide	ماده ای خیلی سخت که بطور گسترده بعنوان ماده ساینده (برای مثال: خردکننده ها) و ماده نسوز (برای مثال: مواد پوششی کوره) مورد استفاده قرار می گیرد و این ماده در حرارت 2700 °C تصعید می شود.
Silo	انبار (مخزن بزرگ) ذخیره در سطح زمین و عموماً بگونه ای طراحی شده که مواد ذخیره شده در آن بتوانند به وسیله نیروی جاذبه جابجا و منتقل شوند.
Silt	رسوب سستی که ناشی از فرسایش سنگ و صخره می باشد و شامل ذراتی به قطر 1/16 تا 1/256 میلی متر میباشد.
Sink	محلی در محیط زیست برای جمع آوری مواد یا ترکیبات
Sintering	همجوشی مواد توسط گرمایی که مواد در آن ذوب شده و به موادی که دارای ساختار سلولی می باشند تبدیل میشوند .
Site Assessment Program	روشی برای ارزیابی محلهای مواد زاید خطرناک از طریق ارزیابی اولیه و بازرسیهای محل برای بهبود نمره سیستم درجه بندی خطر صورت می گیرد .
Site Specification	لیست مرجع که مربوط به محل دفن زباله می شود در طی مرحله برنامه ریزی شده، پروژه آماده می شود و این لیست شامل : اطلاعاتی درباره جزئیات محل، روش کار، تجهیزات مورد نیاز، انواع ضایعات و سایر اقلام مربوطه می شود.
Skip Or Skep	ظرفی در باز که برای ذخیره و انتقال مواد جامد استفاده می شود.
Skip Lift	فرآیند بالا بردن ظرف [ظرف حمل زباله] بطور مکانیکی روی شاسی خودرو که برای جابجایی ظرفها طراحی شده است.
Slag	مواد زاید غیرگازی که در کوره ذوب فلزات ایجاد می شود . این ماده غیرفلزی است اما معمولاً مقداری فلز در آن وجود دارد. تقاله یا کف، شامل عناصر نامطلوبی از سنگ معدن است که از کوره در شکل مذاب بیرون کشیده میشود.
Alkaline Slags	این تقاله ها مقدار زیادی سولفور در سوخت و سنگ معدن حفظ می کنند و گازهایی منتشره از کوره تقریباً سولفور (گوگرد) آزاد می کنند.
Slagging of Refractories	عمل شیمیایی مخربی که در دماهای بالا روی نسوزها، تقاله ایجاد میکند. همچنین به وسیله ذرات خاکستر روی نسوزها، یک پوشش مذاب یا غلیظی تولید می کند.
Slave Unit	وسيله نقلیه ای که تنها در محل یا کارخانه بکار می رود (برای مثال محل دفن زباله یا ایستگاه انتقال) تا تریلرها یا کانتینرهای ارسال شده توسط خودروهای دیگر را جابجا کند.
Sludge	1- جامدات متراکم که در طی عمل پردازش از مایعاتی همچون آب یا فاضلاب جدا می شود و یا در ته نهرها یا آبهای دیگر رسوب می کنند. 2- رسوبی که ناشی از تصفیه شیمیایی، انعقاد یا رسوب سازی آب یا فاضلاب میباشد. Activated S. لجن لخته ای که در اثر هوادهی طولانی مدت فاضلاب ایجاد می شود . بعلت وجود ارگانیزم ها، از این لجن به عنوان ماده تثبیت کننده فاضلاب استفاده می شود. Digested S. لجنی که تحت شرایط هوائی و غیرهوائی هضم می شود تا میزان فراربت آن، در نقطه ای که جامدات بی ضرر و فسادناپذیرند کاهش یابد. Industrial S. مواد زاید حاصل از یک فرآیند صنعتی که به شکل مخلوطی از جامدات و مایعات تولید می شود و نیز محصولی که از تصفیه فاضلاب صنعتی به وجود می آید. Municipal S. لجنی که از تصفیه فاضلاب شهری به دست می آید. لجن ته نشین شده [قسمت جامد فاضلاب] که قبل از اینکه تجزیه بیشتری صورت گیرد به سرعت از مخزن نگهداری فاضلاب پاک می شود، . Sewage S. لجنی که ناشی از فرآیند تصفیه فاضلاب می باشد. Sulfate S. لجنی که در فرآیند جداسازی گوگرد از گازهای دودکش تولید می شود.
Sludge Cake	لجنی که به وسیله فرآیند تصفیه تا 60 الی 85 درصد آبگیری شده است . میزان آبگیری بستگی به نوع لجن و روش تصفیه دارد.
Sludge Conditioning	پیش تصفیه لجن به منظور تسهیل زهکشی و صاف کردن آن

Sludge-digestion Tank	مخازنی که از مواد زائد گازهایی مانند متان تولید می نماید. به Digester رجوع شود.
Slurry	مخلوطی از جامدات و مایعات در وضعیت سیال.
Small Quality Generator (SQG - Sometimes Referred To As "Squeegee")	اشخاص یا اقداماتی که موجب تولید 220 تا 2200 پوند مواد زاید خطرناک در هر ماه می شود.
Smoke	ذرات ریز معلق در اتمسفر که به وسیله احتراق تولید می شود. در شیمی به عنوان آنروسل جامد (برای مثال: دود اکسید منیزیم) یا ذرات مایع (دود تنباکو) حاصل از احتراق یا تجزیه گرمایی یا تبخیر تعریف می شود. تعریف این اصطلاح در قوانین آلودگی هوا متفاوت میباشد. اما به طور کلی مربوط به انتشاراتی است که با خروج از دودکشها یا لوله های بلند دیده می شود. درجه تیرگی چنین انتشاراتی (خروجیهای) برحسب مقیاس Ringelmann تعریف میشود. به Fume, Smoke Chart رجوع شود.
Smoke Alarm	وسیله ای که چگالی (غلظت) دود را بی وقفه اندازه گیری و ثبت میکند. مقدار تیرگی نور، زمانیکه پرتوی از میان دود عبور می کند اندازه گیری شده و زمانی که غلظت دود از غلظت تنظیم شده تجاوز کند، آژیر نصب شده در مجرای دودکش به صدا در می آید.
Smoke Chart	وسیله ارزیابی تیرگی ستونی از دود برحسب Smoke Shade. نمودار Ringelmann شامل چهار مربع می باشد که هر کدام بر یک شبکه از مربعهای کوچک مسلط می باشند و از لحاظ ضخامت تیرگی، قانون متفاوتی بر هر کدام حاکم است. وقتی نمودار در 15 متری مشاهده گر نگه داشته شود، در خط دید او از ستون دود، قوانین نمی توانند تشخیص داده شوند، اما سایه های متفاوت خاکستری در هم ادغام می شود. اینها به سایه های Ringelmann 1-4 بستگی دارد. مشاهده گر یادداشت می کند که کدام سایه نزدیکترین تطبیق را با ستون دود ایجاد می کند. برای سایه 1: حدود 20% منطقه مربع توسط قوانین اشغال می شود؛ نمودار معادل برای سایه های 2، 3، 4 و 60%، 80% می باشد. (سایه صفر Ringelmann سفید و سایه 5 سیاه می باشد). این شکل از نمودار Ringelmann اکنون به ندرت استفاده میشود. نمودار میکرو Ringelmann؛ فرم کاهش یافته ای است که روی آن کاهشهای دقیقی از سایه های Ringelmann 1-4 چاپ می شود. سایه های خاکستری زمانی پدیدار می شوند که کارت در طول بازو نگهداشته می شود. این کارت، شکاف یا سوراخی دارد که از میان آن ستون دود دیده میشود. نمودار دود The miniature smoke chart کارتی است که روی آن چهار سایه خاکستری چاپ می شود که با سایه های Ringelmann 1-4 تطبیق می یابد وقتی که کارت در طول بازو در دست نگه داشته می شود. (دقیقاً در فاصله 1/5 متری از چشم نگه داشته می شود) استفاده از این نمودار نسبت به نمودار میکرو Ringelmann آسانتر است. معمولاً سایه مشاهده شده Ringelmann نه تنها به جذب دود بستگی دارد بلکه به رنگ آن، قطر دودکش، روشنی آسمان نیز بستگی دارد. در تعریف عدد Ringelmann راجع به یک آسمان استاندارد و تنظیم قطر دودکش، عدد Ringelmann می تواند با جذب دود مرتبط باشد. هنگامی که با یک دودسنج تیره اندازه گیری می شود.
Smoke Concentration	اصولاً غلظت دود موجود در هوا، برحسب غلظت جرم بیان می شود. (یعنی جرم ذرات دود در حجم واحد هوا) در عمل، تعیین چنین غلظتی با استفاده از تعریف خاص، در ورود دود بسیار مشکل است. برای غلبه بر این مشکل، چندین قرارداد مختلف استفاده می شود. میزان مواد جمع شده در فیلتر دود تحت شرایط ویژه، وزن می شوند و غلظت آنروسلهای (ذرات کوچک μm جو) بدست آمده، بعنوان غلظت دود در نظر گرفته می شود. چنین رویکردی شامل ذرات آنروسلهای در اندازه μm می باشد، مبنی بر اینکه آیا از احتراق سوخت ناقص حاصل می شوند یا خیر. قرارداد دیگر، برای تبدیل تیرگی دود به غلظت دود، استاندارد معادل از منحنی درجه استاندارد استفاده می شود. چنین منحنی ممکن است با نگهداری یک فیلتر عادی دود و تعیین نقل آنروسلهای [پهلوی به پهلوی] بدست می آیند. ضمن اینکه کار بعدی بیشتر از بیان تیرگی لکه دود یا ظرفیت آلودگی هوا نیست. آن مزیتی را در دستگاہها دارد که کم و بیش در غلظت آنروسلهای تخمین زده می شود.
Smoke Eye	وسیله ای شامل یک منبع نور و یک پیل فتوالکتریکی که درجه تیرگی نور را که توسط دود حاصل از گاز دودکش ایجاد شده، اندازه گیری می کند.
Soil	خاک، زمینی که گیاهان در آن رشد می نمایند.
Soil And Water Conservation Practices	اقدامات کنترلی شامل اقدامات مدیریتی، بازسازی و کارهای ساختاری برای کاهش صدمات خاک و آب
Soil Cohesion	جذب دو طرفه بین ذرات خاک، در نتیجه نیروهای مولکولی و لایه های نازک رطوبت.
Soil Conditioners	یک ماده آلی شبیه گیاهخاک یا کمپوست که به جذب آب توسط خاک کمک می کند، موجب رشد جمعیت باکتریایی شده و مواد معدنی را جذب می کند.
Soil Moisture	آبی که در فضای خلل و فرج دار یک محل اشباع نشده وجود دارد.
Soil Plasticity	یکی از ویژگیهای خاک است که اجازه می دهد خاک تغییر شکل یابد و یا در شرایط مرطوب بدون شکستگی یا خرد شدن قالب گیری شود. (EPA).
Soil Stripping	برداشتن روخاک و زیر خاک از زمین.

Solder	ترکیبات فلزی که برای محکم کردن ارتباط میان دو لوله مورد استفاده قرار می گیرد. تاکنون اغلب لحیم کاری ها شامل 50 درصد سرب بوده است. در حال حاضر استفاده از لحیمی که بیش از 0/2% سرب داشته باشد در لوله های انتقال آب آشامیدنی ممنوع است.
Solids	جامدات. Fixed S. جامدات ثابت، جامداتی که بعد از احتراق يك ماده جامد یا تبخیر مایع باقی می ماند. Total S. مجموع جامدات محلول یا معلق.
Solid Waste	هر ماده دورریختنی یا زاید، شامل لجن های نیمه جامد، مواد تولید شده از اماکن مسکونی، تجاری یا صنعتی و یا مواد زاید ناشی از معادن و عملیات کشاورزی و تصفیه خانه های آب.
Solid Waste Disposal	آخرین جایگیری زباله که بازبایی یا بازیافت نمی شود.
Solid Waste Management	مهار (کنترل) نظام مند و هدفدار بخشهای تولید، ذخیره، جمع آوری، حمل و نقل، جداسازی، پردازش، بازیافت، بازبایی و دفن مواد زاید جامد. [مشمول بر مدیریت مواد زاید جامد از نقطه تولید تا محل دفن نهایی]
Soot	دوده، ماده سیاه رنگ کربن که از دود تشکیل می شود.
Soot Blower	دستگاه هوای فشرده یا بخار برای حرکت رسوبات گاز تولید شده در لوله های دیگ بخار (مخازن آب گرم).
Sort	1- (اسم) نوع، جور، دسته 2- (فعل) دسته بندی کردن، جدا کردن
Sorting	جداسازی دستی و استخراج مواد قابل بازیافت از مواد زاید جامد. Binary S. استخراج يك طبقه از مواد (برای مثال فلز آهنی) از ضایعات جامد ناهمگون، جداسازی اجزاء تشکیل دهنده مواد زاید به 2 جریان مبتنی بر واکنش فیزیکی، شیمیایی به شرایط وضع شده.
Source Characterization Measurements	اقداماتی که برای تخمین میزان ایجاد آلودگی از يك منبع مثل زباله سوز، محل دفن و غیره به داخل محیط زیست انجام میشود.
Source Reduction	کاهش میزان موادی که از منابعی خاص توسط طراحی مجدد تولید یا الگوهای تولید یا مصرف به داخل جریان آب میریزند. (مثلاً استفاده از قوطی های نوشیدنی قابل تغییر) ، مترادف با کاهش مواد زاید است.
Spalling Of Refractories	شکستن یا خرد کردن يك واحد نسوز به واسطه عوامل حرارتی، مکانیکی یا ساختاری. (EPA)
Source Separation	جداسازی انواع مواد زاید در یک محل تولید. (مثلاً جداسازی کاغذ، فلز و شیشه از دیگر مواد زاید برای بازیافت ساده تر و مفیدتر)
Spark Arrester	وسیله ای غربال مانند که جرقه ها، خاکسترهای نرم یا سایر مواد آتش گرفته که بیش از اندازه معین درون يك کوره زباله سوز بوده اند را در خود نگه می دارد (EPA)
Special Waste	مواردی همچون مواد زاید خطرناک خانگی، مواد زاید حجیم (بخچال، قطعات وسایل خانه و غیره) لاستیک و روغنهای مصرفی
Specific Volume	نسبت حجم به جرم. واحد SI مترمکعب بر هر کیلوگرم $\frac{m^3}{Kg}$ می باشد. حجم خاصی از مواد زاید جامد معمولاً نسبت مترمکعب در تن $\frac{m^3}{t}$ یا - در بعضی کشورها - یارد $\frac{yd^3}{Ton}$ بیان می شود.
Spoil	خاک یا سنگی که از محل اولیه اش حرکت داده می شود.
Spoil Heaps	توده ای از مواد زاید جامد که در بهره برداری از معدن تولید می شود.
Spotter	فردی که راننده کامیون را برای جایگیری خودرو به منظور بارگیری یا تخلیه آن راهنمایی می کند.
Spray	1- (اسم) اسپری، توده ای از قطرات ریز مایع 2- (فعل) پاشیدن مایعی به صورت قطرات بسیار ریز، اسپری کردن
Spray Chamber	محفظه ای که با اسپریهای آب تجهیز شده است و محصولات حاصل از احتراق کوره را که از میان محفظه می گذرند، خنک و تمیز می کند.
Spray Washer	به Dust separator رجوع شود.
Spring	پدیدار شدن آبهای زیرزمینی در مکان مشخصی از سطح زمین.
Sprinkler System	سیستم حفاظت از آتش که شامل لوله ها و افشانک هایی است که بطور خودکار زمانی که دمای محلی از سطح تعیین شده بیشتر می شود، آب را به صورت قطرات بسیار ریز می پاشد.
Squeeze-Clamp	وسیله ای شامل دو صفحه متضاد افقی که می تواند در نوع بالا برنده چنگک کامیون یا جرقویل بکار رود، برای جابجایی مواد جمع شده (بسته شده)، استفاده می شود.
Stabilization	تجزیه مواد آلی فسادپذیر توسط گروههای میکروبی هوازی یا غیرهوازی جهت ثبات محصول از نظر شیمیایی. - ایجاد تعادل بین پوشش گیاهی محل و دیگر عوامل محیطی مثل آب و هوا.
Stabilizer	تثبیت کننده، پایدار ساز
Stabilize	محکم کردن، تثبیت کردن
Stability	پایداری، پایدار بودن در برابر هرگونه تغییر
Stable	پایدار، غیرقابل تغییر
Stack	محل گذر عمودی که از طریق آن محصولات حاصل از احتراق به اتمسفر هدایت می شوند.

Stack Effect	حرکت عمودی گازهای داغ در یک دودکش که به علت گرمتر شدن ایجاد می شوند و بنابراین چگالی کمتری نسبت به اتمسفر هوا دارند.
Stack Effluent	گازها و ذرات معلق که از یک دودکش یا لوله دودکش صنعتی خارج می شود. این گازها بعنوان "گازهای دودکش" شناخته می شوند و غالباً اصطلاح "جامدات دودکش" برای ذرات جامد موجود در این گازها به کار می رود. (گرد و غبار، ذرات ریز که بزرگتر از گرد و غبار هستند و ...)
Stack Sampling	جمع آوری نمونه های انتخابی از مواد گازی و حوای ذرات جامد معلق که از طریق یک دودکش یا کانال جریان مییابند. (EPA)
Standard	یک مشخصه فنی یا مدرک قابل دسترسی برای عموم که با توافق و تصویب عمومی، تنظیم شده است و منافع عموم را تحت تأثیر قرار می دهد و مبتنی بر نتایج مشترک علم، تکنولوژی و تجربه می باشد و در جهت ارتقای منافع و بهینه سازی جامعه بوده و توسط گروه شناخته شده در سطح ملی، منطقه ای و بین المللی تصویب شده است. Primary Protection S در کنترل آلودگی هوا، حداکثر سطح پذیرفته شده آلاینده در هدف و یا بخشی از آن و یا ورودی حدکثر سطح پذیرفته شده آلاینده یا در دسرها درون هدف تحت شرایط خاص.
National Ambient Air Quality	مجموعه استانداردهای کیفیت هوا که دولت آمریکا به وسیله سازمان حفاظت محیط زیست منتشر نموده است. این استانداردها در خصوص حداکثر سطوح مجاز اکسیدهای نیتروژن، گوگرد، منواکسید کربن، هیدروکربنها، اکسیدانتهای فتوشیمیایی و ذرات ریز معلق هستند و بعنوان استانداردهای اولیه و ثانویه مطرح می شوند. استانداردهای اولیه: حداکثر سطوح ثابتی با یک مرز ایمنی مناسب و با حفظ بهداشت عمومی می باشند و باید در محدودیت زمانی ویژه پذیرفته شود. استانداردهای ثانویه: استانداردهایی هستند که حدس زده می شود برای حفاظت در مقابل اثرات نامطلوب باید رعایت شوند. (عملاً این استانداردها، بطور وسیع بر روی گیاهان تأثیرگذار هستند) و باید در زمان مناسب اطاعت و پیروی شوند.
Standards	
Star Bucket	به Grapple رجوع شود.
Start-up Period	1- در زمان شروع سرما، زمان مورد نیاز برای یک زباله سوز برای رسیدن به دمایی احتراق نرمال. 2- زمانی که بین احتراق سوخت کمکی و انتشار گرمایی مناسب از مواد زاید جامد سپری می شود تا دمایی احتراق حفظ گردد.
Steam, Superheated	بخار آب در دمایی بیش از 100 درجه سانتی گراد که توسط بخار گرما بدون تماس با آب تهیه می شود.
Sterilization	تخریب یا دفع توسط وسایل فیزیکی یا شیمیایی، از تمام میکروارگانیسم ها در یک ماده و یا یک شی.
Sterilize	1- استریل کردن، سترون کردن 2- ارگانیسمی را عقیم کردن
Sterile	1- فاقد میکروب یا ارگانیسم عفونی 2- نازا
Stoichiometric Air	به air, theoretical رجوع شود.
Stoke	سوخت رساندن به، روشن نگه داشتن
Stoker	وسیله ای مکانیکی برای تغذیه مواد زاید جامد در کوره. بطور کلی این اصطلاح برای اجاق های اتوماتیکی (خودکار) بکار می رود. Step-gate S. اجاق کوره خودکار با یک یا چند پله یا بخشهای عمودی که در نظر گرفته میشود تا نقل و انتقال کامل مواد سوختنی را تضمین کند. همچنین به واژه Grate رجوع شود.
Storage	محل موقت نگهداری مواد زاید برای دفع یا دفن، مثلاً یک محفظه، مخزن، توده مواد زاید و انبار سطحی.
Storage Pit	حفره یا گودالی که مواد زاید جامد پیش از پردازش در آن نگه داشته می شوند.
Standard Temperature And Pressure (STP)	به Normal Temperature and Pressure رجوع شود.
Stream, Solid Waste	اصطلاحی که برای یک خط جریان تکی در تصفیه خانه مواد زاید جامد به کار می رود. برای مثال: تصفیه خانه دوجریانی که دو خط تصفیه مستقل دارند.
Subsidence	فرونشینی یا فرو ریزش سطح زمین به واسطه عوامل بسیاری همچون: تجزیه مواد آلی، استحکام، زهکشی و شکستگیهای زیرزمینی. (EPA)
Subside	فروکش کردن، تنزل کردن
Subsoil	لایه ای از خاک که زیر خاک سطحی قرار دارد و معمولاً دارای مواد آلی مناسب نمی باشد. (EPA)
Substrate	در شیمی و بیولوژی: ماده یا مخلوطی از مواد که آنزیم بر روی آنها عمل می کنند و یا در میکروبیولوژی: ماده ای که یک ارگانیسم بر روی آن رشد می کند.
Sump	گودال زیر سطح عمومی یک ساختمان یا محل حفاری، به منظور جمع آوری آب و یا فراهم آوردن ذخیره آب برای پمپاژ کردن
Surface Cracking	ناپوستگی هایی که در مواد پوششی در یک محل دفن بهداشتی زباله به واسطه خشک کردن سطح یا ته نشینی ضایعات جامد توسعه می یابد. (EPA)
Surveillance System	مجموعه ای از ابزارهای پایشی برای کنترل شرایط زیست محیطی.

Swill	مواد زاید نیمه مایع شامل زایدات غذایی و مایعات آزاد.
	T
Tailgate	درب لولایی (محوری) در انتهای ظروف تخلیه مواد زاید جامد
Tailing	1- در طرح جداسازی، موادیکه برای دفع باقی بمانند، بعد از اینکه سایر مواد از ضایعات جامد استخراج و یا جداسازی می شوند. 2- مواد ثانویه یا مواد زاید جامدی که از ماده خام غربال شده و یا پردازش شده به دست می آید. (EPA)
Tare Weight	وزن وسیله نقلیه باری بدون بار
Thermal Conduction	به واژه Heat, Conduction رجوع شود.
Thermal Efficiency	نسبت گرمای استفاده شده به کل گرمای ایجاد شده (EPA)
Thermal Shock	فشاری که بر اثر تغییرات ناگهانی و زیاد دما بر بدنه یا مواد (برای مثال: جداره نسوز یک کوره) وارد می شود.
Thermal Treatment	کاربرد درجه حرارتی زیاد برای دفع مواد زاید خطرناک. به Incineration; Pyrolysis مراجعه شود.
Thermal Shock Resistance	قدرت مقاومت یک ماده در برابر گرما یا سرمای ناگهانی یا هر دوی آنها، بدون آنکه شکستگی یا خرد شدن در آن ایجاد شود.
Thixotropy	خاصیتی است که در مواد خاصی که در حالت تحت فشار به صورت مایع در می آیند دیده می شود. زمانی که فشار برداشته شود، مواد دوباره به حالت اولیه برمی گردد.
Threshold Level	میانگین وزن زمانی آلاینده که تماس با بیشتر از آن تأثیر مضر بر سلامت انسان دارد.
Threshold	دز یا مقداری که تماس با کمتر از آن تأثیر مضر بر سلامتی ندارد.
Thixotropic	انواع خاصی از خاکهای رس تیکسوتروپیک هستند.
Tidal	جزر و مدی
Tidal Marsh	زمینهای مردابی صاف و پستی که کانالهای بهم پیچیده و مرداب های جزر و مدی که در معرض سیل های جزر و مدی هستند از روی آنها عبور می کنند. معمولاً تنها گیاهان موجود در این زمینها که تحمل شوری را دارند، بوته ها و علفها می باشند. (EPA)
Tip	منطقه یا گودالی در زمین برای دفن نهایی مواد زاید جامد
Controlled Tip	به Sanitary Landfill رجوع شود.
Tipper, Hydraulic	وسيله ای که مواد زاید را تخلیه می کند، یک تریلر انتقال زباله که به وسیله بلند کردن قسمت جلویی با زاویه 70 درجه عمل تخلیه را انجام می دهد.
Tipping Beam	الوار، بتون یا تیر فولادی در کنار مخازن دریافت مواد زاید: بعنوان یک ایستگاه برای وسایل نقلیه ایست که به صورت دنده عقب به سمت مخازن می روند.
Tipping Controlled	به Sanitary Landfilling رجوع شود.
Tipping Floor	مناطق تخلیه زباله برای وسایل نقلیه ای که مواد زاید را به زباله سوز یا کارخانه پردازش مواد می رساند. (EPA)
Tire Processor	تاسیسات میانی فرایند نمودن تایرهای بازیافتی در عمل بازیافت.
Toe	کاری که در محل دفن بهداشتی صورت می گیرد. (EPA)
Tonnage	میزان مواد زاید که در دفن پذیرفته می شوند، معمولاً به صورت تن در ماه بیان می شود. مقدار مادی زایدی که یک مرکز دفن می پذیرد.
Topography	خصوصیات فیزیکی یک سطح، ارزیابی های مربوطه و موقعیت طبیعی و ویژگیهای خسارتهای ایجاد شده توسط بشر را دربر می گیرد.
Topsoil	بالاترین لایه خاک؛ معمولاً اشاره به خاکی دارد که دارای گیاهک می باشد و توانایی حفظ گیاهان خوب را دارد. [در این خاک کشاورزی صورت می گیرد]
Total Suspended Particles (TSP)	شیوه بررسی و کنترل ذرات هوا با استفاده از وزن کل
Tote Barrel	به Container رجوع شود.
Totting	زباله گردی غیرمجاز
Trace	مقدار بسیار اندک، مقدار ناچیز از عنصر

Toxic Chemical Use Substitution	جایگزینی مواد شیمیایی سمی با درجه شیمیایی کم ضررتر در چرخه صنعت
Toxic Pollutants	موادی که موجب مرگ، بیماری یا نقص مادرزادی در ارگانیسمهایی می شود که آنها را جذب می کنند .
Toxic Substance	یک ماده شیمیایی یا مخلوط که ممکن است خطر صدمه به سلامتی (بهداشت) یا محیط زیست را ایجاد کند.
Toxic Waste	مواد زایدی که می توانند در صورت استنشاق، بلعیده شدن یا جذب از طریق پوست ایجاد آسیب نمایند.
Toxicant	یک ماده یا عامل مضر که ممکن است به یک ارگانیسم خاصی آسیب برساند.
	توصیف خصوصیات سم شناختی و تأثیرات یک ماده شیمیایی، به همراه تأکید خاص بر خصوصیات دز ایجاد کننده .
Toxicological Profile	یک آزمایش، خلاصه و تفسیری از یک ماده خطرناک برای تعیین سطح تماس و اثرات بهداشتی مربوطه .
Trace Element	1- یک عنصر موجود در غلظتهای خیلی کم، (این سطح ناچیز عناصر در حکم داشتن حد بالایی از $\mu\text{g}/\text{g}$ 100 تعریف شده است). غلظتها از لحاظ عناصر موجودیشان تخمین زده می شوند، اگرچه عناصر جزئی به شکل $\mu\text{g}/\text{g}$ سایر ترکیبات در هوا وجود دارند. از نمونه های رایج و متداول از این عناصر جزئی سرب، مس، روی، آرسنیک و وانادیم میباشد. 2- در اصطلاحاتی در یک مجموعه از مواد پردازش شده، برای مثال مواد زاید جامدی که برای فرآیند پردازش یا محصول نهایی مضر هستند.
Transfer Haulage Cost	کل هزینه حمل و نقل که مستلزم حمل مواد زاید جامد از ایستگاه انتقال تا محل دفن زباله می باشد البته به غیر از هزینه های ایستگاه انتقال زباله.
Transfer Station	مکانی که زباله در آن جمع می شود قبل از اینکه به محلهای دفن زباله یا ایستگاههای تصفیه انتقال پیدا کند.
Transfer System	سیستم انتقال؛ Compaction pit t.s. سیستم انتقالی که به واسطه آن مواد زاید جامد توسط یک تراکتور در یک گودال ذخیره، متراکم می شود، قبل از اینکه این مواد به درون یک تریلر انتقال سرباز فشار داده می شود. Direct-dump t.s. سیستمی که در آن مواد زاید جامد مستقیماً از یک وسیله نقلیه جمع آوری زباله بدرون یک تریلر یا ظرف انتقال سرباز تخلیه می شود.
Transfer Vehicle	ماشینی با گنجایش زیاد که برای حمل مواد زاید جامد از ایستگاه انتقال به محل دفن زباله استفاده می شود.
Transpiration	خروج آب از گیاه از طریق [روزنه های] سطح برگهایشان.
Transpire	از دست دادن آب از طریق روزنه های سطح برگ
Transportation	انتقال
	Bulk T. انتقال (جابجایی) مواد زاید جامد در یک وسیله نقلیه با حجم زیاد از ایستگاه انتقال به محل دفن بهداشتی یا کارخانه پردازش. Hydraulic T. انتقال (جابجایی) مواد زاید جامد به وسیله یک مایع حامل در خطوط لوله. Pneumatic T. انتقال (جابجایی) مواد زاید جامد از میان خطوط لوله به وسیله جریان هوا.
Transporter	شرکت حمل معمولاً بسته ها و مواد زاید خطرناک برچسب خورده را از محلهای تولید جمع آوری می کند و آنها را برای فرآیند شدن به تأسیسات تعیین شده منتقل می کند. حمل کننده ها تحت قانون EPA و مقررات مواد زاید خطرناک DOT می باشند.
Trash	ضایعات جامد خشک که در مناطق مسکونی، ادارات و ... تولید می شود. (برای مثال : کاغذ، قوطیها، بطریها) و نقطه مقابل کلمه آشغال (Garbage) می باشد. (این کلمه در ایالات متحده آمریکا به کار می رود.)
Trash-To-Energy Plan	سوزاندن زباله برای تولید انرژی
Treated Regulated Medical	زباله های بیمارستانی که به منظور کاهش یا حذف بیماریزایی تصفیه و پردازش می شوند .
Treatment	تصفیه فاضلاب
Treatment Biological	تصفیه آب یا فاضلاب برای حذف مواد آلی موجود در آن به کمک ارگانیسم های زنده
Treatment Plant	کارخانه ای که مواد زاید در آنجا پردازش شده و به منظور آسانتر شدن دفع مواد زاید، خصوصیات فیزیکی یا شیمیایی آن تغییر می کند، کارخانه زباله سوزی، کارخانه کمپوست سازی، کارخانه گردسازی (آسیاکنی)
Trial Burn	آزمایش زباله سوز که در آن انتشارات از نظر وجود ترکیبات ارگانیکی خاص، ذرات و کلرید هیدروژن مورد بررسی قرار می گیرند.
Trimming	فرآیند مسطح کردن یک باره مواد زاید جامد در یک وسیله نقلیه .
Truck Scales	دستگاه (وسایلی) برای اندازه گیری وسایل نقلیه ؛ باسکول یا ترازوی سکودار
Turbidimeter	ابزاری برای اندازه گیری جامدات معلق یا کلونیدی در یک مایع، اندازه گیری کمی مواد جامد معلق.

Turning Circle	منحنی حداقل شعاع مورد نیاز برای اینکه هر وسیله نقلیه ای بتواند به سمت مقابل حرکت کند .
Tuyeres	سوراخهایی در یک اجاق که هوا از میان آن مستقیماً عبور می کند و احتراق بهتر صورت گیرد.
Tynes	دندانه های فولادی روی یک چنگک یا تیغه مکانیکی که به درون مواد فرو می رود و آنها را بلند می کند.
	U
U-blade	یک صفحه (تیغه) با دنباله ای در هر طرف : این دنباله ها با یک زاویه منفرجه به سمت جلو بیرون آمده اند و نسبت به یک صفحه معمولی امکان جابجایی در حجم بزرگتری از مواد زاید جامد را فراهم می سازد.
Underfire Air	هوای تنظیم شده ای که به میزان کنترل شده ای در زیر اجاق تأمین می شود و از میان بستر سوخت عبور می کند.
Underground Injection Wells	صفحات فولادی محکم که مواد زاید خطرناک در آن تحت فشار دفع می شوند.
Unloading Bulkhead	تیغه (صفحه) فولادی که ضایعات را به بیرون از درهای عقبی یک تریلر با محفظه محصور می برد. این تیغه به وسیله سیلندری قدرتی، هیدرولیکی و جمع شونده کشیده شده و از طول سیلندر عبور می کند.
Uranium Mill Tailings Piles	محل‌های فرآیند نمودن سنگ معدن اورانیوم که شامل پس مانده های مواد رادیواکتیوی (مواد زاید) می باشد و رادیوم و اورانیوم بازیافت شده را نیز دربر می گیرد.
Utility, Private	حرفه خصوصی [در آمریکا] که بر طبق مجوز دولتی با امتیاز انحصاری، زباله ها را جمع آوری، پردازش و دفع می کند.
Utilization Factor	سنجش دستگاه یا عملکرد ماشین از لحاظ زمان استفاده واقعی در مقایسه با کل زمان قابل دسترسی.
	V
Valve Chamber	واحدی در سیستم نقاله های بادی که شیرآلات در آن جای گرفته است ، مجهز به یک محور عمودی است که منجر به گردش افقی لوله های انتقال می شود .
Vector	صرفاً هر حیوانی که یک عامل عفونی (مسری) را از یک میزبان آلوده (با مواد دفعی آن) به میزبانی دیگر یا نزدیکترین محیط خود حمل می کند. در عمل این اصطلاح منحصر می شود به حیوانی که وابسته به شاخه ای متفاوت از شاخه میزبان می باشد و این بیشتر برای بندپایان بکار می رود.
Vehicle, Moving-Floor	وسیله نقلیه ای که به کف متحرکی مجهز بوده و این کف مشتمل بر صفحات فولادی و لولایی می باشد که به زنجیرهایی متصل است و بطور مکانیکی می تواند به سمت عقب یا جلو حرکت می کند.
Vehicle, Satellite	وسیله نقلیه کوچک جمع آوری زباله که بارهایش را به یک وسیله نقلیه بزرگتری که به همراه آن کار می کند، انتقال میدهد. (EPA)
Vehicle Wight, Permissible Gross	حداکثر وزن بارگیری شده که یک وسیله نقلیه می تواند بطور قانونی در جاده های عمومی حمل کند.
Venture Scrubber	به Dust Separator رجوع شود.
Vertical Cell System	به Vertical Digester under digester رجوع شود.
Vinylchloride	ترکیب شیمیایی که برای تولید پلاستیک بکار می رود
Virgin Materials	منابعی که به شکل خام از طبیعت استخراج می شوند. مثل : چوب یا سنگ معدن فلز
Vitrification	فرآیندی که به موجب آن، دماهای بالا باعث تغییرات فیزیکی و شیمیایی دائمی در یک جسم سرامیکی می شود و قسمت اعظم آن را به شیشه تبدیل می کند. (EPA)
Vitrify	تبدیل به شیشه کردن

Volatile	هر ماده ای که آمادگی تبخیر شدن را دارد.
Volatile Liquids	مایعاتی که به راحتی در دمایی اتاق تبخیر یا بخار می شوند.
Volatile Matter	افت آشکاری از یک پسماند گداخته شده در دمایی 25 ± 600 °C و دوره زمانی مناسب که معمولاً 10-12 دقیقه میباشد و این کاهش به منظور رسیدن به وزن ثابتی از پسماند می باشد.
Volatile Solids	مقدار ماده از دست رفته از یک نمونه ضایعات جامد خشک، به گونه ای که در مخزن سربازی در یک کوره تهویه دار، به آن حرارت داده می شود تا به رنگ قرمز دربیاید. وزن جامدات فرار برابر با ماده فراربعلاوه کربن ثابت می باشد.
Volnerability Analysis	ارزیابی عوامل مرتبط که مستعد ایجاد خسارت هستند در صورتیکه مواد خطرناک آزاد می کنند.
Volume Reduction Ratio	نسبت حجم ورودی به خروجی در طرح تصفیه مواد زاید جامد.
W	
Wall	دیواره نسوز در کوره زباله سوز شامل مجراهایی که از طریق آن هوای خنک تحت فشار قرار می گیرد و با به وسیله کنوکسیون به جریان می افتد. Battery W. or Division W. یک دیواره مشترک یا مضاعف بین دو محفظه احتراق کوره، که هر دو طرف آن در معرض حرارت می باشد. Bridge W. یک بخش بین محفظه هایی که محصولات احتراق از روی آن می گذرد. Core W. در دیواره مشترک بین دو محفظه احتراق، بخشهای مرکزی آجر را می گویند که با بخش دیگر تماس ندارد. Curtain W. ساختار نسوز یا سپری که گازهای احتراق را به سمت پایین منحرف می کند. Gravity W دیواره کوره که مستقیماً به وسیله پایه یا کف ساختار حفاظت می شود. Insulated W. دیواره کوره که با مواد نسوز عایق بندی شده است. Sectionally Supported W. دیواره کوره یا دیگ که شامل بلوکها یا قالبهای نسوز ویژه ای است که کار گذاشته شده و به وسیله قالبهای فلزی حفاظت می شود. Unit Suspended W. دیواره کوره یا چارچوب معلق از یک ساختار فلزی. Water W. پوشش داخلی کوره که از لوله های فلزی ساخته شده است و آب در آن به چرخش در می آید. اصطلاح فوق در ارتباط با دریافت گرما به کار می رود. زمانی که مواد زاید جامد سوزانده می شود.
Waste	الف - (اسم) زباله، نخاله ب - (صفت) بی مصرف، زائد ج - (فعل) اسراف کردن، مصرف کردن بیش از اندازه
Waste	موادی که محصول اولیه نیستند و منبع اصلی آن فرآیند صنعتی می باشد. ضایعات حاصله از چنین صنایعی هم بعنوان محصولات جانبی فرآیندهای صنعتی و هم بعنوان دورریختنی های مصرف کننده محصولات تولید شده می باشند. به Refuse, Solid waste رجوع شود. Agricultural W. مواد زاید حاصل از فعالیتهای کشاورزی و دامپروری که شامل فضولات حیوانی می باشد. Bulky W. یک طبقه خاصی از مواد زاید بزرگ و حجیم بگونه ای که نمی توان آن را در یک سطل زباله یا کیسه زباله قرار داد و انبار کرد. Consumer W. محصولات تولید شده که عمر مفید آنها به پایان رسیده است و یا محصولاتی که کهنه و بی مصرف شده اند و دورریختنی هستند. Container W. اصطلاحی که در تجارت کاغذ باطله برای نمونه های فیبرهای جامد و شیاردار (موج دار) کهنه بکار می رود و این اختصاص به هر نوع تخته ای می باشد. Demolition W. قطعه های شکسته سنگ و آجر و سایر مواد زایدی که حاصل از تخریب یا ساخت مجدد ساختمان می باشد. Domestic W. ضایعات جامدی که از محیط مسکونی به وجود می آید. Farm W. به Agricultural waste رجوع شود. Food W. مواد زاید حیوانی و سبزیجاتی که از جابجایی، ذخیره، فروش، آماده سازی، آشپزی و مصرف غی آن چهار سایه خاکستری چاپ می شود که با سایه های Ringelmann 1-4 تطبیق می یابد
Waste	Food-Processing W. ضایعات حاصله از عملیاتی که شکل و ترکیب محصولات کشاورزی را برای مقاصد بازاریابی تغییر می دهند. (سازمان حفاظت محیط زیست) Garden W. گیاهان بریده شده و سایر مواد دورریختنی از باغ Hazardous W. مواد زایدی که به علت ویژگیهای فیزیکی، شیمیایی یا زیستی، نیاز به جابجایی و شیوه دفع خاص دارد تا از به خطر افتادن سلامتی و تخریب ملک جلوگیری شود. Incombustible W. موادی که نمی توانند در دماهای نرمال زباله سوز مواد زاید جامد ($800 - 1000$ °C) سوزانده شوند، و بیشتر مواد غیرآلی همچون فلزات، شیشه و سرامیکها را شامل می شود. Industrial W. مواد زایدی که از فعالیتهای صنعتی ناشی می شود. Inert W. مواد زایدی که شکل و ویژگیها و بخشی از خصوصیات فیزیکی آن بطور مبهمی باقی می ماند در حالیکه تأثیر محسوس (قابل ملاحظه ای) بر روی محیط ندارند. Institutional W. مواد زاید
Waste	جامدی که از مراکز آموزشی، مراقبت بهداشتی، تحقیقات و موسسات مشابه به وجود می آید. Medical W. مواد زایدی همچون لباس های جراحی از آسایشگاهها یا ساختمانهای مسکونی، جایی که بیماران تحت مراقبت پرستاری میباشند. چنین مواد زایدی بطور مجزا جمع آوری می شوند و نیاز به جابجایی و دفع خاص دارند. Organic W. مواد زاید جامد که بیشتر یا تماماً از مواد آلی می باشند. Packing-Station W. مواد زاید حاصل از کارخانه های پردازش طیور که مشتمل بر پرها، دل و جگر و فضولات و خون طیور میباشند. Pesticide W. پسماندی که از تولید، جابجایی و یا استفاده از آفت کشها ایجاد می شود. Process W. مواد زاید که از پردازش مواد در صنعت تولید به وجود می آید. Radioactive W. مواد زایدی که مشتمل بر مواد رادیواکتیو می باشند و نیاز به جابجایی و دفع خاصی دارند.
Waste	Residential W. به Domestic waste رجوع شود. Special W. مواد زایدی که شامل مواد خطرناک جامد یا مایع میباشند. همچون مواد قابل اشتعال، انفجار، سمی، رادیواکتیو یا پاتوژنیک می باشند. Terminal W. مواد زایدی که آلوده کننده های آن ثابت هستند و بهتر کنترل می شوند. در این مفهوم اکثر ضایعات جامد، مواد زاید ترمینال می باشند. Trade W. مواد زاید جامدی که در مغازه ها، ادارات و سایر موسسات تجاری به وجود می آیند، مراکزی که محصولات صنعتی تولید نمی کنند. Vegetation W. مواد زایدی که از تولید محصول و سایر فعالیتهای کشاورزی یا باغبانی بوجود می آید. Woodpulp W. پسماند چوب یا فیبر کاغذ که از یک فرآیند صنعتی ناشی می شود.

Waste Characterization	طبقه بندی خصوصیات شیمیایی و میکروبیولوژیکی یک ماده زاید.
Waste Disposal	فرآیند منظمی از دور ریختن مواد بی مصرف و بی فایده
Waste Exchange	روشی که در آن شرکتها مواد زاید خود را برای سود بردن از دو جناح مبادله می کنند.
Waste Feed	جریان دادن مداوم یا ادواری مواد زاید به داخل یک زباله سوز.
Waste Generation	وزن یا حجم ماده و فرآورده هایی که قبل از بازیافت شدن، کمپوست شدن، دفن یا سوزاندن به جریان وارد می شوند. همچنین مقدار مواد زاید تولید شده توسط یک منبع خاص یا گروهی از منابع را نشان دهد.
Waste Load Allocation	حداکثر بار آلاینده که مجاز به تخلیه به گذرگاههای آبی خاص می باشد .
Waste Paper	روزنامه ها، مجلات، کارتن ها و سایر موادی که به منظور بازیافت (چرخه مجدد) از مواد زاید جامد جدا می شوند.
Waste Piles	در کانتینر قرار ندادن، انباشتگی خطی یا غیرخطی مواد زاید
Waste Minimization	اقدامات یا تکنیکهایی که میزان مواد زایدی را که در فرآیندهای تولید صنعتی ایجاد می شوند کاهش می دهد. این واژه در مورد بازیافت و دیگر اقدامات کاهش مواد زایدی که به جریان آب می ریزد هم به کار برده می شود.
Waste Reduction	استفاده از منابع، کاهش، بازیافت یا کمپوست با هدف جلوگیری یا کاهش تولید مواد زاید.
Waste Source	فعالیتها، کشاورزی، مسکونی، تجاری و صنعتی که در آن مواد زاید تولید می شود. (EPA)
Waste Stream	جریان اصلی مواد زاید جامد خانگی، تجاری، اداری و کارخانجات که قابل بازیافت یا سوزاندن بوده و یا در مرکز دفن دفع شده یا قطعه قطعه می شوند. مثل "جریان مواد زاید خانگی" یا "جریان مواد زاید قابل بازیافت"
Waste Treatment Stream	حرکت مداوم مواد زاید از تولید تا پردازشگر یا دفع کننده.
Waste-Heat Recovery	بازیابی گرمای تولیدی از یک فرآیند به منظور استفاده از آن در یک فرآیند ثانویه .
Waste - To - Energy Facility / Municipal-waste Combustor	تلسیساتی که از طریق آن مواد زاید شهری به یک فرم مفید انرژی تبدیل می شود مثلاً سوزانده می شوند.
Waste Water	آب مصرف شده در خانه ها، جوامع، مزارع یا صنایع که حاوی مواد محلول یا معلق می باشد.
Water	آب/مابع حیاتی با فرمول H_2O Boiler W. آب موجود در یک دیگ، زمانی که بخار در آن وجود دارد یا به وجود می آید. Capillary W. آب ریزر میانی که بواسطه عمل موینگی بالای سطوح ایستایی حفظ می شود. Make-up W. آب تصفیه آب؛ مخصوصاً تصفیه آبهای خوراکی دیگ بخار.
Water Conditioning	تصفیه آب؛ مخصوصاً تصفیه آبهای خوراکی دیگ بخار.
Water Table	سطح آزاد از یک منطقه اشباع شده؛ یعنی سطحی که خاک اشباع شده فوقانی را از خاک اشباع شده زیرین جدا می سازد.
Water Transport	1- انتقال به وسیله قایق های باری، کشتی ها و غیره 2- انتقال ضایعات جامد در یک نهر آب.
Water Pollution	وجود مواد مضر یا نامطبوع در آب که به کیفیت آب آسیب می رساند.
Weighbridge	ماشینی سکودار برای وزن کردن وسایل نقلیه
Wet Line Kit	سیستمی که به همراه یک تریلر انتقال با محفظه محصور، استفاده می شود تا تیغه تخلیه را به کار اندازد. پمپ هیدرولیکی تیغه به وسیله واحد انتقال حرکت که روی دنده نیمه تراکتور وجود دارد به حرکت در می آید.
White Goods	وسایل آشپزخانه و یا سایر وسایل لعابی و بزرگ دورریختنی
Whole-Effluent-Toxicity Tests	آزمایشاتی برای تعیین مقدار سمیت آلودگی های حاصل از یک منبع مجزا .
Wind Box	محفظه ای زیر اجاق کوره یا اطراف مشعل که هوای درون محفظه، برای سوزاندن سوخت تحت فشار قرار می گیرد.
Windrowing, Modified	کمپوست کردن به طریقه ویندرو که در آن هوا به میزان کنترل شده به مواد کمپوست دمیده می شود تا سرعت تخمیر را افزایش دهد.
Wire-To-Wire Efficiency	بازده پمپ و موتور با هم
Wood Packaging	محصولات چوبی مثل تخته های پهن، صندوقهای چوبی، خمره چوبی

